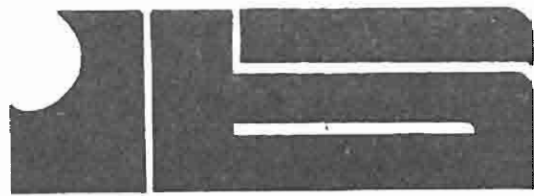


مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۳۵۹

((اکثریت))

شماره ۸۰ - قیمت ۳۰ ریال - ۲۴ صفحه

مقاومت شورانگیز مردم، در برابر جنایات وحشیانه

رژیم صدام حسین روحیه تجاوزگران را درهم شکسته است

★ اینک این آواز خروشان و نیروبخش در همه جا طنین انداز است:

مرگ بر امپریالیسم و تجاوزگران.... زنده باد خلق...!

جنایات رژیم ضد مردمی و ضد امپریالیست جهان را صدام حسین در بمباران مناطق مسکونی و قتل عام مردم غیر نظامی نفرت و انزجار همه مردم ترقیخواه را برانگیخته است. توپخانه رژیم عراق با دهها کیلومتر برد، از داخل خاکش هر ۴ الی ۵ دقیقه در مثلث دود* شروع به شلیک می کند، هدف هایی که از آن سوی مرز نشانه می روند به جای مواضع نظامی مناطق مسکونی شهرهاست و بقیه در صفحه ۲۳

پیکار علیه تجاوز رژیم صدام
پیکار علیه امپریالیسم امریکا و
جبهه ضد انقلاب جهانی است!

صف بندی حول جنگی که میان رژیم تجاوزگر عراق و جمهوری اسلامی در گرفته ، لحظه به لحظه نمایان و نمایان تر می شود. دیگر برای میلیون ها ایرانی مبارز معلوم شده است که ما نه با رژیم ضد مردمی عراق ، بلکه با امپریالیسم آمریکا ، رژیم های سرسپرده آن در منطقه ، همه متحدان داخلی آن و نیز رژیم ضد مردمی عراق و در یک کلام با جبهه ضد انقلاب جهانی در نبردیم و این ، نبردی اجتناب ناپذیر برای انقلاب و یا هر انقلابی است که در تداوم خود سنگرهای امپریالیسم را یکی پس از دیگری درهم می شکند . نمی توان از راه های پرپیچ و خم و دشوار انقلاب تا سر منزل پیروزی را پیمود ، اما با مصائب و دشواری های این راه و با حرامیان جنایتکاری که در هر پیچ این راه پر خطر، برای شیخون به انقلاب کمین کرده اند، رو به رو نشد.

رژیم اردن که از سرسپردگان دیرینه امپریالیسم آمریکا است ، رژیم یوشالی و دست نشانده عربستان سعودی که دیری است بقیه در صفحه ۲

طبقه کارگر قهرمان ایران پیشاپیش مردم میهن علیه تجاوز امپریالیسم امریکا و رژیم صدام پیکار می کند

در صفحه ۲۱

فدائی رهبر دولت ترقیخواه لیبی:

در سنگر پیکار عادلانه مردم ما در برابر تجاوز رژیم ضد مردمی صدام حسین

در صفحه ۱۴

از یادداشتهای فدائیان خلق

بر این کوه های سرفراز، حکمه های خون آلود
را راهی نیست
عقاب این کوهستان هرگز اسیر صیاد نمیگردد

از تمامی رفقای که در پیکار علیه تجاوزگران شرکت دارند ، چه آنان که در سنگرهای نخستین جنگ مقاومت می رزمند ، چه آنان که در نقاط اشغالی مرزی علیه تجاوزگران پیکار می کنند و چه رفقای که در پشت جبهه ، در کارخانه ها ، در بیمارستان ها و یا در هر جای دیگری به هر شکل در این پیکار عظیم خلقمان علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد مردمی عراق می رزمند ، می خواهیم یادداشت ها ، مشاهدات و تجارب و آموزش های خویش را برای درج در "گار" بفرستند . در صفحه ۳

کسانی که بمباران شهرهای عراق را
تبلیغ می کنند ، با انقلاب ایران و با وحدت
مردم ایران و عراق دشمنی می کنند!

در صفحه ۱۴

در این شماره:

فلم های مشکوک در روزنامه جمهوری اسلامی
همچنان علیه وحدت مردم تبلیغ می کنند!

در شمال خراسان
ضد انقلاب خود را آماده تهاجم کرده است! در صفحه ۱۱۹

گردانندگان روزنامه «میزان» خط خود را بر تأمین منافع امپریالیسم «میزان» کرده اند

در صفحه ۵

انقلاب در آمریکای لاتین و

استراتژی امپریالیسم امریکا

شکوفائی فرهنگ

در

همچارستان سوسیالیستی

جیش کارگری ایران
بهبود شرایط کارگران
هدف انقلاب است! در صفحه ۸

سندیکای کارگران خاها،
تهاجم به سندیکا و دستگیری
۱۲ تن از کارگران را
شدیدا محکوم کرد در صفحه ۸

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم!

بقیة در: نحه ۱

پیکار علیه تجاوز رژیم صدام

شبه‌جزیره را به جولانگاه یانکی‌های جنایتکار و غارتگر بدل ساخته و هم اینک با ادامه تجاوز رژیم عراق علیه ایران عربستان را به پایگاه هواپیماهای جاسوسی آمریکا تبدیل ساخته است، رژیم خائن انورسادات، هزاران مزدور جنایتکار رژیم پهلوی که از قیام تاکنون در عراق، اسرائیل و مصر برای تهاجم علیه انقلاب خود را آماده کرده‌اند، جبهه ضد انقلاب داخلی که در غرب و جنوب و دیگر مناطق ایران خود را متشکل ساخته است، جملگی با حمایت و تشویق امپریالیسم آمریکا آشکارا و همزمان به انقلاب ایران اعلام جنگ داده‌اند و خلق کبیر ما که بارسنگین انقلاب را به دوش دارد، هم اینک با این جبهه گسترده ضدانقلاب در پیکاری تاریخساز درگیر است.

دیگر مردم ما به عینیه می‌بینند که امپریالیسم پس از هر شکست با نیروئی ده‌چندان به‌جنگ انقلاب می‌آید. اگر واقعه طیس با شکست مفتضحانه عملیات امپریالیسم آمریکا روبه‌رو می‌شود، کودتای وسیع نوزده تریب می‌یابد و وقتی این کودتا شکست می‌خورد امپریالیسم آمریکا و تمامی جبهه ضدانقلاب جهانی از کانال رژیم مرتجع عراق به جنگ انقلاب می‌شایند و انقلاب ما درگسترش و تداوم خود هر روز با جبهه فشرده‌تری از ضدانقلاب رویارو است.

جز این، هر اندیشه‌ای نادرست است، تجارب ویتنام، کامبوج، کوبا، انتیوی و آنگولا همگی گواه بر این واقعیت‌اند. مگر تجربه افغانستان را به‌عنوان نمونه‌ای که در جلوی چشمان است؛ شاهد نستیم و مهمتر از همه مگر تجربه عظیم از قیام تاکنون ایران چیزی جز این واقعیت را بازگو می‌کند.

همه تجارب و شواهد و جملت ذاتی امپریالیسم آشکارا اعلام می‌دارند که در تداوم انقلاب ایران و اوج‌گیری مبارزات سایر خلق‌های منطقه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های مرتجع و دست‌نشانده درگیری گسترده جبهه انقلاب و ضدانقلاب در میهن ما و در منطقه گسترش خواهد یافت و همراه با اوج‌گیری مبارزات خلق‌های منطقه علیه امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده، ارتجاعی، ایران و منطقه خاورمیانه همچنان در روزهای آتی مهم‌ترین صحنه نبرد انقلاب و ضدانقلاب جهانی خواهد بود و درگیری میان این دو جبهه شدت و وحدت و گستردگی بیشتری خواهد یافت.

در حول این پیکار تاریخساز، صبندی نیروهای انقلاب و ضدانقلاب آشکارتر از پیش شکل می‌گیرد. این صبندی چه در چارچوب مرزهای میهن ما و چه در سطح منطقه و جهان هم اکنون به مقیاس نسبتاً وسیعی شکل گرفته و به‌تدریج کامل می‌شود. هم‌اینک بیشتر رژیم‌های ترقیخواه عرب، در قبال جنگ رژیم صدام با ایران، موضع جانبدارانه خود را در قبال پیکار عادلانه مردم ما علیه امپریالیسم و علیه رژیم تجاوزگر عراق ابراز داشته‌اند و در مقابل رژیم‌های سرسپرده و دست‌نشانده منطقه آشکار و پنهان از تجاوز رژیم عراق علیه زحمتکشان ایران حمایت می‌کنند.

با توجه به آن که این رژیم‌های سرسپرده بدون اجازه امپریالیسم آمریکا حق نفس کشیدن ندارند، پر واضح است که حمایت فعال اردن از تجاوز رژیم عراق، حمایت سادات و عربستان سعودی و دیگر رژیم‌های سرسپرده منطقه از عراق به دستور امپریالیسم آمریکا انجام می‌شود.

در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند و در پایگاه‌های دیه‌گوگاریا، زبره، عمان و غیره هم‌اینک ناوگان‌های نیروی دریایی آمریکا، اسکادران‌های کجند، هواپیماهای آواکس، بمبارکن‌های بی-۵۲ و ده‌هزار تفنگدار دریایی علیه انقلاب شکوهمند ما در فعالیت‌اند. می‌دانیم که نیروهای تجاوزگر امپریالیسم آمریکا با خوانین، فئودال‌ها و مزدوران مناطق جنوب میهن و بطور کلی جبهه ضدانقلاب داخلی، در ارتباطند. امپریالیسم آمریکا امیدوار است که با جنگ عراق علیه ایران و حمایت رژیم‌های مرتجع منطقه از یکسو با صدور ضدانقلاب به ایران، مقاومت خلق ما را درهم شکنند و از سوی دیگر احساسات روبرو افزایش ضدامپریالیستی - ضدصهیونیستی خلق‌های عرب و ایران را که هر روز اوج و گسترش بیشتری می‌گیرد،

به ناسیونالیسم کور، بااختلافات شیعه و سنی و به جنگ میان زحمتکشان عرب و ایران بدل سازد و بدینسان پیکار توفنده‌ای را که با اوجگیری خود بساط امپریالیسم و ارتجاع منطقه را درهم می‌نوردد، به نیرویی علیه منافع خلق‌های منطقه تبدیل کند و در این راه رژیم ضدمردمی صدام حسین دقیقاً به خدمت هدف‌های شوم امپریالیسم آمریکا درآمده است.

هرگونه تلاش در این جهت که جنگ عراق علیه ایران در اساس بر سر اختلافات مرزی است، دقیقاً همان چیزی است که امپریالیسم آمریکا می‌خواهد و هر کوششی برای ایجاد چنین ذهنیتی در توده‌ها کوششی است در جهت جایگزین کردن شور و احساسات ضدامپریالیستی یا ناسیونالیسم کور و شوینسم که بر بستر آن نیروهای مورد حمایت امپریالیسم زیر پوشش شعارهای "ملی‌گرایانه" رشد می‌کنند.

در این رابطه باید تلاش لیبرال‌ها و محافل دیگری را که می‌کوشند با دامن زدن به ناسیونالیسم و منحرف ساختن افذهان توده‌ها از توجه علیه امپریالیسم آمریکا و از گسترش و تعمیق انقلاب جلوگیری کنند، جدی گرفت. بدالله سحابی در جلسه علنی مجلس در مخالفت با سخنان حجت‌الاسلام موسوی خوئی‌نی‌ها آشکارا تجاوز امپریالیسم آمریکا را علیه ایران، آن‌هم در مقطعی که خلق ما در گسترده‌ترین صحنه نبرد علیه امپریالیسم آمریکا شرکت دارد، انکار کرد و اعلام داشت که ما با امپریالیسم آمریکا در جنگ نیستیم که قطعا مقصود او از "ما" نه مردم ایران، بلکه لیبرال‌ها بود که صدالبته هرگز با امپریالیسم در جنگ نبوده و نخواهند بود.

روزنامه جدیدالولاده بازرگان و شرکا (میزان) نیز از یکطرف مودیانه تلاش دارد توجه مردم را از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا منحرف سازد و ناسیونالیسم کور را جانشین مبارزه ضدامپریالیستی توده‌ها سازد و از سوی دیگر به سبک تبلیغات ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی می‌کوشد دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران را در کنار دوستان پیگیر انقلاب ایران بگذارد و دشمنی توده‌ها را نسبت به امپریالیسم به دشمنی علیه دولت‌های ترقیخواه جهان بدل سازد. در این میان برخی از محافل ارتش علیرغم احساسات ترقیخواهانه و ضدامپریالیستی پرسنل انقلابی و اکثریت توده‌های ارتش با تبلیغات بازرگان و شرکا، هماهنگی کامل دارند و می‌کوشند احساسات ناسیونالیستی و دشمنی خلق‌های ایران و عراق را جانشین شور و احساسات ضدامپریالیستی توده‌ها سازند.

رئیس جمهور نیز هرچند که در مصاحبه‌های خود بر این واقعیت تأکید دارد که مبارزه ما علیه

امپریالیسم آمریکا است و حساب رژیم ضد مردمی صدام حسین را از مردم مبارز عراق جدا می‌سازد، اما همچنان با یکسان جلوه دادن دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان با اردوگاه سوسیالیستی عملاً جبهه دشمنان و دوستان انقلاب ایران را درهم می‌ریزد و با ادامه این سیاست مخرب به اعتبار و حیثیت انقلاب ایران در سطح جهانی و به مبارزات ضدامپریالیستی زحمتکشان ایران آسیب می‌رساند، ادامه این تبلیغات بیش از همه به سود لیبرال‌ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم و به زیان وحدت ضدامپریالیستی مردم ایران و تعمیق و گسترش انقلاب ایران تمام می‌شود.

از اینها گذشته برخی از نیروهای جمهوری اسلامی به حکم انحصارطلبی‌های سیاسی فوق‌العاده خویش در بحبوحه پیکار مردم ما علیه تجاوزگران همچنان به تبلیغات کینه‌توزانه علیه انقلابیون کمونیست ادامه می‌دهند و همچنان همان سیاستی را که تاکنون بیشترین صدمات را بیهودت مردم ایران وارد ساخته ادامه می‌دهند و هنوز با شدت و حدت به سیاست دروغ، جعل و سانسور علیه انقلابیون کمونیست که جان‌برکف همدوش با پاسداران و پرسنل انقلابی و مردم زحمتکش غرب و جنوب غربی میهن علیه تجاوز رژیم ضدمردمی عراق پیکار می‌کنند، ادامه می‌دهند. برای نمونه با آنکه رهبران حزب جمهوری اسلامی دست کم ماهها است از سیاست سازمان ما در کردستان مطلعند و به‌خوبی می‌دانند که ما هر نیرویی را که در کردستان علیه جمهوری اسلامی بجنگد قاطعانه محکوم می‌کنیم، و با آن که نشریه "کار" بارها به‌صراحت مواضع سازمان را اعلام داشته، با این وجود روزنامه حزب اصرار دارد مواضع کاملاً روشن و صریح سازمان را مخدوش سازد و با مواضع سازمان ما را با مواضع گروه‌های آنارشیزست و ناسیونالیست یکسان جلوه دهد و این در شرایطی

است که به روشنی می‌توان دید که انقلاب ایران از داخل و خارج با چه مخاطرات عظیمی روبه‌رو است و پیروزی در همه صحنه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی نبرد چه فداکاری و از خودگذشتگی‌های بی‌حد و حصری از نیروهای آگاه و مبارز خلق طلب می‌کند.

با این همه هرگاه زمینه‌های اتحاد عمل نیروهای ترقیخواه در مبارزه علیه جبهه ضدانقلاب، با تلاش پیگیر و همه‌جانبه ما و سایر نیروهای ترقیخواه در صحنه پیکار تحقق یابد، از هم اکنون می‌توان چشم‌انداز روشنی برای تداوم انقلاب ترسیم کرد.

به رغم تبلیغات عوامفریبانه لیبرال‌ها و تبلیغات همه‌جانبه رادیوها و رسانه‌های گروهی امپریالیسم و صهیونیسم، نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه در حکومت جمهوری اسلامی و به‌ویژه اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن تأکید بر نزدیکی مردم ایران و عراق در مبارزه علیه امپریالیسم، تهاجم رژیم عراق علیه انقلاب ایران را به‌درستی جزئی از تهاجم امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران می‌دانند و برآنند که پیکار علیه تجاوزات رژیم عراق را به خدمت گسترش هرچه بیشتر علیه امپریالیسم آمریکا درآورند و تلاش‌های عوامفریبانه لیبرال‌ها را پیاپی خنثی سازند.

بنابراین در رابطه با جنگ عراق و ایران هم‌اکنون دو دیدگاه که هر یک تمایلات طبقاتی معینی را نمایندگی می‌کند، در حکومت جمهوری اسلامی باهم در ستیزند. یکی دیدگاه ترقیخواهانه‌ای که به‌درستی پیکار عادلانه خلق ما را علیه رژیم عراق در چارچوب مبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران می‌بیند و در این رابطه خواهان تعمیق و گسترش مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و علیه رژیم‌های مرتجع منطقه است و دیگری دیدگاهی که جنگ عراق و ایران را محلی برای منحرف ساختن توجه مردم از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رشد گرایشات ناسیونالیستی در توده‌ها یافته است. وقتی تبلیغات ناسیونالیستی دوم با تبلیغات و تفسیرهای رسانه‌های گروهی امپریالیست‌ها مقایسه می‌شوند هیچ تفاوت مهمی میان این دو یافت نمی‌شود. ما و همه ترقیخواه ترقیخواه پشتبان دیدگاه نخستین که دیدگاه اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دیدگاه هر نیروی ضدامپریالیست در حکومت جمهوری اسلامی است، هستیم و قاطعانه با دیدگاه دوم که بیش فراکسیون لیبرال‌ها در مجلس و باقیمانده لیبرال‌ها در حکومت و نیز برخی از محافل ارتش است، مبارزه می‌کنیم و آن را دشمنی و خصومت با انقلاب ایران و هوسویی با امپریالیسم می‌دانیم و همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست را به افشای آن فرا می‌خوانیم.

دیدگاه لیبرال‌ها هرچند که در شرایط تجاوز عراق علیه ایران زمینه خودنمایی و رشد یافته و هرچند که در صورت عدم افشای پیگیر و مبارزه همه‌جانبه با آن می‌تواند بر سیاست‌های جمهوری اسلامی تأثیرات مهمی برجای گذارد و از این رو است که ما نسبت به رشد این دیدگاه به همه نیروهای ترقیخواه هشدار می‌دهیم، اما با توجه به وضعیت نیروهای ضد امپریالیست در درون حکومت جمهوری اسلامی، از هم‌اکنون می‌توان پیش‌بینی کرد که به احتمال زیاد موفقیتی برای آن متصور نیست.

در تداوم انقلاب و در ادامه پیکار گسترده زحمتکشان ایران علیه امپریالیسم و جبهه داخلی ضد انقلاب، همچنان که گفتیم، صبندی طبقاتی روز به روز صورت روشن‌تر و مشخص‌تری بخود می‌گیرد و تئوری‌ها و پیشداوری‌هایی که در افذهان سرد و تاریک گروه‌های "چپ‌رو" شکل گرفته بودند با نخستین تابش آفتاب گزنده واقعیت‌ها مثل برف تموز به سرعت آب می‌شوند.

وقتی رژیم عراق با حمایت آشکار رژیم‌های اردن عربستان سعودی، عمان، مصر، شیخ‌نشین‌ها و ارباب همه آنها امپریالیسم آمریکا و همراه با هزاران مزدور تحت فرماندهی جلال‌الدین مثل اوبسی و پالیزبان و دیگر نیروهای متعلق به جبهه داخلی ضدانقلاب در تهاجمی گسترده و همه‌جانبه با حکومت جمهوری اسلامی ایران آشکارا وارد جنگ می‌شوند، دیگر عرصه عوامفریبی و توجیه تئوری‌ها و نظرات مفلوطی که در ماه‌های گذشته عقب‌مانده‌ترین نیروها را به‌خود جذب کرده بود، باقی نمی‌ماند.

مبارزه خلق ما با امپریالیسم در همه صحنه‌ها گسترش یافته و در عمل همه جریان‌هایی که با علم کردن نظرات و شعارهای انحرافی به جنبش آسیب وارد



قصر شیرین :
۴ مهرماه ۵۹

امروز مردم از "قصر" عقب نشستند. حسرت نگاهمان روی شهر بود. دل نمی‌کنديم. ولی مقاومت در این شرایط زیر رگبار بی‌امان خمپاره‌ها و خمسه‌خمسه عراقی‌ها غیر ممکن بود. ما جمعی از اعضاء و هواداران سازمان بودیم. چند روز قبل و به هنگام آغاز تهاجم عراقی‌ها مسلح شده و از آن زمان لاینقطع در کنار پاسدارها جنگیده‌ایم. به رفقای می‌اندیشم که در شهر مانده‌اند. جنگ مقاومت در شهر ادامه خواهد یافت. به بالای گردنه که می‌رسیم، صدای گلوله‌های توپ هنوز به گوش می‌رسد. آفتاب در پس کوه‌ها می‌نشیند و شفق، سرخ است. "قصر" در خون نشسته است.

خبرهایی که می‌رسد همگی از وحشی‌گری عراقی‌ها حکایت دارد. در شهر حکومت نظامی برقرار کرده‌اند. جوان‌ها را دستگیر می‌کنند. شب بعد از اشغال شهر، در یک عملیات پارتیزانی در چهارراه افشار سه‌ریز عراقی کشته می‌شوند و فردای آن روز عملیات انتقامی عراقی‌ها آغاز می‌شود. در بهترین حرکات تجسسی چند رفیق هوادار را دستگیر و احتمالاً به زندان فرستاده می‌شوند.

۶ مهرماه ۵۹

نیروهای عراق از قصر شیرین تا ۱۰ کیلومتری سرپل ذهاب را تصرف کرده‌اند. مساحتی به طول ۴۰ و عرض ۲۰ کیلومتر در تصرف اشغالگران است. جنگ در اطراف "سرپل" ادامه دارد. مردمان کوهپایه‌های زاگرس جنگی بی‌امان را با اشغالگران عراقی پیش خواهند برد. بر این کوه‌های سرفراز چکمه‌های خون آلود راهی نیست.

۱۰ مهرماه ۵۹

هوا گرگ و میش است که راه می‌افتیم. به طرف "سرپل" حرکت می‌کنیم. می‌بایست آخرین خبرها را از جبهه به دست آوریم. در پیچ و خم جاده "پانای" نیروهای خودی مستقر شده‌اند. صف

از یادداشتهای فدائیان خلق

بر این کوه‌های سرفراز، چکمه‌های خون آلود

را راهی نیست

عقاب این کوهستان هرگز اسپر صیاد نمی‌گردد*

در یک عملیات تعرضی از نیروهای عراقی که گیلان غرب را در حلقه محاصره گرفته‌اند، یک ریو حامل مهمات به غنیمت می‌گیرند. رفقا ریو و راننده عراقی را به مرکز سپاه تحویل می‌دهند. امروز مردم همه از این واقعه سخن می‌گویند. اکنون دیگر آشکار شده است که علیرغم تبلیغات کینه‌جویانه "فدائیان خلق" چگونه در کنار مردم با تجاوزگران عراقی به نبردی سرنوشت ساز پرداخته‌اند.

۱۰ مهرماه ۵۹

یک دسته متشکل از هواداران، مردم محلی و

رفقای شهید را به پشت جبهه می‌برند. به‌خوبی می‌بینم و با تمامی وجود احساس می‌کنم که تجاوزگران سینه فدائیان و پاسداران را به یکسان هدف گلوله قرار می‌دهند. مفهوم اتحاد را اکنون همگی عمیقاً درک

به عهده دارد. رفیق فرمانده دسته را به چند گروه تقسیم و پس از مشخص کردن وظایف هر کدام را به یک سو و برای انجام یک وظیفه می‌فرستد. عملیات تعرضی آغاز می‌شود. در یکی از این

طولانی مهاجرینی که قصر را ترک کرده‌اند همچنان ادامه دارد. عراقی‌ها آنها را با کامیون تا "مله‌یاقو"، "گردنه یعقوب" آورده و از آنجا پیاده‌راهی سرپل شده‌اند. چهره‌ها و نگاه‌ها همگی سرشار از خشم و نفرت علیه اشغالگران است.

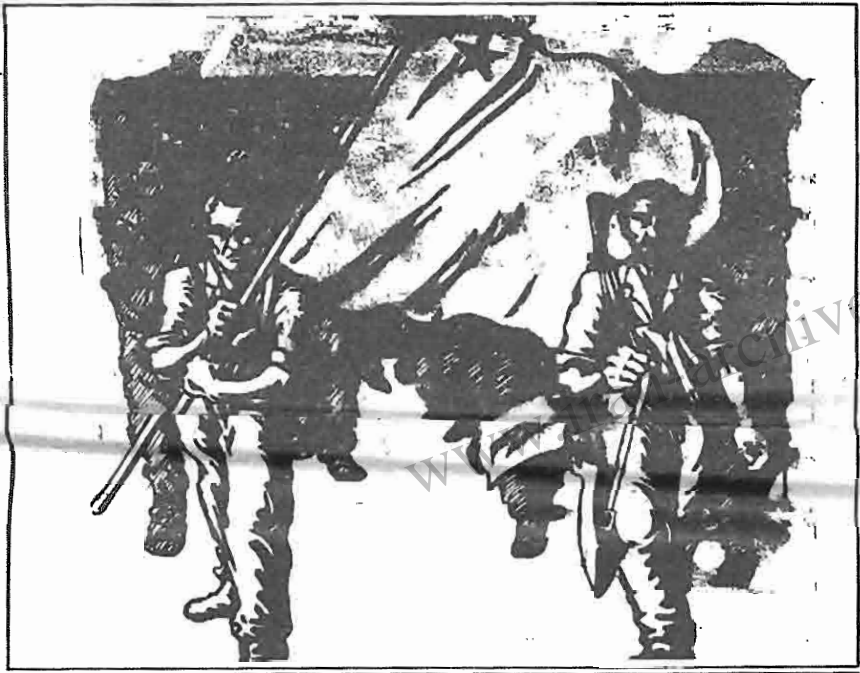
عوامل مزدور پالیزیان در مناطق "بابا یادگار" و "بان زرده" پاسداران را خلع سلاح کرده‌اند. خیر رسیده است که "ضدانقلاب" وابسته به باند پالیزیان - اویسی برای همراهی هرچه بیشتر با نیروهای تجاوزگر عراق "ستاد" تشکیل داده‌اند. آنها از پشت جبهه، از آن‌سوی کردند مواضع نیروهای جمهوری اسلامی را زیر آتش گرفته‌اند.

گیلان غرب :
۷ مهرماه ۵۹

مردم شهر را تخلیه می‌کنند. تمامی هواداران به سپاه و بسیج مراجعه کرده و عموماً در جبهه مقاومت شرکت دارند. ساعت ۷ صبح نیروهای عراقی به شهر رسیدند و در قسمت غرب موضع گرفته‌اند. شهر در محاصره است و مردم قهرمانانه مقاومت می‌کنند. سپاه، ارتش و هواداران سازمان فعالانه در جنگ شرکت دارند.

۸ مهرماه ۵۹

در محل سپاه پاسداران کلیه افراد مسلح اعم از افراد سپاه و هواداران به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شوند و هر دسته به منطقه‌ای اعزام می‌شود. دسته ما متشکل از تعدادی افراد محلی، پاسداران و هواداران سازمان به خارج شهر و برای کنترل جاده گیلان غرب به قصر فرستاده می‌شویم. فرماندهی دسته را یکی از رفقای سازمان



می‌کنیم. با دنیائی کینه ماشه کلاشین را می‌فشارم. باید جنگید! با چنگ و دندان. شهر یکپارچه مقاومت است. در گوشه یک خیابان، یک رفیق هوادار برای مردم سخنرانی می‌کند از مقاومت قهرمانانه مردم استالینگراد، از عزم پولادین خلق ویتنام و از اتحاد، اتحاد و بازم اتحاد سخن می‌گوید. امروز اعلامیه‌های سازمان و اعلامیه هواداران کردند و کرمانشاه وسیعاً پخش شده است.

۹ مهرماه ۵۹

یک دسته از رفقای هوادار

عملیات که با شرکت سپاه جوانمردان و هواداران سازمان انجام می‌شود، عراقی‌ها عقب رانده می‌شوند از دسته ما ۹ نفر شهید و ۲ نفر زخمی می‌شوند. عملیات کاملاً موفق است.

۹ مهرماه ۵۹

دسته ماکه به وسیله دو تانک پشتیبانی می‌شود، عملیات تعرضی علیه عراقی‌ها را آغاز می‌کند. روحیه‌ها بالا است. حس تحقیر نسبت به مرگ در وجود همه شعله می‌کشد. عراقی‌ها را عقب می‌رانیم. چند رفیق پیکر غرق در خون برادران و

سپاه با پشتیبانی ۲ تانک و یک جیب مسلح به ۱۰۶ برای آوردن ماشین‌آلاتی که از عراقی‌ها به‌جای مانده به سوی "گود سفید" در ۱۰ کیلومتری گیلان غرب اعزام می‌شود. در منطقه سپاه و ارتش نیروهای عراق را زیر آتش گرفته‌اند. خمسه خمسه‌های عراق یک ریز کار می‌کند. پیش روی غیرممکن است. تفنگ را در آغوش می‌کشیم و به سنگرها می‌پیوندیم. سپاه، هواداران و همگی مردم قهرمانانه می‌جنگند. از سنگر کناری یک گروه‌بان بلند بلند می‌پرسد:

بقیه در صفحه ۴
*(فدائی شهید رفیق نایب)

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

امضای پیمان دوستی ۲۰ ساله شوروی با سوریه

بیانگر دفاع شوروی از خلق‌های منطقه
برای کسب استقلال و آزادی است

★ اتحاد شوروی و سوریه طی بیانیه مشترکی سیاست
امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس را محکوم نموده و
همبستگی خود را با انقلاب ایران اعلام کردند!

در هفته گذشته پیمان
دوستی ۲۰ ساله‌ای بین
شوروی و سوریه به امضاء
رسید. به موجب این پیمان
مردم و دولت اتحاد جماهیر
شوروی سوسیالیستی با تحکیم
پیوندهای اقتصادی، سیاسی
و نظامی و فرهنگی با دولت
و مردم سوریه، آنان را در
مبارزه علیه امپریالیسم و
نژادپرستان صهیونیست
وسیعا یاری می‌دهند تا
استقلال و آزادی مردم سوریه
تحکیم یافته و در مسیر
پیشرفت و ترقی اجتماعی
گام‌های بلندی به‌پیش
برداشته شود.

در این پیمان تقویت
قدرت دفاعی سوریه در برابر
تجاوزات صهیونیست‌های
نژادپرست و تهاجمات
امپریالیسم جهانی به
سرکردگی امپریالیسم آمریکا
مورد تأکید قرار گرفته است.

شوروی در این پیمان
پشتیبانی قاطع خود را از
مبارزه خلق‌های سوریه و
سراسر جهان علیه امپریالیسم
و صهیونیسم خاطرنشان
ساخته و متعهد شده است که
در مبارزه عادلانه مردم و
دولت سوریه علیه امپریالیسم
آمریکا و صهیونیست‌های
نژادپرست همواره در کنار
آنان خواهد بود.
دو کشور به تلاش‌های خود
برای خنثی کردن توطئه‌های
امپریالیسم آمریکا و متحدان
آن در منطقه تأکید
ورزیده‌اند و متذکر شده‌اند که
به گوشه‌های پی‌گیر خود
برای تحکیم وحدت خلق‌های
منطقه و جهان در مبارزه
علیه امپریالیسم و صهیونیسم
ادامه خواهند داد.

در پایان دیدار حافظ‌اسد
رئیس جمهوری سوریه از
اتحاد شوروی دو کشور طی
اعلامیه مشترکی سیاست‌های
تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا
در خلیج فارس را محکوم
کرده و حمایت خود را از
انقلاب ایران و جمهوری
دمکراتیک افغانستان اعلام
کردند.

بیانیه مشترک دو کشور
" دو کشور همبستگی خود
را با جمهوری دمکراتیک
افغانستان در مبارزه برای
استقلال و حاکمیت ملی
اعلام نمودند."
" رهبران دو کشور برای
انقلاب ایران ارزش شگوهمند
و عالی قائلند و عقیده
دارند که این انقلاب به‌خاطر
درهم‌شکستن رژیم شاه و
نابودی سلطه امپریالیسم
آمریکا تاریخساز است."

در این پیمان تقویت
قدرت دفاعی سوریه در برابر
تجاوزات صهیونیست‌های
نژادپرست و تهاجمات
امپریالیسم جهانی به
سرکردگی امپریالیسم آمریکا
مورد تأکید قرار گرفته است.

شوروی در این پیمان
پشتیبانی قاطع خود را از
مبارزه خلق‌های سوریه و
سراسر جهان علیه امپریالیسم
و صهیونیسم خاطرنشان
ساخته و متعهد شده است که
در مبارزه عادلانه مردم و
دولت سوریه علیه امپریالیسم
آمریکا و صهیونیست‌های
نژادپرست همواره در کنار
آنان خواهد بود.
دو کشور به تلاش‌های خود
برای خنثی کردن توطئه‌های
امپریالیسم آمریکا و متحدان
آن در منطقه تأکید
ورزیده‌اند و متذکر شده‌اند که
به گوشه‌های پی‌گیر خود
برای تحکیم وحدت خلق‌های
منطقه و جهان در مبارزه
علیه امپریالیسم و صهیونیسم
ادامه خواهند داد.

در این پیمان تقویت
قدرت دفاعی سوریه در برابر
تجاوزات صهیونیست‌های
نژادپرست و تهاجمات
امپریالیسم جهانی به
سرکردگی امپریالیسم آمریکا
مورد تأکید قرار گرفته است.

شوروی در این پیمان
پشتیبانی قاطع خود را از
مبارزه خلق‌های سوریه و
سراسر جهان علیه امپریالیسم
و صهیونیسم خاطرنشان
ساخته و متعهد شده است که
در مبارزه عادلانه مردم و
دولت سوریه علیه امپریالیسم
آمریکا و صهیونیست‌های
نژادپرست همواره در کنار
آنان خواهد بود.
دو کشور به تلاش‌های خود
برای خنثی کردن توطئه‌های
امپریالیسم آمریکا و متحدان
آن در منطقه تأکید
ورزیده‌اند و متذکر شده‌اند که
به گوشه‌های پی‌گیر خود
برای تحکیم وحدت خلق‌های
منطقه و جهان در مبارزه
علیه امپریالیسم و صهیونیسم
ادامه خواهند داد.

ادامه می‌دهد. در شهر
جوانی را که شب‌ها
نگهبانی می‌دهند تهدید
کرده و یا مورد ضرب و شتم
قرار می‌دهند.

خبر می‌رسد که حدود
۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر از جوانان
قصر شیرین را دستگیر کرده و
به عراق برده‌اند. در میان
آنان تعدادی از هواداران
سازمان نیز وجود داشته‌اند.
یکی از رفقای هوادار در
جنگ مقاومت قصر شیرین
به شدت مجروح شده است.

شهر زیر آتش توپخانه
عراق بود که از آن خارج
شدیم. با کوله‌های پر از دارو
روانه کوه‌ها می‌شویم.
آوارگان، مجروحین جنگ،
هم میهنان جنگ زده ما در
پناه صخره‌ها و دره‌ها چشم
سراه ما هستند. با گرمی از
ما استقبال می‌شود. خبرهای
جبهه را به آنها می‌دهیم.
به آنها می‌گوئیم که خلق
یکدل و یکصدا هیچگاه
شکست نخواهد خورد. ما
پیرور خواهیم شد. میزها
را می‌بینیم و دارو می‌دهیم.
زنی می‌پرسد که ما که هستیم
و از کجا آمده‌ایم. توضیح
می‌دهیم که ما یک "اکیب"
پزشکی فدائیان خلق،
اکثریت هستیم. برای آنها
توضیح می‌دهیم که رفقای ما
اکثرا در جبهه هستند و ما
هم در پشت جبهه کارهای
پزشکی و امداد می‌کنیم. با
محبت می‌خندد و به آرامی
می‌گوید:

خدا نگهدار فدائی‌ها
باشد.

در کمرکش کوه به یک ده
وارد می‌شویم که مردمش با
آغوش باز بسیاری از آوارگان
را در خانه‌های خود جای
داده‌اند. به همه خانه سر
می‌زنیم و دارو می‌دهیم.
اینجا هم مردم گرم و صمیمی
از ما استقبال می‌کنند. یک
کارگر کوره‌پزخانه وقتی
می‌فهمد که ما که هستیم
می‌خواهد که به ما بپیوندد.
می‌گوید:

" دیروز خوب جنگیدید.
آفرین! دیروز نشان
دادید که کمونیست‌ها
حرفشان با عملشان یکی
است."

به شهر برمی‌گردیم.
با خبر می‌شویم که مردم
نگذاشته‌اند عراقی‌ها حتی
یک قدم هم جلو بیایند.
سرشاز از شوق و ایمان به
رفیق مسئول گزارش کارم را
می‌دهم و می‌خواهم که هر چه
زودتر به کمک مجروحین
بروم.

بقیه از صفحه ۳

بر این کوه‌های سرفراز،

توپ‌ها و خمسه‌خمسه‌های
عراقی است. در سنگرهای
مقاومت خلق مسلح و مصمم
فهرمانه می‌کنند. همچون
دوران قیام، سگرها برپا
می‌شود و هم‌سنگران جوانان
روزهای قیام، متحد و یکدل
و یکصدا به رزمی دل‌آوران
پیوسته‌اند هر شلیک خصم

کی اومدید، کی هستید؟
با غرور پاسخ می‌دهم:
ما هواداران سازمان
جریکهای فدائی خلق ایران
اکثریت هستیم. با سیاه و
مردم آمده‌ایم ماشین‌های
عراقی و جنگ‌افزارها را
ببریم پشت جبهه. دست
تکان می‌دهد و می‌خندد.



را پاسخ می‌دهیم. گلوله
توپ، سنگری در ۱۵ متری ما
را در هم می‌کوبد. به سرعت
به سوی سنگر می‌دوم. گرد و
خاک هنوز نشسته است که
بالای سر هم‌زمان شهید
می‌رسیم. دو نفر هستند و
هر دو از زحمتکشان محلی،
نیمی از بدن یکی را گلوله
توپ برده است. گوشم را که
روی قلبش می‌گذارم، تمام
می‌کند. پیکر غرقه در خونش
را به زیر سنگر می‌کشم و زیر
لب می‌گویم "رزمندگان
تهدیدستانند". آن سوی تر
زاگرس فرور، همچون
خلقمان، باشکوه همچون
همسنگران جان بر کفمان
نظاره‌گر رزم ماست. تنگ را
در آغوش می‌کشم. رزم
بی‌امان خلق ادامه دارد.

۱۲ مهرماه ۵۹

گروه موسوم به "شیت"
در کرمانشاه به رهبری فردی
به نام سعید جعفری در این
شرایط حساس همچنان به
حرکات ضدانقلابی خود

من هم می‌خدم و با سرعت
به کمرکش تپه به یک سنگر
دیگر می‌جهم. باید از
نزدیک به تجاوزگران شلیک
کرد.

از جبهه باز می‌گشتم.
به ده "توشکی‌بان" رسیدیم.
مردم گرم و صمیمی به
استقبالمان آمدند. مردم
۲ سرباز عراقی را دستگیر
کرده بودند. با غرور آنها را
که محکم با طناب بسته
بودند آوردند و ما تا جوی
دادند. برای آنها از جنگ،
تجاوز عراق، از امپریالیسم
آمریکا صحبت می‌کنیم. وقتی
داستانند که ما فدائی هستیم
ما بحسب نگاهمان می‌کردند
خنده‌های گرم و صمیمی مردم
شوق دفاع از میهن را دو
چندان در ما زنده می‌کرد.

رزمندگان تهدیدستانند!

۱۱ مهرماه ۵۹

جبهه غربی گیلان غرب -
شهر زیر رگبار آتش خماره‌ها

گردانندگان روزنامه «میزان» خط خود را بر تأمین منافع امپریالیسم «میزان» کرده اند

بپاشند و شرایط را برای نزدیکی هرچه بیشتر با امپریالیسم فراهم آورند. ذکر نمونه‌ای از این سیاست "میزان" خود بهترین افشاگر ماهیت ضدانقلابی چنین روزنامه‌ای است. ویتنام قهرمان را همه مردم ایران می‌شناسند حماسه مبارزه قهرمانانه میلیون‌ها کارگر و زحمتکش متحد ویتنامی که سالیان سال در زیر بمباران وحشیانه آمریکایی‌ها دست از مبارزه و مقاومت برنداشتند، حماسه جانفشانی مردم به‌پاخاسته‌ای که بزرگترین شکست پس از جنگ جهانی دوم را بر پیکر امپریالیسم جهانی وارد ساختند، برای مردم ماگرامی و سرشار از



تجربیات گرانبهاست. خلق ویتنام به‌خلق‌های سراسر جهان درس مقاومت و پیروزی بر امپریالیسم را آموخت و به سمبل بشریت در حال پیکار با امپریالیسم بدل شد. اما ببینیم نظر میزان نویسان در این مورد چیست؟ آنها با بی‌شرمی و وقاحتی که خصاص سرمایه‌داران و مدافعان آنان است، در مقاله‌ای به نام "کامبوج مستعمره ویتنام!" می‌نویسند:

"درست است که سربازان ویتنام کامبوج را اشغال کرده‌اند ولی در حقیقت این شوروی است که علیرغم حضور نامرئی‌اش در صحنه، درباره حال و آینده کامبوج تصمیم می‌گیرد."

میزان نویسنده‌ها از یک سو خلق قهرمان ویتنام را خلقی متجاوز و استعمارگر و از سوی دیگر دست نشانده "سوسیال امپریالیسم روس!!" جلوه داده و در عین حال به امپریالیست‌ها رهنمود می‌دهند که: "تنها راه عاقلانه برای آمریکا این است که ... منتظر پرپایی حکومت ملی و مردمی در کامبوج بماند."

"پیام" میزان نویسنده‌ها به مردم ایران که در واقع "پیام" همه دوستان امپریالیسم آمریکاست، چنین است که "از مبارزات مردم ویتنام درس نگیرید، آن راهی را که زحمتکشان ویتنام برگزیدند، شما دنبال نکنید، برای نابودی امپریالیسم، بقیه در صحنه ۲۵

کشورهای سوسیالیستی - که همواره دوست و متحد خلق ما هستند - می‌باشد. گردانندگان روزنامه میزان در پیشبرد این سیاست توصیه مشاورین امنیتی و غیر امنیتی کاخ سفید، پنتاگون و سیا و ... را با دقت خاصی به‌کار بسته‌اند. این مشاورین توصیه می‌کنند که:

"ای گردانندگان روزنامه میزان، دوستان باوفای ما! از آنجا که اکنون نمی‌توانید مستقیماً به دفاه از منافع ما (امپریالیسم) برخیزید - زیرا که چهره ما رسواتر از آن است که بتوان از آن دفاع کرد و در صورت انجام چنین دفاعی در انظار نظیر امیرانتظام و نزیه و مقدم مراغه‌ای در انتظاران خواهد بود - پس بکشید تا انقلابیون کمونیست و کشورهای سوسیالیستی یعنی خطرناک‌ترین دشمنان ما (امپریالیست‌ها) را دشمنان مردم ایران معرفی کنید. شما باید شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های ایران" را به شعار "مرگ بر کشورهای سوسیالیستی دشمن خلق‌های ایران" تبدیل کنید، تا ما فرصت پیدا کرده و نفسی تازه کنیم!"

گردانندگان "میزان" در این مدت نشان داده‌اند که این توصیه معلمین خود را به خوبی فرا گرفته‌اند و از همین روست که در روزنامه‌شان می‌نویسند: "روسیه بیشتر از آمریکا از انقلاب اسلامی ایران وحشت کرده" "روسیه ... در سرکوب انقلاب اسلامی ایران حتی بر آمریکا پیشی گرفته است" (میزان - سه هفته پیش "میزان" - سرزمین کودتاها)

تمام تلاش گردانندگان روزنامه میزان بر این است که آب تطهیر بر جنایات امپریالیسم و متحدان آن بریزند. آنها در حالی که انقلاب ما با جنگ تحمیلی رژیم عراق روبرو شده و در این جنگ کلیه نیروهای ارتجاعی جهان به پیروی از امپریالیسم به حمایت از رژیم عراق برخاسته‌اند، درحالی که امپریالیست‌ها میهن ما را در محاصره اقتصادی قرار داده‌اند، در حالی که به سرزمین ما تهاجم نظامی می‌کنند و با سازمان دادن کودتاها و آمریکایی‌گریز به نابودی انقلاب ایران بسته‌اند و در حالی که در برابر تمامی این توطئه‌ها، اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی و دولت‌های ترقیخواه عرب که نزدیک‌ترین دوستی را با اردوگاه سوسیالیسم دارند، در کنار ما و متحد ما باقی مانده‌اند، مودبانه فریاد می‌زنند که این "روسیه" است که خواهان سرکوب انقلاب ماست وای مردم ایران! بیایید و با دوست بزرگ سرمایه‌داران (یعنی آمریکا) بر علیه آن متحد شوید!

"میزان" نویسنده‌ها مذبوحانه کوشش می‌کنند تا تلاش‌های حماسی کارگران و زحمتکشان جهان سوسیالیستی را که در کار ساختن دنیای آزاد و فارغ از استثمار هستند، وارونه جلوه دهند. آنها می‌گویند تا همه پستی‌ها و پلیدی‌هایی را که امپریالیسم رویه مرگ جهانی بدان دچار است به کشورهای مترقی و سوسیالیستی جهان نسبت داده و تصویری زشت و غیر واقعی از جوامع و مردمی که بر امپریالیسم جهانی غلبه کرده‌اند، در ذهن کارگران و زحمتکشان ما ایجاد کنند تا مردم ما را از انقلاب، از مبارزه در راه رهایی از سلطه امپریالیسم منصرف سازند، در دل زحمتکشان نسبت به دوستان انقلاب ما بذر کینه

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در زیر ضربات کوبنده خلق‌های سراسر جهان واپسین دوران حیات رو به مرگ خود را طی می‌کند. یکی از عمده‌ترین راه‌هایی که امپریالیسم برای نجات خود از این مرگ محتوم دنبال می‌کند آن است که با مخدوش کردن مرز میان دوستان و دشمنان انقلاب، سمت و سوی مبارزات انقلابی مردم جهان را منحرف ساخته و زمانی بیشتر به حیات ننگین و رو به زوال خود ادامه دهد. برای عملی ساختن چنین راه‌حلی است که شبکه عظیم تبلیغاتی امپریالیست‌ها که زیر نظر کهنه‌کارترین تئوریسین‌های جهان امپریالیستی رهبری می‌شود، سیاست‌های تبلیغاتی هزاران ایستگاه رادیویی و تلویزیونی مطبوعات و روزنامه‌های مدافع امپریالیسم را تعیین می‌کند. ارتجاعی‌ترین و کهنه‌کارترین محافل ضد کمونیست و ضد مردمی دنیای سرمایه‌داری با استفاده از امکانات وسیع تبلیغاتی مذبوحانه درصد آند تا با کثیف‌ترین و بی‌شرمانه‌ترین دروغ‌پردازی‌ها، نیروهای انقلابی و خصوصاً انقلابیون کمونیست و مردم کشورهای سوسیالیستی را که پیگیرترین مبارزان راه رهایی بشریت بوده و پیکار عظیم مردم سراسر جهان را بر علیه ارتجاع جهانی رهبری می‌کنند، دشمنان مردم زحمتکش و ستمدیده و انمود کنند و به این وسیله مردم را از تمیز دادن دوستان و دشمنان خود بازدارند.

در مین روزنامه "میزان"، ارکان دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا، چنین هدفی را به‌شمار ساخته و با تخریب از رزادخانه تبلیغاتی محافل کهنه‌کار امپریالیستی مذبوحانه در جهت مسموم ساختن و مغشوش کردن ذهن زحمتکشان ایران نسبت به دوستان و دشمنان انقلاب ما می‌کوشد.

منبع اصلی و درواقع تنها منبع کسب خبر و مقالات این روزنامه منابع خبری امپریالیستی و مطبوعات مدافع جهان سرمایه‌داری نظیر "نیوزویک" و "تایم"، "پاری ماچ"، "اشپیکل"، "اکسپرس"، "میدل ایست" و ... است که بسیاری از مردم ایران به‌دلیل موضع خصمانه و دروغ‌پردازی‌های بی‌شرمانه آنها نسبت به انقلاب و روابط بسیار دوستانه این نشریات با دربار کثیف پهلوی، بی‌به‌ماهیت واقعی آنها برده‌اند. ۶۰ تا ۷۰ درصد مقالات ترجمه شده در این روزنامه مستقیماً انعکاسی از دروغ‌پردازی‌های مطبوعات امپریالیستی و تلاش مذبوحانه در جهت بدنام ساختن کشورهای است که کارگران و زحمتکشان آنها موفق شده‌اند یوغ امپریالیسم را برای همیشه از گردن خویش بردارند. مابقی مقالات این روزنامه، تطهیر امپریالیسم از طریق اشاعه نظرات مزدوران حلقه به گوش آن (نظیر مصاحبه با سفیر پاکستان، ترکیه و دیگر عناصر وابسته به امپریالیسم) می‌باشد.

گردانندگان روزنامه "میزان" که خط خود را بر تأمین منافع امپریالیسم "میزان" کرده‌اند، با توجه به سیاست عمومی تبلیغات امپریالیستی، زیرگانه کوشش دارند که امپریالیسم آمریکا، دشمن خونخوار خلق‌های ایران را از زیر ضربه نجات داده و به شیوه ارتجاعی‌ترین محافل وابسته به امپریالیسم، چنین وانمود سازند که: امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی انقلاب و مردم ما نیست بلکه خطر اصلی‌ای که انقلاب ایران را تهدید می‌کند از سوی اتحاد شوروی و سایر



مبارزات کارگران چیت ری ،

حول شعار

مصادره و ملی کردن کارخانه

کارخانه را به شکست کشانند . از این زمان به بعد همه عناصر مزدور و ضد کارگر که طی سالیان دراز چماق سرکوب و عامل خبرچینی و جاسوسی کورسها بودند ، ناگهان " دلسوز و " مدافع حقوق کارگران شدند و با قیافهای ظاهرالصلاح ، دم از " منافع برحق کارگران " زدند و عوامفریبانه کوشیدند تا حرکات خودانگیخته کارگران را هرچه بیشتر دامن زده و به آن سمتی قهقرائی و مخرب دهند . و می بینیم که ناآگاهی برخی از کارگران که در چارچوب سیاستهای انحرافی شورا نمود می یافت ، مواضع آنارشیستی " پیگیریها " و همچنین برخی از موضع گیریهای کونه نظرانه " بنیاد " چگونه مجال این چنین بهره برداریهایی را به آنان می دهد .

قبل از اینکه به بررسی مشخص تر زمینهها و علل این صفت بندیها بپردازیم ، ضروری است نظری اجمالی به سابقه و سیر مبارزاتی کارگران چیت از آغاز انقلاب تا آستانه ملی شدن کارخانه بیفکنیم . انقلاب بهمین و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در واقع دو نقطه عطف مهم در سیر مبارزاتی کارگران چیت بود . نقطه عطف اول ، تشکیل و تثبیت نسبی شورائی بود با مضمونی عقب مانده و شعارهایی انحرافی که به واسطه همین مضامین به تدریج ، این تنها شکل موجود در کارخانه ، سیری قهقرائی یافت (که ما کم و کیف آن را مختصرا شرح خواهیم داد) و دوم - مصادره و ملی کردن کارخانه و اعلام انحلال شورا توسط " بنیاد مستضعفین " بود که مبارزات پیگیرانه کارگران چیت در حفظ و تثبیت این دستاورد انقلابی (خلع ید از سرمایه دار در کارخانه) ، از مهم ترین تجارب مبارزاتی در جنبش کارگری ایران محسوب می شود . مضمون مبارزات دوره اول (از قیام بهمین تا تسخیر لانه جاسوسی) ، کم و بیش بیانگر سطح نازل مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران بوده و قبل از هر چیز نمایانگر تسلط خودانگیختگی کارگران بر مضامین مبارزاتی شان است . این سطح نازل از مبارزه ، انعکاس خود را چه در شکل کارگران (شورای کارخانه) و چه در صفت بندیهای ناپایداری که حول شعارهای خودبخودی شکل می گرفت ، نشان می داد . در مرحله دوم (پس از مصادره و ملی شدن کارخانه) پایه های تعمیق و تکامل مضمون مبارزه که انعکاس خود را (از حیث سازمان یابی) در عدم تکمین به شورای قبلی و تکوین صفت بندیهای ناپایدار و مرزبندیهای روشن حول شعارهای ضدامپریالیستی و مشخصا طبقاتی (علیه سرمایه دار و دارودستهاش) نشان می دهد ، قابل بررسی و جمعبندی است .

دوره اول : از انقلاب بهمین تا

تسخیر جاسوسخانه آمریکا

در روزهای نخست پس از قیام ، در کارخانه چیت ری ، شورائی تحت عنوان شورای موقت که عناصر تشکیل دهنده آن را عمدتا سرپرستها تشکیل می دادند ، شکل گرفت . این شورا نه از

تسخیر جاسوسخانه آمریکا ، نقطه عطفی در تعمیق خصلت ضدامپریالیستی انقلاب ایران بود . همزمان با تضعیف موقعیت لیبرالها در بلوک قدرت و پایه های برآمد و بسیج ضدامپریالیستی توده ها و تشدید مبارزه طبقاتی در همه عرصه ها ، ضربات کوبنده ای بر ارگان حیات امپریالیسم در جامعه ما یعنی سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ وارد آمد . تسریع روند ملی شدن یک رشته از صنایع متعلق به سرمایه داران وابسته توسط دولت و ارگانهای حکومتی از قبیل بنیاد مستضعفین نیز به نوبه خود بیانگر این تحولات بود . کارخانه چیت ری نیز از زمره واحدهای تولیدی ای بود که در همین زمان توسط بنیاد مستضعفین مصادره و ملی گردید . ما نظر به اهمیت بررسی این حرکت و صفت بندیهایی که در جریان آن پدید آمد سعی می کنیم تجارب این مبارزه را در چارچوب درسهای جنبش کارگری ایران بررسی کنیم . کارخانه چیت ری با ۲۳۰۰ کارگر ، یکی از بزرگترین واحدهای ریسندگی و بافندگی ایران بدشمار می رود که مالکین سابق آن یعنی برادران کورس ، از سرمایه داران وابسته بوده و از محافل نزدیک به دربار به شمار می رفتند .

با وجود این دولت بازرگان ، هیچگاه از مصادره و ملی کردن این کارخانه سخنی به میان نیاورده بود . پس از تسخیر جاسوسخانه و سقوط دولت سازشکار و ضد انقلابی بازرگان یعنی از اوائل آذرماه ، زرمه های ملی کردن این کارخانه توسط " بنیاد " در میان کارگران پیچید و به دنبال آن در اواخر آذرماه نمایندگان " بنیاد " به کارخانه آمده و ملی شدن کارخانه را رسماً اعلام کردند . اگرچه در امر مصادره و ملی کردن سرمایه کورسها (برادران کورس) اعمال فشار از پائین (اعم از خود انگیخته یا سازمان یافته) در آغاز کار ، نقش قابل توجهی نداشت ، لیکن این اقدام (مصادره و ملی کردن) از آنجا که منطبق بر منافع و تمایلات توده کارگران کارخانه بود ، با استقبال آنان مواجه شد ، چون این اقدام قبل از هر چیز ضربه ای بود که بر سرمایه دار وارد می آمد و دست او را از کارخانه کوتاه می کرد ، پس از اعلام ملی شدن کارخانه ، برادران کورس که منافع خود را از دست رفتن می دیدند به انحاء مختلف شروع به سنگ اندازی و کارشکنی در امر مصادره کارخانه کردند . کورسها کوشیدند تا به طرق گوناگون از غیرقانونی خواندن مصادره کارخانه و مراجعه بد شورای انقلاب گرفته تا تحریک و فریب کارگران ناآگاه ، این اقدام انقلابی " بنیاد " را بی اثر ساخته و سهام مصادره شده خود را باز پس گیرند . کورسها پس از آنکه از فعالیت های به اصطلاح قانونی خود طرفی نبستند به اشکال مستقیم توطئه و تحریک منشبت شدند و سعی کردند تا با همزیانی مژورانه با خواستها و مطالبات اقتصادی کارگران و منحرف کردن سمت و مضمون آن و با تشدید اعتراضات کارگران علیه مسئولین جدید کارخانه (" بنیاد ") موقعیت آنها را در کارخانه به کلی تضعیف کنند و امر مصادره

درون مبارزات خود جوش توده کارگران ، بلکه به دنبال انتخاباتی که با شرکت بخشی از کارگران سرپرستها و مکانیکها تشکیل شده بود ، ایجاد گردید . مسئول اصلی این شورا (که در اتخاذ تصمیمات و موضع گیریهای شورا نقش اساسی داشت) یکی از کارکنان به نام سماواتی بود که در جریان اعتصابات کارگران چیت (در اردیبهشت ماه سال ۵۵) به دنبال درگیریهایش با برادران کورس از کارخانه اخراج شده بود . لازم به تذکر است که علت اصلی درگیری او با صاحبان کارخانه ، عمدتا احقاق حق شخصی او بود . لیکن شدت این تعارض و همزمانی آن با اعتصابات اردیبهشت ماه ، موجب بروز این توهم در میان کارگران شد که علت اخراج او ، مبارزه اش جهت احقاق حقوق کارگران بوده است و همین امر موجب شد که سماواتی محبوبیت کسب کند و به اعتبار این محبوبیت متکی بر توهم کارگران و با برخورداری از حمایت فعال آنان توانست پس از بازگشت به کار در راس شورای موقت کارخانه قرار گیرد که این امر با مخالفت کارشکنی برادران کورس مواجه گردید و موجبات تعارض میان شورا و صاحبان کارخانه را فراهم آورد . بطوری که از یک سو برادران کورس از پذیرش و استخدام رسمی سماواتی سرباز می زدند و از سوی دیگر شورا که اکثر عناصر تشکیل دهنده آن در کنار سماواتی بوده و عمدتا زیر نفوذ او بودند ، به نحوی پیگیرانه بر استخدام رسمی سماواتی تأکید می کردند .

ادامه این درگیریها با برآمد موج تازه ای از خواستها و مطالبات صنفی کارگران همزمان بود و از آنجا که این خواستها و حرکات مطالباتی جدید نیز می بایست از کانال شورا انعکاس یابد زمینه مساعدی را جهت افزایش مسئولیت های شورا و به تبع آن تقویت پایه های مسئولین شورا (و در راس آن سماواتی) فراهم آورد و در عمل خواست " استخدام رسمی سماواتی " در راس مطالبات قرار گرفت . بدین ترتیب مبارزه کارگران قبل از هر چیز در جهت احقاق حقوق سماواتی گنانلیزه شد و کارگران نیز با رضایت کامل به آن تمکین کردند . به این امید که از اجرای تأمین این حق ، شورای کارخانه نیز تقویت شده و خواستهای صنفی دیگر به تبع تقویت مواضع شورا ، مورد پیگیری قرار گیرد . پشتیبانی و حمایت کارگران و شورا از سماواتی در این زمان ، بیش از هر چیز متکی بر توهم و ناآگاهی شان از کم و کیف مبارزه اصولی بود . خودانگیختگی مبارزه در این دوره که مبتنی بر سطح نازل آگاهی و تشکل کارگران بود ، انعکاس را در اشکال و تاکتیکهای بدون مبارزه نیز نشان داد . بدین معنا که تعارضات میان شورا و صاحبان کارخانه در ادامه اش به گروگان گیری برادران کورس و چند تن از افراد دفتر مرکزی کارخانه منجر شد . خواستهای شورا در این گروگان گیری عبارت بود از :

- ۱- پرداخت ۲۷۰۰۰۰ تومان بابت غرامت دو سال بیکاری به سماواتی ،
 - ۲- جلوگیری از اخراج کارگران و بازگشت کارگرانی که در سالهای گذشته اخراج شده بودند .
- همانطوری که خواست اول نشان می دهد ، انگیزه اصلی سازماندهندگان این گروگان گیری قبل از همه ، یک احقاق حق فردی بود و همانگونه که سیر بعدی وقایع نشان داد ، خواست دوم نیز نمی توانست انگیزه های جز مشروعیت دادن به خواست اول داشته باشد . به دنبال کشاکشهای بسیاری که پس از این اقدام در گرفت سرانجام سماواتی موفق شد غرامت خود را دریافت کند ، بطور رسمی استخدام شود و موقعیت خود را در کارخانه و در راس شورا تحکیم بخشد .
- بدین ترتیب خواست بقیه در صفحه ۴۰



جنبش کارگری ایران

بدنبال بمباران کارخانه
جنرال موتورز کارگران
کارخانه را بازسازی می کنند!
در صفحه ۸

بهبود شرایط کار کارگران
هدف انقلاب است!
در صفحه ۸

سندیکی کارگران خیاط،
تهاجم به سندیکا و دستگیری
۴ تن از کارگران را
شدیدا محکوم کرد در صفحه ۸

کارگران نیروگاه حرارتی نکاء:

تنها مردم متحد و یکپارچه می توانند
در مقابل تجاوز امپریالیسم و متحدانش
بایستند و آن را به زانو در آورند

کارگران شرکت آتانور (نیروگاه حرارتی نکا) تنفرو انزجار خود را نسبت به اعمال جنایتکارانه دولت بعثی عراق از ته قلب ابراز داشته و این جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین و مزدوران داخلی آمریکا (اویسی ها و مدنی ها و ...) را محکوم می نمائیم. ما کارگران آمادگی خود را برای دفاع از میهن و خون شهیدانمان اعلام می داریم و خواستار وحدت تمامی اقشار و نیروها و ارگان های انقلابی علیه امپریالیسم و دست - نشاندهانش می باشیم و می دانیم که تنها مردم متحد و یکپارچه می توانند در مقابل تجاوز امپریالیسم و متحدانش بایستند و آن را به زانو در آورند.

شورای کارگران شرکت مهندسی آتانور (نیروگاه حرارتی نکا - مازندران) در اعلامیه ای تحت عنوان "با وحدت تمامی مردم، امپریالیسم آمریکا را در میهنمان به گور سپاریم" نمونه دیگری از هزاران نمونه درخشان آگاهی انقلابی و عزم استوار و وحدت آفرین طبقه کارگر قهرمان ایران را در دفاع از دستاوردهای انقلابی میهن و مبارزه و فقه ناپذیر برای تعمیق و گسترش دامنه انقلاب نشان دادند. کارگران مبارز نیروگاه حرارتی نکا طی این اعلامیه آورده اند:
"هم اکنون تجاوز نظامی دولت بعثی عراق را با حمایت آمریکای جهانخوار در میهنمان شاهدیم. ما

مصنوعی با هوشیاری از انقلاب پاسداری کنیم. زیرا از یک طرف سرنوشت هزاران کارگر و کارمند کارخانه الیاف و ۱۳۰ کارخانه نساجی و از طرف دیگر جلوگیری از هرج و مرج اقتصادی کمبود و گرانی بستگی کامل به سلامت و ادامه تولید کارخانه الیاف در بخش صنعت نساجی دارد. ما کارگران پیشرو اعتقاد داریم که نکات زیر را شورای کارخانه باید از مدیریت بقیه در صفحه ۸

هم بستگی را در تولید شبانه روزی خود اثبات کرده اند و کارخانه الیاف حکم "مادر" را پیدا کرده است زیرا ۱۳۰ کارخانه از محصول الیاف تغذیه می نمایند. حال که رژیم ارتجاعی عراق با تجاوز نظامی به انقلاب ایران ضربه می زند، وظایف ما بسیار سنگین تر شده است. در این شرایط حساس باید در سنگر کارخانه پیشاپیش هزاران کارگر صنایع نساجی الیاف

پس از ماهها تلاش شبانه روزی کارگران، کارمندان و مهندسیمن ترفیخواه کارخانه الیاف توانستند در ۶ ماه گذشته نزدیک ۵۰۰۰ تن نخ نایلون تولید کنند که نه تنها بعد از انقلاب بلکه در تمام تاریخ بهره برداری کارخانه الیاف بی سابقه بوده است یکی از دلایل این پیروزی بزرگ آگاهی زحمتکشان الیاف از موقعیت استثنائی کارخانه الیاف نسبت به ۱۳۰ کارخانه نساجی دیگر می باشد که

زحمتکشان الیاف

پیشاپیش ۱۳۰ کارخانه با هزاران کارگر در سنگر کارخانه

از دستاوردهای انقلاب پاسداری می کنند

سندیکاهای کارگران مبارز اصناف

در صفوف مقدم انقلاب ایران

علیه توطئه های امپریالیسم و تجاوزات رژیم عراق ایستاده اند

ضرورت آموزش نظامی همه کارگران صنف از طریق مراجعه به ستاد بسیج ملی و همچنین همکاری انقلابی با کمیته ها و پاسداران، بر دیگر وظایف مبرمی که بر دوش کارگران است به شرح زیر - تصریح نمود:
کارگران مبارز صف باید: "شایعات ضد انقلاب را خنثی نموده و در جهت بالا بردن روحیه انقلابی پیگیرانه تلاش نمایند. با ذخیره سازی مواد اولیه و مایحتاج زندگی مردم قاطعانه مبارزه کنند. در شرایط حساس امروز از تعطیل کار که به نفع صد انقلاب تمام می شود، جدا جلوگیری نمایند.

حاضر است تا پای جان از استقلال میهن دفاع کند." سندیکای کارگران کتابفروشی توجه اکید به رهنمودهای زیر را لازم پیشبرد این مبارزه می داند. "بهراستی اگر مردم با هم متحد باشند می توانند همه تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار عراق را در تمام سطوح به شکست کشانند."
سندیکای کارگران خیاط سز صمن تاکید بر مبارزه همه جابه کارگران برای حفظ استقلال میهن و دفاع از دستاوردهای انقلاب رهنمودهایی در خصوص وظایف مبرم کارگران داده است که در آن ضمن تاکید بر

سندیکای کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه و همچنین سندیکای کارگران خیاط تهران طی اعلامیه هایی تجاوز نظامی رژیم صدمردمی عراق و توطئه ها و تحریکات امپریالیسم آمریکا را محکوم نموده و آمادگی خود را در دفاع از دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه ها و تجاوزات ضد انقلاب، اعلام کردند. در اعلامیه سندیکای کارگران کتابفروشی آمده است:
"سندیکای کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه همه توطئه های امپریالیسم آمریکا و تجاوزات رژیم جنایتکار عراق را محکوم کرده و اعلام می دارد که

کارگران اکتشافات البرز مرکزی:

خلق به پا خاسته ایران در اتحاد با خلق های عرب

رژیم های سرسپرده منطقه را به زباله دان تاریخ

خواهد فرستاد

نبرد با دشمن درسنیزند اعلام می داریم. حسین و انورسادات حائن و همه خائنین به خلق عرب باید بدانند که خلق به پا خاسته ایران در اتحاد با خلق های عرب، سامی دیکتاتورهای منطقه را همانند محمد رضای حاش نه زباله دان تاریخ خواهد فرستاد."

شورای اکتشافات البرز مرکزی (زیر آب مازندران) سز طی اعلامیه ای بر وظیفه انقلابی و سترگ کارگران و زحمتکشان ایران در این موقعیت خطرناک تاکید نموده و اعلام کرد:
"ما کارکنان اکتشافات البرز مرکزی، آمادگی خود را تا سر حد جان برای دفاع از میهن عزیز، دوش به دوش دلاورانه که اکنون در سنگر

تشکیل کمیته های دفاع از انقلاب در کارخانه ها و کارگاهها، وظیفه مبرم
تشکلهای کارگری در دفاع از استقلال میهن است!



سندیکی کارگران خیاط،

تهاجم به سندیکا و دستگیری ۴ تن از

کارگران را شدیداً محکوم کرد

مردم از توطئه‌های امپریالیسم است که انقلاب همچنان به پیش می‌رود و امپریالیسم را مایوس‌تر خواهد ساخت. چرا در چنین شرایطی باید تشکلهای کارگری مورد هجوم پاسداران قرار گیرند؟ چرا در شرایطی که سرمایه‌داران پایگاه اصلی ترین پایگاه امپریالیسم محسوب می‌شوند به راحتی به استثمار کارگران مشغولند اما نمایندگان سندیکا یعنی منتخبین کارگران را بدون دلیل بازداشت و زندانی می‌کنند؟ به راستی مشکل شدن کارگران در سندیکا خودشان مخالفت چه کسانی را برانگیخته است مگر جز این است که کارفرمایان تحمل گسترش مبارزه سندیکا را ندارند و هرچه بیشتر کارگران متشکل شوند، آن را خطری برای منافع خود احساس می‌کنند؟ چرا باید سندیکا یعنی تشکیلات کارگران را که برای دفاع از منافع اقتصادی کارگران

سندیکی کارگران خیاط تهران طی اعلامیه‌ای به هجوم پاسداران به جلسه عمومی سندیکا و دستگیری چهارتن از کارگران خیاط (سه نماینده و یک عضو سندیکا) که با کتک زدن یکی از این نمایندگان و اهانت به بیش از ۳۰۰ کارگر شرکت کننده در جلسه عمومی همراه بود، شدیداً اعتراض کرده و این رفتار غیرمستولانه و ضد کارگری را که به ویژه در شرایط کذونی اقدامی نفاق افکنانه و ضدانقلابی است محکوم کردند. در این اعلامیه آمده است:

در شرایطی که مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما حساس‌ترین روزهای خود را می‌گذراند و امپریالیسم آمریکا، سرکرده همه کشورهای امپریالیستی و ایادی‌شان با تمام قوا کوشش می‌کنند انقلاب مردم ما را به شکست کشانند، ضرورت تشکل کارگران بیشتر از هر زمان دیگر احساس می‌گردد، چرا که تنها با اتحاد و تشکل کارگران و آگاه نمودن

بوجود آمده و باتلاش کارگران گسترش پیدا کرده و دارای شماره رسمی ثبت از وزارت کار جمهوری اسلامی نیز هست، این چنین مورد هجوم قرار داده و نمایندگانش را دستگیر کنند؟ ماز مقامات مسئول سوال می‌کنیم که این اقدامات به نفع چه کسانی تمام می‌شود؟ آیا جز این است که در شرایط کنونی میهن ما ایجاد هر نوع تفرقه و درگیری به زیان کارگران و زحمتکشان و مستقیماً به سود امپریالیسم و سرمایه‌داران و عوامل آنان خواهد بود؟

سندیکی کارگران خیاط ضمن آن که اعلام می‌دارد وقفه‌ای در فعالیت سندیکا پیش نیامده و سندیکا همچنان به مبارزات خود ادامه می‌دهد، با تمام توان خود کوشش خواهد نمود تا کارگران زندانی آزاد شوند و از کلیه کارگران و تشکلهای کارگری می‌خواهد که سندیکا را در این مبارزه یاری نمایند.

توضیح مهم:
در آخرین ساعات باخبر شدیم که کارگران بازداشت شده توسط پاسداران آزاد شده‌اند.

بدنبال بمباران کارخانه جنرال موتورز، کارگران کارخانه را بازسازی می‌کنند!

و کارخانه و مزارعشان را ویران می‌کرد لحظه‌ای از پای ننشستند و مصمم و پیگیرانه خرابی‌ها را بازسازی کردند و جبران خرابی‌ها را همچون جنگیدن در جبهه‌های جنگ می‌دانستند.

کارگران فردای شب بمباران خود را آماده کردند تا قسمت‌های مخروبه کارخانه را از نو بسازند و کارخانه را مانند اول راه ببندازند. آنها معتقدند با تمام توان در مقابل تجاوزات رژیم مزدور عراق و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع خواهند کرد و از تعطیل کارخانه‌ها که باید روزی به آنان تعلق گیرد، جلوگیری به عمل خواهند آورد. کارگران جنرال موتورز تلاش خود در این زمینه را جزئی از مبارزه‌شان برای نابودی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به حساب می‌آورند.

بدنبال بمباران بخشی از کارخانه جنرال موتورز توسط هواپیماهای عراقی و تخریب قسمت‌هایی از کارخانه، اکنون کارگران جنرال موتورز متحد و یکپارچه به بازسازی قسمت‌های تخریب شده کارخانه پرداخته‌اند. یکی از کارگران در این زمینه اظهار داشت:

زمانی که متوجه شدیم کارخانه توسط رژیم جنایتکار صدام حسین بمباران شد، ابتدا غمزه و ناراحت شدیم اما به زودی بر غم‌ها و ناراحتی‌های خود غلبه کردیم زیرا برایمان مسجل است که رژیم صدام حسین برای تامین منافع امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داران شریک آن کارخانه را بمباران کرده است تا انقلاب ما را که باید تا نابودی سرمایه‌داری ادامه یابد، درهم شکنند. ما به یاد مردم قهرمان ویتنام افتادیم که مدام زیر بمباران هواپیماهای آمریکایی که خانه

بهبود شرایط کار کارگران هدف انقلاب است!

* در کارخانه سیمان ری، بنی‌السه کارگر مبارز قدیمی دچار برق‌گرفتگی شد و سوخت!

دستگاه‌های توربین دارای نقائص جدی است و سوانح بیشتر بخاطر نقص دستگاه‌ها است. مدیریت کارخانه درقبال این فجایع مسئول است. مدیریت کارخانه باید قبل از هر چیزی علل نقص این دستگاه‌ها را به نحوی مستولانه بررسی کرده و هرچه زودتر به رفع آن اقدام نماید. بدنبال این فاجعه کارگران سیمان ری باردیگر ضمن اعتراض به نارسائی‌های متعدد خدمات درمانی و تامین اجتماعی و ضمن تاکید بر ضرورت رفع نقائص دستگاه‌ها گفتند:

"تامین حداقل امکانات پزشکی و رفاه و خدمات اولیه درمانی و یک دستگاه آمبولانس جهت انتقال سریع مصدومین، خواست عاجل کارگران است"

چهارشنبه هفته گذشته، بنی‌السه، کارگر مبارز و قدیمی توربین برق کارخانه سیمان ری دچار برق‌گرفتگی شد و سر و صورت و دستهایش سوخت. در حدود یک ماه پیش هم ۲ کارگر دیگر از کارگران قسمت توربین برق در حین کار دچار برق‌گرفتگی شده بودند که قسمت‌هایی از بدنشان به کلی سوخته بود.

این سوانح ناگوار که به قیمت فجایع جبران‌ناپذیر و همچنین از کار افتادگی کارگران مبارز و زحمتکش برق هرچند روز یک بار و بطور مکرر اتفاق می‌افتد، قبل از هر چیز فجایع استثمار سرمایه‌داری است ولی در عین حال و بطور مشخص نشان دهنده مسامحه و بی‌توجهی کامل به اصطلاح مسئولین و مدیریت کارخانه است. کارگران می‌گویند که

بقیماز صفحه ۷

زحمتکشان ایاف پیشاپیش ۱۳۰ کارخانه

بهاوران کارگردرسنگر

(طبس)، کودتا، تجاوز نظامی عراق و توطئه مزدوران رژیم گذشته (پالیزبان‌ها، اویسی‌ها و...) و باند ضد انقلابی بختیار، نزیه و مدنی و... بازم منتظرند دوستان امپریالیست آنها در ارسال مواد اولیه اخلال نکنند؟

کارگران، کارمندان و مهندسين ترقیه‌یو! با همکاری گسترده خود امکان هیچگونه توطئه و اخلال به دوستان و جاسوسان امپریالیسم و طرفداران بختیار خائن ندهید تا سنگر کارخانه را علیه دشمنان انقلاب مستحکم نمائیم.

نابود باد توطئه‌های تجاوزکارانه دولت عراق مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

کارگران پیشرو ایاف ۱۶ مهرماه ۵۹

۳- در تامین مواد اولیه سفارشات، ترخیص و حمل مواد اولیه به کارخانه و خرید ماده اولیه از کشورهای دوست انقلاب ایران، باید لحظه‌ای غفلت نشود. معاشات مدیریت لیبرال که تابحال با کمال بی‌تفاوتی از همان شرکت‌های امپریالیستی مواد اولیه را خریداری کرده‌اند، کارخانه را در برابر ریسک خطرناکی قرار داده که فقط به سود دشمنان انقلاب می‌باشد. مردم هر روز پیکار خود را با امپریالیسم گسترده‌تر کرده‌اند ولی لیبرال‌ها که سرگرم معامله با امپریالیست‌ها بوده‌اند؛ حالا چه می‌گویند؟ آیا با تحریم اقتصادی، دخالت نظامی

کارخانه هرچه سریع‌تر بخواهد که اجرا کنند و مسامحه آنها را حتماً به ارگان‌های انقلابی گزارش نمایند تا از طریق راه‌حل‌های اضطراری خللی در تولید به وجود نیاید.

۱- به خاطر برنامه خاموشی امکانات ایاب و ذهاب برای کارگران و کارمندان شیفت باید مهیا شود تا از سنگر کارخانه پاسداری کنیم و تولید ادامه پیدا کند.

۲- به خاطر برنامه خاموشی درمانگاه کارخانه باید در شب‌ها نیز در خدمت کارکنان قرار گیرد چون امکان انتقال بیمار و مجروح بسختی صورت می‌گیرد و یا غیرممکن است.

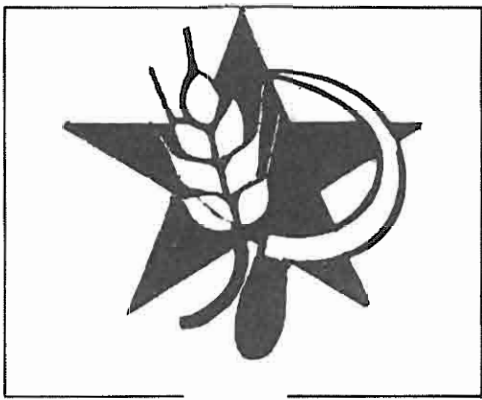
پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران -

جنبش دهقانی ایران



دهقانان قریه "حیدرلو" (ارومیه):
"سلاحی که به قیمت خون هفتاد هزار شهید بدست آمده
است باید برای دفاع از انقلاب و استقلال میهن
در اختیار کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان قرار گیرد"



دادگاه انقلاب مراغه

بجای دستگیری زمینداران بزرگ زحمتکشان روستا را به زندان می اندازد

انقلاب نکرد آمدند و آزادی همزمان خود را خواستار شدند. دهقانان می خواستند که "سلیمان خان" دشمن مردم، هر چه سریع تر دستگیر و مجازات شود. اما این بار نیز جز بی توجهی کامل جوابی دریافت نکردند.

این تجربه برای زحمتکشان "باباندر" درسهای گرانبهای در بر داشت. آنها اکنون به تدریج درمی یابند که برای دستیابی به خواستها و هدفهایشان، قبل از هر چیزی باید بر نیروی خود متکی باشند، متحد گردند و پیگیرانه مبارزه کنند. آنها در تجارب عملی و روزمره خود در می یابند که اگر مبارزه با زمینداران بزرگ را خود با پیگیری و شکیبایی دنبال نکنند، مسلماً زمینداران بزرگ با استفاده از تزلزل و تردید بسیاری از مقامات حکومتی خواهند توانست در موارد زیادی ثمرات مبارزه آنها را لگدمال کنند.

مردم زحمتکش "باباندر" می گویند: باید هر چه سریع تر شورای روستا را تشکیل داد، نمایندگان واقعی خود را انتخاب نمود و با حمایت بی دریغ از آنها به سمت صادره کامل زمینها و اموال زمینداران بزرگ و شرکت هرچه فعالتر در اداره امور روستا حرکت کرد.

"باباندر" (تکاب) روستایی در اطراف مراغه است. بخش اعظم زمینهای این روستا در رژیم گذشته توسط "سلیمان خان" زمیندار بزرگ منطقه غصب شده بود. او دهقانان زحمتکش روستا را از حداقل امکانات زندگی محروم نمود: درختان آنها را قطع کرد، بر سر آب نهایت ظلم و اجحاف را بر آنها روا داشت و هر زمان که لب به اعتراض باز کردند با حمایت ژاندارمری وحشیانه سرکوبشان کرد. قیام برای مردم "باباندر" سرآغاز تصفیه حساب با زمینداران بزرگ و احقاق حقوقی بود که سالیان دراز به زور سر نیزه از آن محروم شده بودند. روستائیان زحمتکش، متحد و یکپارچه زمینهای "سلیمان خان" را مصادره کردند، او را از روستا بیرون راندند و به قول خود "درس جانانه"ای به او دادند.

اما اقدام انقلابی آنها نه تنها مورد حمایت مقامات جمهوری اسلامی قرار نگرفت بلکه با مخالفت صریح رئیس دادگان انقلاب مراغه روبرو شد. مسئولین دادگاه بنا به شکایت "سلیمان خان" غاصب، سه تن از زحمتکشان روستا را به جرم باز پس گرفتن زمینهایی که حق مسلم آنهاست به زندان انداختند. این عمل با اعتراض شدید اهالی روستا روبرو شد. آنها روز ۱۷ شهریور ۵۹ مقابل دادگاه

روستائیان ناگاه را به شهر می کشانیدند ر آنها را به حرکات ضدانقلابی وامی داشتند. حاج مصیب و پسرش "جلال" از جمله همین عناصر خود فروخته هستند. آنها در گذشته روستائیان را همواره تهدید می کردند که اگر به شهر نیایند و جاوید

روستائیان ناگاه را به شهر می کشانیدند ر آنها را به حرکات ضدانقلابی وامی داشتند. حاج مصیب و پسرش "جلال" از جمله همین عناصر خود فروخته هستند. آنها در گذشته روستائیان را همواره تهدید می کردند که اگر به شهر نیایند و جاوید

در روزهایی که مردم مبارز ارومیه و روستاهای اطراف آن برای رهایی از ستم و فقر پایه های رژیم پهلوی را نشانه گرفته بودند و پیروزی این مبارزه نیازمند اتحاد بخش هر چه وسیع تری از زحمتکشان بود، عده ای از سرسپردگان رژیم، با تهدید، تطمیع و بهاقسام دسیسه ها، برخی

روستای تپه باشی ماکو

فریبکاری و تفرقه افکنی زمینداران بزرگ و

اتحاد و مبارزه زحمتکشان

همستگی خود را در مبارزه برای نابودی زمینداران بزرگ حفظ نمایند. زحمتکشان روستای "تپه باشی" با حفظ وحدت انقلابی شان در برابر زمینداران بزرگ منطقه و مبارزه با فریبکاری و تفرقه افکنی آنها در واقع سنگر زحمتکشان سراسری ایران در مقابل تجاوزات امپریالیسم و همدستان آن را هرچه بیشتر تقویت می کنند.

شده است، از قیام به بعد به کمک سایر زمینداران بزرگ و ساواکی های منطقه در صدد آن بوده است که بین زحمتکشان روستا تفرقه بیفکند. آنها را رو در روی هم قرار دهد و به این ترتیب اتحاد و مبارزه آنها علیه زمینداران بزرگ این نوکران امپریالیسم را با مانع زوربرو سازد. اما در این امر با شکست کامل مواجه شده است. روستائیان توانستند حیللهای او و سایر زمینداران بزرگ منطقه را خنثی کنند و اتحاد و

"تپه باشی" روستائی است در ۳۵ کیلومتری شهر ماکو که جمعیتی در حدود ۴۰ خانوار (۲۵۰ نفر) در آن زندگی می کند. بخش اعظم زمینهای حاصلخیز این روستا را شخصی بنام حسین نظمی غصب کرده است. او از زمینداران بزرگ این منطقه است و اکنون سالهاست که زحمتکشان را مورد شدیدترین بهره کشی و ستم قرار می دهد. این شخص که نامش اخیراً در لیست ساواکی ها در روزنامه اطلاعات نیز منتشر

فتو دال ها و زمینداران بزرگ روستای "صومای برادوست"

از بختیار حمایت می کنند

سرمایه داران و زمینداران بزرگ منحرف کنند. مردم مبارز روستای "صومای برادوست"، دیگر آگاه تر از آنند که فریب، فتو دال ها و سرمایه داران بزرگ، این حامیان امپریالیسم آمریکا را بخورند. آنها از همه اربابان منطقه خود تنها این سؤال را می کنند: اگر بختیار و بعث خائن نیستند، پس چرا شما دشمنان مردم از آنها حمایت می کنید؟

"صومای برادوست" که سالها شاهد سرکوب و ظلم و اجحاف وحشیانه فتو دال های منطقه بوده اند و حاصل کارشان تحت عنوان بهره مالکانه و بیگاری توسط همین بزرگ مالکان به یغما رفته است اکنون می بینند که همین دشمنان زحمتکشان زیر پوشش خرابی اوضاع مملکت و ناامنی به حمایت از بختیار، این نوکر دست نشانده آمریکا برخاسته اند و می خواهند مبارزات مردم را در جهت مصادره کامل اموال

زحمتکشان روستای صومای برادوست، این روزها شاهدند که فتو دال ها و روستای طوایف منطقه شان آشکارا جانب بختیار آمریکایی و متجاوزین بعثی را می گیرند. آنها با بختیار و بعثی ها ارتباط دارند، از آنها پول و اسلحه دریافت می کنند و با دروغ و تزویر چنین وانمود می سازند که گویا برای حل مشکلات مردم دست به این جنایتها می زنند. روستائیان زحمتکش

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



قلم‌های مشکوک در روزنامه جمهوری اسلامی

همچنان علیه وحدت مردم تبلیغ می‌کنند!

★ هیچ چیز نخواهد توانست ما را از مبارزه علیه امپریالیسم و دفاع از انقلاب مردم بازدارد!

هرچه نفوذ فدائیان خلق بر اثر رشد مبارزه طبقاتی و رشد آگاهی توده‌ها و تلاش پرشور و جانبازی قهرمانانه صدها هزار رفیق فدایی در میان توده‌های مردم زحمتکش گسترش می‌یابد، هر چه پیوند میان فدائیان و کارگران و زحمتکشان میهن ما استوارتر می‌گردد و هر چه بخش‌های وسیع‌تری از زحمتکشان ایران به حقانیت گرفتار و کردار فدائیان بی‌می‌برند، به همان نسبت نیز فحاشی و دروغ‌پردازی دشمنان جنبش کمونیستی بیشتر می‌شود و هرچه ماهیت چنین دروغ‌پردازی‌هایی برای مردم ما روشن‌تر می‌شود، طراحان آن به روش‌هایی عوام‌فریبانه‌تر و مخرب‌تر متوسل می‌گردند.

در این میان روزنامه جمهوری اسلامی در فحاشی نسبت به فدائیان گوی سبقت را از دیگر همپالکی‌هایش برده و همچنان سیاست مخرب و تفرقه‌افکنانه خود را ادامه می‌دهد. اخیراً روزنامه جمهوری اسلامی به شیوه‌ای مستهجن یورش تبلیغاتی جدیدی را بر علیه سازمان ما آغاز نموده است. ما برای اطلاع هم میهنان از شیوه‌هایی که این روزنامه به آن متوسل می‌شود، تنها یک نمونه را ذکر می‌کنیم:

در روزنامه جمهوری اسلامی (پنجشنبه ۱۸ مهر) عکس‌هایی به چاپ رسیده که به ادعای مسئولین این روزنامه "رزمندگان فدایی" را در کردستان به صورت مسلح نشان می‌دهد. مردم باید بدانند که این عکس‌ها متعلق به افراد فریب‌خورده‌ای است که در "گانون" کارآموزی "کرج" گردآوری شده‌اند. روزنامه جمهوری اسلامی تفنگ به‌دست آنان داده و به نام "رزمندگان فدایی" عکسشان را در روزنامه‌اش به چاپ رسانده. . . زهی بی‌شرمی. (چنانچه مسئولین روزنامه فوق بخواهند این امر را تکذیب کنند، مدارک و اطلاعات کامل آن عکس‌ها را منتشر خواهیم ساخت.)

گردانندگان این روزنامه که از شرکت گسترده و همه‌جانبه فدائیان در جنگ بر علیه رژیم عراق و دفاع از انقلاب مردم میهنمان، که نتیجه طبیعی آن ورشکستگی هرچه بیشتر تمامی دروغ‌گویی‌ها و یاوه‌سرایی‌های روزنامه جمهوری اسلامی در مورد فدائیان است، به وحشت افتاده است می‌کوشد که با تبلیغات کثیف خویش

نویسندگان مترقی و ضد امپریالیست روزنامه جمهوری اسلامی خودچنین سیاست کثیفی را محکوم می‌کنند. آنها به چشم خود می‌بینند که چگونه روزنامه‌ای که با کار مداوم آنان منتشر می‌شود و باید پیام آور صلح و دوستی بین مردم ایران باشد، باید دشمنی و کینه بی‌امان زحمتکشان ایران را بر علیه امپریالیسم جهانی دامن بزند، به روزنامه‌های مخرب تبدیل شده و از میان مردم طرد گردیده است. آنها خود می‌دانند که روزنامه جمهوری اسلامی درست به‌دلیل در پیش گرفتن چنین سیاست‌هایی اکنون کمترین تیراژ و کمترین خواننده را در میان زحمتکشان ایران دارد. ما مطمئنیم که کارگران زحمتکش و نویسندگان مترقی گردانندگان چنین سیاست‌هایی را که بی‌هیچ تردیدی آب به آسیاب امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن می‌ریزند، در نزد توده‌های مردم افشا خواهند ساخت.

اما گردانندگان این شیوه تبلیغات جمهوری اسلامی باید بدانند که تمامی تلاش‌های مذبحخانه‌شان نخواهد توانست فدائیان خلق را از مبارزه در راه رهایی زحمتکشان باز دارد. آنها بر این خیال خامند که با چنین تبلیغاتی قدم‌های فدائیان را در سنگرهای مقدم دفاع از انقلاب سست کنند. اما گام‌های ما استوارتر و اراده ما آهنین‌تر از آن است که تبلیغات مخرب و نفاق افکنانه این روزنامه بتواند خللی در آن ایجاد کند. هیچ چیز نخواهد توانست ما را از مبارزه علیه امپریالیسم و دفاع از منافع خلقمان بازدارد.

این‌گونه سیاست‌های روزنامه جمهوری اسلامی تاکنون لطمات بسیار زیادی را بر وحدت صفوف مردم میهنمان وارد آورده است. هواداران سازمان موظفند که ضمن توضیح صبورانه و مداوم سیاست‌های ما در میان کارگران و زحمتکشان، نقش مخرب اینگونه تبلیغات را قاطعانه افشا سازند و به زحمتکشان نشان دهند که دست‌های مشکوکی که چنین تبلیغاتی را سازمان می‌دهد در واقع صفوف متحد مردم ایران را نشانه گرفته‌اند. آن‌گاه قطعا مردم ایران خود شایسته‌ترین پاسخ را به چنین یاوه‌سرایی‌های مشکوکی خواهد داد.

روزنامه جمهوری اسلامی می‌تواند تنها محصول ذهن کوتاه‌بین و تنگ‌نظری که فقط و فقط "حزب خودش" را انقلابی و ضد امپریالیست می‌شناسد و مبارزه ضد امپریالیستی را تنها منحصربه "حزب خود" می‌داند، نباشد، بلکه احتمالا جریانی مشکوک، آگاهانه در جهت ایجاد تفرقه در صفوف مردم و سازمان دادن چنین تبلیغاتی نقش دارد.

سیاستی که از طرف طراحان چنین تبلیغاتی دنبال می‌شود منافع حقیر خود را در آن می‌بیند که سازمان ما بر علیه جمهوری اسلامی در کردستان بجنگد با کودتاچیان آمریکایی همکاری کند، بر علیه رژیم ارتجاعی عراق بجنگد و . . . در واقع خواست امپریالیسم و آرزوی دست نیافتنی امپریالیسم را برآورده کند. این سیاست می‌خواهد برای امپریالیسم کسب حیثیت کند و صفوف متحد مردم ما را تضعیف سازد. ما ایمان داریم که کارگران و کارمندان مبارز و

استقلال میهن و شرف زحمتکش ایرانی باشد، داغ ننگ بر پیشانی عوام‌فریبان جمهوری اسلامی می‌کوبد. امروز مبارزه قهرمانانه هزاران رفیق فدائی بر علیه امپریالیسم سرمایه‌داران و زمینداران وابسته بدان، افشای مداوم توطئه‌های امپریالیسم و متحدین داخلی و تلاش پیگیر رفقای ما در سازمان دادن مبارزات کارگران و زحمتکشان بر علیه امپریالیسم و نوکرانش را همه مردم ما شاهدند: سازمان ما ماهیست که اعلام نموده در هیچ یک از نقاط ایران در هیچ نوع عملیات نظامی بر علیه هیچ یک از نیروهای جمهوری اسلامی ایران شرکت ندارد و جنگ کردستان و نیروهای جمهوری اسلامی در آن را نیز محکوم می‌نماید.

اما روزنامه جمهوری اسلامی اصرار غریبی دارد که "فدائیان"، دموکرات و رزگاری در کردستان بر علیه جمهوری اسلامی ستاد مشترک تشکیل دهند!! اکنون این مسئله بطور جدی مطرح است که این اصرار غریب

همچنان ذهن مردم زحمتکش ما را مسموم و مخدوش نگاه داشته و تلاشی مذبحخانه را در جهت انفراد جنبش کمونیستی دامن زند. غافل از اینکه کارگران و زحمتکشان در میدان عمل، در آن زمانی که فدائیان دوشادوش دیگر نیروهای انقلابی، از دستاوردهای انقلاب دفاع می‌کنند و خون سرخشان استقلال میهن را پاس می‌دارد، دوستان و دشمنان خود را باز می‌شناسد، اکنون تبلیغات حزب جمهوری اسلامی بر علیه فدائیان حول محور زیر قرار دارد:

۱- عدم شرکت فدائیان در جنگ علیه تجاوز رژیم عراق به خاک میهنمان
۲- شرکت فدائیان در جنگی که در کردستان بر علیه جمهوری اسلامی ایران جریان دارد.
۳- همکاری فدائیان با نیروهای ضد انقلابی. سیاست و عمل فدائیان رسوا کننده دروغ‌پردازی‌های روزنامه جمهوری اسلامی است. خون دهها رفیق فدائی که در مرزهای میهن بر زمین می‌ریزد تا پاسدار

با همه توان به یاری آسیب دیدگان جنگ بشتابیم!

"گانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن" ضمن آمادگی مبارزه و تلاش برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب خونین میهن و درهم کوبیدن تهاجمات و تجاوزات رژیم مرتجع عراق، همه مردم مبارز ترکمن صحرا، زحمتکشان شهر و روستا مردم ملیت‌های گوناگون ترک و فارس و بلوچ و زابلی و ترکمن را به شرکت فعال در بسیج سراسری کمک‌های غذایی، دارویی و . . . جهت آسیب دیدگان جنگ دعوت می‌نماید

گانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
مهرماه ۱۳۵۹

۷



توزیع مایحتاج مردم

باید به شوراها و انجمن‌های محلات واگذار شود!

و زیر نظر ستاد مرکزی بسیج خدمات عمومی تهران، ۳۴۱ انجمن محلی و یا شوراهای محلی تشکیل و خدمات عمومی شهر به این انجمن‌ها واگذار خواهد شد. این انجمن‌ها در صورتی می‌تواند بطور فعال و زنده به‌وجود آید که در ارتباط مستقیم با رفع نیازهای مردم قرار گیرد. از سوی دیگر در تعدادی از محلات انجمن‌های اسلامی محل، به کمک کسبه محل کارت‌هایی جهت کنترل مایحتاج عمومی به اهالی محلی داده‌اند که از طریق این کارت‌ها، اهالی موظف هستند اجناس مورد نیاز خود را فقط از کسبه محل خریداری نمایند. این شیوه توزیع به کمک کسبه محلی اگر چنانچه مورد توجه بیشتری قرار گیرد قادر خواهد بود بخشی از مشکلات توزیع را به درستی حل نماید. به اعتقاد ما برای اجرای درست آن باید اولاً انجمن‌ها و یا شوراهای در تمام محلات بطور فعال شروع به کار کنند ثانیاً از طریق ستاد مرکزی این نهادها، هماهنگی و همکاری لازم بین مراکز توزیع دولتی به‌وجود آید. ثالثاً انجمن‌ها و یا شوراهای با استفاده از امکانات کسبه معتمد محل، مساجد، مدارس و کمیته‌ها در پیشبرد وظایف خود بکوشند. در این صورت و با اتخاذ چنین تدابیری است که می‌توان به وضع آشفته توزیع کالاها در سراسر کشور خاتمه داد و آن را در جهت رفع نیازمندی‌های مردم زحمتکش سامان بخشید.

مواد غذایی از جانب خانواده‌های مرفه مبارزه با سودجویان و محترکان است. لذا برای اجرای فوری موارد فوق تنها راه استفاده وسیع از نهادهای مردمی نظیر شوراهای محلی و یا کمیته‌ها و مساجد است. اخیراً و در ارتباط با شرایط جنگ ستاد تأمین مایحتاج عمومی از طریق وزارت بازرگانی شروع به‌کار کرده است. این ستاد در صورتی می‌تواند به نفع زحمتکش و مردم گام‌های موثری بردارد که از طریق شوراهای محلی به توزیع مواد غذایی و کالاها مورد نیاز بپردازد. چه این شوراهای قادر خواهند بود برآوردی درست از میزان

و ایجاد تعاونی‌های محلی می‌تواند بخشی از سیستم توزیع دولتی را تشکیل دهد. اکنون برای اجرای موارد فوق و مبارزه با گرانی و کمبود باید شرایط جنگ را در نظر داشته و طرق اجرای آن را با شرایط جنگ تطبیق داد. بطوری که جنگ و ادامه آن، ضرورتاً بخش وسیعی از توزیع مواد غذایی و مایحتاج عمومی را در جیبه به‌خود اختصاص خواهد داد و از سوی دیگر تخلیه بخش‌هایی از نواحی جنگ‌زده

کالاها با فوریت و ضرورت بیشتری طلب می‌کند. گام بعدی دولت باید در اختیار گرفتن توزیع کالاها ضروری و حیاتی از طریق ایجاد یک سیستم توزیع با تکیه بر نهادهای مردمی باشد. ایجاد سیستم توزیع دولتی بدون سازماندهی درست، بدون تکیه بر شوراهای و یا کمیته‌های محلی و حتی کمک از کسبه معتمد محل به تنهایی نمی‌تواند با سودجویی‌ها، با احتکار و با خریدهای کلان و ذخیره مواد غذایی از جانب

با آغاز جنگ باردیگر ترقی ناگهانی و سریع قیمت‌ها همراه با کمبود کالاها حیاتی، نگرانی زحمتکش و توده‌های مردم را افزون کرد. ترقی غیرعادی قیمت‌ها در ابتدای جنگ و قبل از آن که عوارض تدریجی و اثرات این جنگ بر قیمت‌ها ظاهر شود، به‌خوبی نشان می‌دهد عوامل مصنوعی و عواملی که در گذشته می‌بایست ریشه‌کن می‌شدند تا چه حد در افزایش قیمت‌ها و حتی کمبود کالا دخالت داشته است اکنون هر چند شرایط تحمیلی ناشی از جنگ بر تشدید گرانی و کمبود افزوده است ولی مبارزه با عوامل اصلی گرانی و کمبود همچنان به قوت خود باقی است. چه این عوامل در شرایط جنگی می‌تواند بر تشدید گرانی و کمبود بیفزاید و به حیات مخرب خود ادامه دهد.

جدول مقایسه قیمت‌های برخی کالاها ضروری در فاصله زمانی ۱۵ روز

نوع جنس	قیمت در اواخر شهریور	قیمت در اواسط مهر	درصد افزایش
مرغ	۲۲۵ ریال	۲۶۰-۲۵۰ ریال	۱۳ تا ۱۸ %
برنج خارجی	۱۸۰-۱۷۰ ریال	۲۲۰-۲۱۰ ریال	۲۲ تا ۲۳ %
نان لواش	۷/۵ ریال هر عدد	۱۰ ریال	۳۳ %
سیب‌زمینی	۳۰ ریال	۴۰ تا ۶۱ ریال	۳۳ تا ۱۰۰ %

خانوارها و میزان نیاز محله خود ارائه دهند و قادر خواهند بود با دریافت سهمیه محل، آن را به بهترین نحو و بدون تضییقات به فروش رسانند و یا در مورد بعضی کالاها جیره‌بندی را اجرا نمایند. همچنین اخیراً از جانب شهرداری در مورد برقراری ستاد بسیج خدمات عمومی شهر اقداماتی صورت گرفته است. بنا به این طرح

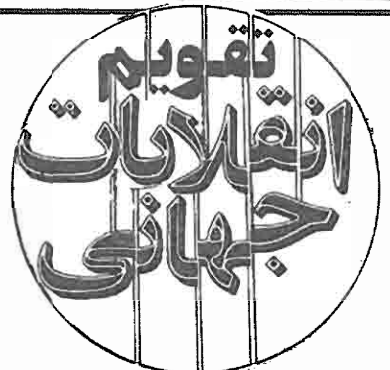
و سکونت جمعیت بیشتری در شهرهای نواحی دور از جیبه مشکلات حمل و نقل مواد غذایی و هجوم پول‌دارها به خرید و ذخیره مواد غذایی، همه اینها ضرورت اقدامات عاجلی را متناسب با شرایط جنگ به‌وجود آورده است. این اقدامات عبارت از جیره‌بندی کالاها مورد نیاز و کمیاب، جلوگیری از خرید و ذخیره

خانواده‌های مرفه مقابله و مبارزه کند. بطور مثال می‌توان از کشف یک سردخانه مملو از گوشت به میزان ۳۰ هزار کیلو و کشف ۲۰ بشکه دوپست لپتری نفت در این روزها نام برد. و این خیانت‌های جنایتکارانه از جانب محترکین و دلالان در حالی صورت می‌گیرد که توزیع گوشت و نفت دولتی است. نمونه‌ای از سیستم توزیع دولتی که به‌روشنی نشان می‌دهد تا چه حد در کنترل قیمت‌ها می‌تواند موثر باشد، شرکت‌های تعاونی توزیع است. بطوری که اختلاف فاحش قیمت‌ها در تعاونی‌ها و بازار خرید و فروش آزاد، اهمیت کنترل و توزیع دولتی را نشان می‌دهد. بطور مثال در تعاونی‌ها برنج خارجی هر کیلو ۷۰ ریال به فروش می‌رسد و در بازار بیش از دو برابر این قیمت خریداری می‌شود و یا روغن ۵ کیلوئی در تعاونی‌ها به قیمت ۲۹ تومان و در بازار به قیمت ۳۸ تا ۴۵ تومان فروخته می‌شود. به همین جهت گسترش تعاونی‌ها

مهمترین عوامل گرانی و کمبود، تجارت عمده کالا توسط بخش خصوصی است. باقیماندن داد و ستد عمده کالا در دست تجار و بازاریان چه در سطح تجارت داخلی و چه در مورد تجارت خارجی قبل از آغاز جنگ بزرگترین عامل آشفتنی اقتصادی در بازار بوده و بیشترین تضییقات را برای توده‌های زحمتکش فراهم آورده است. پس از آغاز جنگ و در شرایط جدید دیگر چنانچه به آن توجهی نشود، تاثرات مخرب آن ادامه خواهد یافت و بر غارت و چپاول مردم افزوده خواهد شد. به همین جهت گام اول دولت باید دولتی کردن تجارت خارجی و خارج کردن تجارت عمده کالاها از دست بخش خصوصی باشد. شرایط جنگی و وظایف جدید ناشی از جنگ که برعهده دولت قرار گرفته است، دیگر عذری برای به‌تعویق انداختن این امر و عدم اجرای فوری اصل ۴۴ قانون اساسی باقی نمی‌گذارد. شرایط جنگی و عواقب ناشی از آن، قطع دست‌بخش خصوصی را در تجارت عمده

در شرایط جنگی

شوراهای محلی، کمیته‌ها و دیگر نهادهای مردمی با همکاری کسبه معتمد محل نقش پراهمیتی در تقسیم آذوقه و مایحتاج عمومی و جلوگیری از احتکار و گرانی کالا دارند. اهمیت آنها را دریابیم



انقلاب در آمریکای لاتین و استراتژی امپریالیسم امریکا

"بی‌اعتمادی" داد و سیاست حمایت سرستانه از رژیم‌های فاشیستی جایگزین آن گردید. دکترین جانسون که حق دخالت یکجانبه امپریالیسم آمریکا را (با استفاده از قدرت نظامی) در امور داخلی همسایگان جنوبی‌اش برای مواجهه با "خطر کمونیسم" رسماً به رسمیت می‌شناخت، این مسئله را به خوبی آشکار ساخت. حمله نظامی آمریکا به جمهوری دومینیکن در سال ۶۵ و سرنگونی حکومت "کامانو" اجرای این دکترین در عمل بود.

نیکسون دکترین نزدیک شدن عملی حکومت‌های گوناگون آمریکای لاتین "به جز کوبای سوسیالیستی را مطرح نمود و در عین توسعه اقتصادی امپریالیسم آمریکا در آمریکای لاتین شعار "لاتینی کردن" یا سپردن کار به دست آمریکای لاتینی‌ها را مطرح نمود. در این زمان هیئت اعزامی راکفلر به آمریکای لاتین در شرایطی که انحصارات نظامی و نفتی غلبه چشمگیری در دولت آمریکا به دست آورده بودند، سیاست نوینی را طرح‌ریزی نمود. این هیئت اعلام نمود در آمریکای لاتین نوع نوینی از نظامیانی در حال ظهور هستند و اغلب نیروی اصلی تغییر مثبت اجتماعی در جمهوری‌های آمریکای لاتین هم‌آنها هستند. ناشکیبائی در برابر فساد و عدم کارائی و رکود نظام سیاسی، این نظامیان را بر آن داشته تا سن قدرتمند خویش را در خدمت هدف‌های پیشرفت اقتصادی - اجتماعی قرار دهند و از اینجا سیاست جدید امپریالیسم آمریکا با استفاده از تجربه کودتای نظامی در پرو که آن را "انقلاب توسط ارتش" می‌نامید شکل گرفت. "انقلاب ارتشی" که به دست کارگزاران امپریالیسم در شیلی هزاران نفر را برای تثبیت سلطه آمریکا و شکست انقلاب شیلی قتل عام کرد، یک بار دیگر سیاست حقوق بشر دولت آمریکا را به نمایش درآورد. هم‌زمان با روی کار آمدن کارتر سیاست "مدرنیزه کردن" در آمریکای لاتین (که از زمان کندی آغاز شد) همچنان در حال اجرا بود. اوج‌گیری بحران نوین امپریالیسم و سیر شتابنده انقلاب در کشورهای مختلف، فضاقت امپریالیسم در سراسر جهان و شکست مفتضحانه آمریکا در ویتنام، امپریالیسم آمریکا را به روی آوردن به سیاست "حقوق بشر" کارتر وادار نمود. کاخ سفید در تبلیغات عوام‌فریبانه خود، سیاست عدم دفاع از حکومت‌های دیکتاتوری که "حقوق بشر را نقض کرده‌اند" در پیش گرفت اما در عمل حمایت بی‌دریغ و همجانانه‌اش از رژیم‌های دیکتاتوری در سراسر جهان همچنان ادامه یافت و سرانجام با اوجگیری انقلاب در ایران و نیکاراگونه دیگر این دکترین به کناری پرتاب شده بود و امپریالیسم آمریکا با تمام امکانات خود به مقابله با انقلاب برخاست. سیل اسلحه آمریکائی به آمریکای لاتین سرازیر گردید و کوشش برای سازماندهی "نیروهای آمریکائی" تحت لوای "سازمان کشورهای آمریکائی" آغاز گردید. کمک‌های رسمی امپریالیسم به رژیم‌هایی چون پینوشه به شکل سرسام‌آوری افزایش یافت و مسئله مداخله نظامی در آمریکای مرکزی برای مقابله با انقلاب در السالوادور، گواتمالا، هندوراس و... در مرکز بقیه در صفحه ۱۳

به‌درستی باید گفت که وجه مشخصه دیپلماسی امپریالیسم در اساس همان "حق از آن قدرت است" می‌باشد و سیاست امپریالیسم آمریکا بر استراتژی "ناوکوچک توپدار و دلار" استوار است. اعلام دفاع از "دموکراسی پارلمانی" اولین بار نیست که توسط دولت آمریکا مطرح می‌شود. امپریالیسم آمریکا در آغاز دهه ۶۰، زمانی که اولین انقلاب سوسیالیستی در کوبا در ۹۰ میلی سواحل آمریکا، پروژه امپریالیسم را به خاک مالید، با همین سیاست برای مقابله با روند فزاینده انقلاب وارد میدان شد. در آن زمان پیروزی انقلاب کوبا (۱۹۵۹) با برقراری حکومت مترقی آریباز در گواتمالا (۱۹۵۷) و رشد جنبش‌های انقلابی در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و مرکزی منافع امپریالیسم آمریکا را سخت به مخاطره افکنده بود. انقلاب کوبا و گرایش خلق‌های آمریکای لاتین به آن زنگ خطری بود که امپریالیسم برای مقابله با آن به تقلا درآمد. دولت کندی در این سال‌ها با برنامه "اتحاد برای پیشرفت" وارد میدان شد و اعلام نمود که وی در روابط سیاسی‌اش به دولت‌های بورژوا دموکراتیکی که بر مبنای قانون انتخاب شده باشد اعتماد خواهد کرد. اما علیرغم این ژست‌های ظاهر فریب، امپریالیسم آمریکا همچنان به پشتیبانی و برقراری رژیم‌های دیکتاتوری در آمریکای لاتین ادامه داد (طرح برنامه "اصلاحات ارضی" در ایران و پشتیبانی دولت آمریکا از رژیم دیکتاتوری شاه نیز نمونه گویائی از این سیاست در سایر نقاط جهان است.) سیاست "حقوق بشر" کارتر نیز بی‌شابهت به برنامه‌های کندی نیست. در دهه ۶۰ بحران اقتصادی امپریالیسم آمریکا و کشورهای وابسته به آن در آمریکای لاتین را در خود فرو برده بود. امپریالیسم آمریکا برای تحکیم نفوذ خود در این کشورها گسترش بازارهای خود و مقابله با سیر شتابنده جنبش‌های توده‌ای ضد امپریالیستی و دموکراتیک دکترین "انقلاب صلح‌آمیز کنترل شده" را که در برابر انقلاب سوسیالیستی و جلوگیری از پیدایش کوباهای جدید طرح‌ریزی شده بود، به اجرا درآورد. دکترین "انقلاب صلح‌آمیز" با هدف امحای قدرت الیگارشیک ملکی، غلبه روابط سرمایه‌داری و الیگارشیک‌های مالی و صنعتی، "دموکراسی‌های پارلمانی" و مقابله با انقلاب خلق‌ها به اجرا درآمد. پی‌آمد آن گسترش بازار امپریالیسم، غلبه سرمایه‌داران انحصاری وابسته، نقش فعال‌تر کشورهای آمریکای لاتین در تقسیم کار جهانی سرمایه‌داری و تشدید استثمار زحمتکشان بود. کندی در سال ۶۱ در پیامی به کنگره آمریکا اعلام کرد که اگر این سیاست اجرا نشود آمریکا با خطری مهلک و بزرگ مواجه خواهد شد" که نتیجه آن روی آوردن مردم مایوس به کمونیسم به مثابه تنها راه نجات خواهد بود اما به‌زودی با توجه به اوج‌گیری جنبش‌های انقلابی در کشورهای آمریکای لاتین "اعتماد به دموکراسی‌های بورژوازی" جای خود را به

چهارشنبه ۱۶ مهر (۸ اکتبر) مصادف با سالروز شهادت ارنستو چه‌گوارا فرزند قهرمان خلق‌های آمریکای لاتین، و زمننده انقلابی جنبه مبارزه علیه امپریالیسم بود. چه‌گوارا در آرژانتین به دنیا آمد، در گواتمالا به انقلاب پیوست، در کوبا در کنار کاسترو و سایر رهبران انقلاب جنگید و تا سال ۱۹۶۵ در رهبری ساختمان سوسیالیسم در این کشور نقش برجسته‌ای برعهده داشت. وی در سال ۱۹۶۵ راهی کنگو شد و در کنار خلق این کشور علیه چومبه به نبرد پرداخت و سرانجام در جنگ‌های بولیوی به محاصره مزدوران امپریالیسم آمریکا درآمد و پس از دستگیری، توسط امپریالیسم آمریکا به قتل رسید. آنچه در چه‌گوارا برای کمونیست‌های سراسر جهان مایه الهام است، جوهر انقلابی و رزمندگی، تسلیم‌ناپذیری در مقابل دشمنان خلق و ایمان او به رهایی خلق‌های تحت ستم از یوغ امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست. در سیزدهمین سالروز شهادت "چه"، یاد آن رزمنده انقلابی را گرامی می‌داریم و بدین مناسبت نظری بر روند انقلاب در آمریکای لاتین و استراتژی آمریکای لاتینی امپریالیسم می‌افکنیم

دولت کارتر به‌محض استقرار در کاخ سفید اعلام نمود که دموکراسی‌های بورژوازی اساساً مورد پشتیبانی آن قرار خواهند گرفت و در مناسباتش با کشورهای آمریکای لاتین به "رعایت حقوق بشر" از جانب آنها اهمیت خواهد داد. دکترین "حقوق بشر" که به‌عنوان پایه ایدئولوژیک جنگ صلیبی امپریالیسم آمریکا علیه سوسیالیسم و نیروهای انقلابی سراسر جهان قرار گرفت، بیانگر تلاش مذبح‌خانه‌ای بود که آمریکا پس از تحمل ضربات مرکب‌انقلاب ویتنام و افتضاح واترگیت برای کسب آبروی مجدد به آن جنگ می‌انداخت. امپریالیسم آمریکا که‌های‌هوی گسترده‌ای را در "پشتیبانی از حقوق بشر" به اصطلاح "نقض شده در کشورهای سوسیالیستی" به‌راه انداخته بود، مجبور بود در ظاهر هم که شده، خود را از رژیم‌های نظامی و دیکتاتوری در آمریکا لاتین، رژیم‌هایی که ابتدائی‌ترین حقوق‌های انسانی را در زیر چکمه مزدوران لگدکوب کرده‌اند، جدا نشان دهد. فیدل کاسترو در ژوئیه ۷۸ در برخورد با سیاست جدید امپریالیسم آمریکا چنین گفت:

"هر رهبر تازه ایالات متحده کلمات پرطمطراقی را برای آمریکای لاتین و کل جهان ابداع می‌کند یکی راجع به "حسن همجواری" داد سخن می‌دهد، دیگری با "اتحاد برای پیشرفت" وارد میدان می‌شود و حالا تکیه کلام روی "حقوق بشر" است و هنوز تغییری در سیاست‌های ایالات متحده در نیمکره غربی و در کل جهان داده نشده است." (۱)

دساورد های
انقلاب و
سوسیالیسم



شکوفائی فرهنگ در مجارستان سوسیالیستی

این واقعیت است:

در مجارستان در دو دهه قبل از انقلاب کتابهای منتشره از ۳ هزار عنوان تجاوز نمی کرد که تازه همگی آن هم به فروش نمی رسید. انقلاب وظیفه تلفیق مطالعه با زندگی مردم را در دستور کار خود قرار داد. تنها در سال اول بعد از انقلاب (۱۹۴۶) تعداد ۱۱۲۸ عنوان کتاب با تیراژ کلی ۱۴ میلیون نسخه منتشر شد. در سال ۱۹۷۰ تعداد ۴۷۹۳ عنوان با تیراژ کلی ۹۳ میلیون نسخه منتشر شد. با توجه به جمعیت ۱۰ میلیونی مجارستان، تعداد کتابهای چاپ شده برای هر نفر در سال به ۹۴ جلد رسید و از این نظر مجارستان در ردیف چهارمین کشور کتابخوان جهان قرار گرفت.

اهمیت این گرایش به کتاب و مطالعه زمانی روشن تر و واضح تر می شود که بدانیم برخلاف جوامع سرمایه داری، افزایش تقاضا برای کتاب شامل داستانهای پلیسی و کتابهای پر فروش مبتذل نبوده، بلکه شامل شاهکارهای ادبیات انقلابی جهان و کتابهای علمی می باشد که بارها تجدید چاپ شده و به سرعت به فروش می رسد.

رشد زمینه های دیگر فرهنگی نیز در مجارستان از توجه اساسی برخوردار است. موسیقی، تئاتر، سینما و اپرا نسبت به سالهای قبل از انقلاب پیشرفت و غنای چشمگیری یافته است. بطور نمونه تنها در سال ۱۹۷۰، بیش از ۲۵۰۰ کنسرت موسیقی در کشور اجرا شده است. در این زمینه ها نیز مانند انتشار کتاب، توجه زیادی به پرورش مردم با روحیه انترناسیونالیستی می شود. بطوری که آثار هنرمندان جهان و به ویژه کشورهای سوسیالیستی در مجارستان اجرا شده و آفریده های هنری مردم مجارستان و از جمله فیلم های سینمایی و فیلم های کودکان برای آشنائی خلق های جهان به فستیوالها و صحنه های جهانی فرستاده می شود که اغلب نیز توجه و احترام مردم جهان را برانگیخته و موفق به کسب جوایز جهانی شده اند.

برخلاف تبلیغات مفرضانه و دروغ پردازی های امپریالیست ها، کمونیست ها همواره تلاش دارند توده های مردم را از حالت ماشینی تولید کننده و مصرف کننده وسایل مادی و کالا که جامعه سرمایه داری زمینه ساز آن است، خارج سازند و برای این منظور نابودی نظام سرمایه داری در سرجوخه برنامه کمونیست ها قرار دارد. جوامع سوسیالیستی از یک سو در جهت رفاه مادی و تامین اجتماعی توده ها حرکت می کنند و از سوی دیگر بر پایه این زندگی، توده های مردم را سرشار از ارزش های فرهنگی و معنوی و به مثابه آفرینندگان این ارزشها پرورش می دهند.

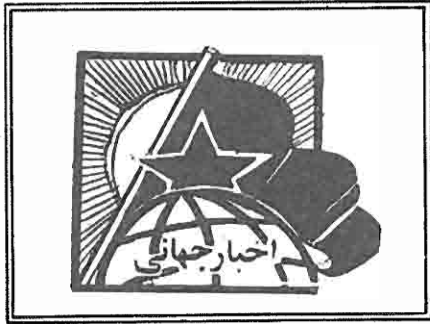
شکوفائی فرهنگ در مجارستان سوسیالیستی گوشه ای از این کوشش را نشان می دهد. میراث رژیم ضد خلقی گذشته که ۳۵ سال پیش با انقلاب سوسیالیستی زحمتکشان مجارستان سرنگون گردید، چیزی نبود جز فقر، بیکاری و بیسوادی تقریباً همگانی. مهاجرت دسته جمعی ۱/۵ میلیون نفر از مردم مجارستان در دو دهه قبل از انقلاب به کشورهای دیگر نشانگر وضع زندگی رقت بار مردم این کشور در آن زمان است. انقلاب سال ۱۹۴۵ مجارستان شرایط لازم را برای تحقق آرزوی " شاندرپتوفی " شاعر مردمی مجار که فرهنگ را متعلق به تمامی مردم زحمتکش می دانست فراهم نمود. پس از انقلاب، فرهنگ توده ای شکوفا گردید و نویسندگان، شعرا و هنرمندان خلقی امکان شکوفائی و پرورش استعداد های خود را یافتند.

زمینه اصلی برای ارتقاء فرهنگ توده ها آموزش همگانی و بخصوص کار آموزشی در مدارس می باشد. در مجارستان تحصیل اجباری و همگانی تا کلاس هشتم برقرار است. در این کشور با مسئله فرهنگ و هنر از زاویه منافع میلیون ها زحمتکش برخورد می شود. " حزب کارگران سوسیالیست مجارستان " (حزب کمونیست) و دولت مجارستان اهمیت بسیار زیادی به پرورش مردم با روحیه جمعی و روابط رفیقانه و پرورش انسان های نوینی به دور از خود بینی و تنگ نظری جوامع طبقاتی می دهند. نمونه های زیر گویای

بقیه از صفحه ۱۲

انقلاب در

برنامه های آمریکا قرار گرفت. حمایت امپریالیسم آمریکا از رژیم های دیکتاتوری در آمریکای لاتین همزمان با اوچگیری انقلاب در قاره شکل عریان تری به خود گرفت. کودتای اخیر بولیوی علیرغم برخی مخالف خوانی ها "ی گاذب آمریکا، در واقع با حمایت و پشتیبانی سیا و وزارت خارجه آمریکا انجام گرفت و امپریالیسم چهره خود را که از نقطه نظر سیاسی چیزی جز خشونت و سرکوب نمی باشد



لیبی

سرهنگ معمر قذافی رهبر لیبی در تلگرامی به رژیم های ارتجاعی عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس حمایت بی دریغ دولت لیبی را از انقلاب ایران و نبرد عادلانه اش علیه تجاوز رژیم ضد مردمی عراق اعلام داشت. قذافی ضمن اشاره به توطئه های امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس یادآور شده است که هواپیماهای آواکس که اخیراً از جانب آمریکا در اختیار عربستان سعودی قرار گرفته است، نشان دهنده حضور نظامی آمریکا به منظور تحت سلطه قرار دادن جهان عرب می باشد. سرهنگ معمر قذافی در این پیام اعلام داشته است که در جنگ ایران و عراق از ایران حمایت می کند و جنگ با ایران را تنها به نفع امپریالیسم آمریکا دانسته است.

جمهوری دمکراتیک خلق کره

کنگره ششم حزب " کار " جمهوری دمکراتیک خلق کره با حضور نمایندگان منتخب حزب و با شرکت هیئت های نمایندگی احزاب کمونیست و کارگری از سراسر جهان گشایش یافت در مراسم افتتاح این کنگره رفیق کیم ایل سون رئیس جمهور و دبیرکل حزب کار جمهوری دمکراتیک خلق کره، طی سخنانی لزوم مبارزه گسترده برای تحکیم ساختمان سوسیالیسم و پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم را یادآوری نموده و اعلام نمود که مزدوران امپریالیسم آمریکا در کره جنوبی باید خاک این کشور را ترک نمایند تا خلق کره بتواند یک کشور متحد و دمکراتیک بنا نهد.

خلق های کره تحت رهبری حزب کار این کشور تاکنون به پیروزی های بزرگی در زمینه های اقتصادی و اجتماعی دست یافته اند. تحت رهبری حزب ساختمان یک جامعه سوسیالیستی پیشرفته با سیر شتابانی به پیش می رود و هم اکنون جمهوری دمکراتیک خلق کره یکی از پیشرفته ترین کشورهای صنعتی آسیا محسوب می گردد. ششمین کنگره حزب کار جمهوری دمکراتیک خلق کره، بدون شک به نتایج موفقیت آمیزی دست خواهد یافت. سازمان ضمن ابراز دروهای رفیقانه خود به خلق های کره و حزب کار، تشکیل ششمین کنگره حزب کار جمهوری دمکراتیک خلق کره را تبریک گفته و برای آن آرزوی موفقیت می نماید.

بقیه در صفحه ۱۶

(۱) - گرانا - ۲۶ ژوئیه ۷۸

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

فدائی رهبر دولت ترقیخواه لیبی:

در سنگریس کار عادلانه مردم در برابر تجاوز رژیم ضد مردمی صدام حسین

* مردم و دولت ترقیخواه لیبی دوست مردم و انقلاب ما هستند. همه کسانی که بهر بهانه و تحت هر عنوان بگویند بر این حقیقت سایه اندازند، بهزبان مردم و انقلاب مردم ما اقدام می کنند.

کسانی که بمباران شهرهای عراق را تبلیغ می کنند، با انقلاب ایران و با وحدت مردم ایران و عراق دشمنی می کنند

مغایر با تلاش زحمتکشان دو کشور در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد مردمی و جنایتکار صدام حسین است. اگر در جنگ علیه رژیم عراق به شهرها و نقاط مسکونی مردم عراق حمله شود و ارتش ایران خانه و کاشانه زحمتکشان را بر سر آنها خراب کند، بدون تردید برای امپریالیسم و رژیم ضد مردمی صدام حسین بیشترین زمین تبلیغات علیه انقلاب ایران و علیه نزدیکی و وحدت زحمتکشان دو کشور در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم مرتجع صدام فراهم می آید. چنین اقدامی به سود امپریالیسم و به زیان انقلاب ایران و عراق و وحدت زحمتکشان منطقه تمام خواهد شد.

ما از هم اکنون قاطعانه اعلام می داریم که هرگونه تلاش برای بمباران مناطق مسکونی عراق و تکرار اعمالی که رژیم عراق مرتکب می شود ضدید با انقلاب و مغایر با هدف های زحمتکشان ایران می دانیم. خصمت عادلانه پیکار خلق ما ایجاد می کند که ما در پیکار خود همواره بکوشیم خود را به زحمتکشان عراق نزدیکتر سازیم. بدون تردید پرنسپل انقلابی و مبارز ارتش نیز همچون همه مردم آگاه و نیروهای ترقیخواه ایران خواستار پیوند عمیق میان مردم ایران و عراق است و قاطعانه با هر اقدامی که این پیوند را سست کند، مخالفت می ورزد.

ما پیشاپیش به مسئولان جمهوری اسلامی ایران هشدار می دهیم و مصرأ می خواهیم که موضع خود را در قبال اظهاراتی که از جانب برخی محافل مسئول ابراز شده و در روزنامه های رسمی به چاپ رسیده است، برای مردم روشن سازند.

با ادامه تجاوز رژیم عراق علیه انقلاب ایران، محافل مرتجع منطقه می کوشند پیکار عادلانه و دفاع قهرمانانه خلق ما را علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم ضد مردمی صدام حسین به جنگ ناسیونالیستی و شوینیستی میان مردم ایران و عراق جلوه گر سازند! زحمتکشان مبارز مبین ما و همه نیروهای ترقیخواه و انقلابی خلق ما در پیکار علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم ارتجاعی صدام حسین خلق های عرب و کرد عراق را متحد و هم رزم خود می دانند. زحمتکشان ما نه تنها در پیکار عادلانه علیه رژیم عراق و دفاع قهرمانانه خویش از استقلال مبین هدف آسیب رساندن به زحمتکشان عراق را دنبال نمی کنند، بلکه در این پیکار زحمتکشان و نیروهای ترقیخواه دو کشورند.

امپریالیسم آمریکا و همه رژیم های مرتجع منطقه تلاش دارند مبارزه خلق ما را علیه تجاوز رژیم عراق، جنگ فارس و عرب و یا شیعه و سنی و غیره جلوه گر سازند و به جای وحدت و یکپارچگی هرچه بیشتر زحمتکشان دو کشور، که ضرورت مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع رژیم صدام حسین است، دشمنی و کینه توزی را میان زحمتکشان ایجاد نمایند. همه مردم آگاه مبین، همه نیروهای ترقیخواه مبین و همه زحمتکشان و نیروهای مترقی عراق باید هرگونه توطئه امپریالیسم را که تلاش در جهت ایجاد کینه و دشمنی میان دو مردم ایران و عراق است، افشا سازند.

بر این اساس موضعگیری اخیر ارتش که اعلام داشته است: "اگر بمباران شهرهای ایران ادامه یابد، ارتش مقابله به مثل خواهد کرد."

همه باید بدانند:

**ذخیره سازی ما محتاج عمومی
خلاف مصالح انقلاب است!**

سپاه دیکتاتوری شاه تجلی بارز پیوند انقلاب مردم ایران و لیبی است.

خطر نشان می سازیم که از انقلاب تاکنون برخی گرایشات وحدت شکن و نفاق افکنانه همانگونه که در جنبه داخلی انقلاب با آن روبرویم مانع از استحکام دوستی مردم و دولت ترقیخواه لیبی با دولت و مردم مبینان بوده است. نمایندگان این گرایشات ارتجاعی موانع گوناگونی در راه تحکیم و گسترش روابط ایران و لیبی پدید آورده اند و هنوز نیز مذبوحانه در این راه تلاش می کنند! اقدامات زیانبار و ارتجاعی این نیروها موجب آن شده است که جمهوری اسلامی ایران پس از گذشت بیست ماه از انقلاب، حداقل روابط لازم با دولت و مردم ترقیخواه لیبی را داشته باشد.

در این میان تلاش روحانیون ترقیخواه و دیگر نیروهای مبارز در جمهوری اسلامی ایران برای گسترش روابط با دولت و مردم لیبی و تحکیم پیوندهایی که بین انقلاب مردم ما و مردم لیبی وجود دارد، همواره مورد حمایت ما و همه نیروهای انقلابی، ترقیخواه و ضد امپریالیست مبین بوده است.

موضع قاطع و صریح دولت ترقیخواه لیبی، بی پایگی تبلیغات نیروهایی را که می کوشند دوستی دولت ترقیخواه لیبی را با مردم و انقلاب ما انکار کنند، نشان داده است. دولت و مردم ترقیخواه لیبی دوست مردم و انقلاب ما هستند و همه کسانی که به هر بهانه و تحت هر عنوان بگویند بر این حقیقت سایه اندازند بهزبان مردم و انقلاب مردم ما اقدام می کنند.

منطقه در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم بیشترین تلاش را از خود بروز داده است.

مردم و دولت ترقیخواه لیبی به رهبری "فدائی" برای تحکیم پیوند خلق های ما و لیبی در گسترش روابط دوستی و همکاری در زمینه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با انقلاب مردم ایران پیشقدم بوده اند و به نحو ستایش انگیزی در جهت معرفی و شناساندن دوستان واقعی مردم و انقلاب ما در مبارزه مشترکی که علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به پیش می رانیم، تلاش کرده اند.

دوستی بی شائبه مردم و دولت ترقیخواه لیبی با مردم و دولت ایران مصالح و اهداف مشترک خلق های ما و لیبی در پیکار علیه دشمن مشترک، امپریالیسم آمریکا است. سالها مبارزه مردم ایران و لیبی با امپریالیسم و متحدان آن و تحمل مصائب و قربانی های بی شمار برای کسب استقلال سیاسی، پایه عینی پیوندهای استواری است که بین انقلاب مردم ما و لیبی وجود دارد.

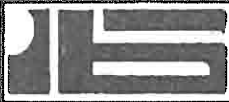
سوابق درخشان و عمیق همکاری متقابل انقلابیون دو کشور به حمایت قاطع دولت ترقیخواه لیبی از مردم ما در پیکار عادلانه علیه تجاوزات رژیم ضد مردمی صدام حسین معنای خاصی می بخشد. انقلابیون دو کشور همواره صرف نظر از ایدئولوژی و عقیده شان برای رهایی خلق های خود از سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا صمیمانه با یکدیگر همکاری کرده اند. به ویژه دوستی سازمان ما با انقلابیون لیبی در روزهای

سرهنگ فدائی رهبر لیبی طی تلگرامی به کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس (روزنامه های شنبه نوزدهم مهرماه) حمایت قاطع، صریح و آشکار خود را از پیکار عادلانه خلق های ایران در برابر تجاوز رژیم ارتجاعی صدام حسین اعلام کرد. او دفاع از انقلاب مردم ایران را در برابر توطئه های امپریالیسم آمریکا و تجاوزات رژیم ضد مردمی صدام حسین و طیفه همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست جهان خواند!

این اولین بار نیست که جهان شاهد حمایت صریح و پیوند عمیق انقلاب مردم لیبی با انقلاب مردم مبین ما می باشد. دولت و مردم ترقیخواه لیبی همواره از مبارزات عادلانه مردم ما علیه رژیم منغوز شاهنشاهی و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا حمایت کرده اند.

پیکار عظیم خلق لیبی برای رهایی از سلطه امپریالیسم و کسب استقلال ملی و تأمین ترقی اجتماعی از جانب مردم و نیروهای ترقیخواه مبین ما همواره با بی گیری خاصی مطالبه و مورد حمایت بوده است. پیکار حق طلبانه و انقلابی مردم و دولت لیبی با نژادپرستان صهیونیست و تمامی دولت های ارتجاعی و دست نشانده منطقه، به ویژه رژیم سرسپرده سادات و تلاش و پیگیری ای که در جهت ایجاد و تقویت جبهه های از نیروهای ترقیخواه عرب در پیکار علیه امپریالیسم و صهیونیسم داشته است، همواره با تحسین انقلابیون جهان و کینه توزی رژیم های ارتجاعی عرب روبرو بوده است. دولت ترقیخواه لیبی برای وحدت خلق های عرب و

هرگز بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا



مهندس بازرگان در آرزوی شکست انقلاب!

سلطنت طلبان و ایادی و هم پیمانان رژیم صدام حسین در کردستان قصد داشتند ارومیه را اشغال کنند

* فتودال‌هایی که زمانی شورای انقلاب آنان را مسلح ساخته بود، اکنون با همان سلاح‌ها سینه پاسداران را سوراخ می‌کنند!!

به سرگردگی امپریالیسم آمریکا برای شکست انقلاب مردم ایران در دستور قرار داده است.

این تاکتیک مذبحخانه تلاش دارد با جدا ساختن مناطق جنوب و جنوب‌غربی کشور، با ایگانه مستقلی در داخل برای مدافعان و متحدان امپریالیسم آمریکا به‌وجود آورد.

بر اساس گزارشات، تهاجم اخیر ضدانقلاب داخلی در ارومیه زور فرماندهی یکی از افسران فراری شاه به نام سروان یوسفی انجام گرفته است.

رشد و گسترش نفوذ سلطنت‌طلبان در ارومیه در یکی از وجوه آن، محصول سیاست‌های مخرب و ارتجاعی پاره‌ای از مسئولان جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه حجت‌الاسلام حسینی نماینده امام در ارومیه است. سیاست جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تسلیح سران عشایر و فتودال‌های ارومیه، اکنون نتایج شوم خود را به بار آورده است. اکنون همان نیروهای مورد اعتماد مقامات جمهوری اسلامی با سلاح‌هایی که شورای انقلاب در اختیار آنان گذارده بود، علیه انقلاب مردم ایران اقدام می‌کنند و سینه پاسداران جمهوری اسلامی ایران را آماج گلوله‌های خود می‌سازند.

به‌احتمال زیاد سروان یوسفی، خواهر زاده سرتیپ سعادت‌مند معدوم، وزیر اطلاعات کابینه اوسلی جنایتکار، قصاب تهران است. یوسفی فرمانده گارد تشریفات سلطنتی نیز بوده است.

طبقه کارگر، زحمتکشان ایران و همه نیروهای ضد امپریالیسم و ترقیخواه اکنون مصممانه در راه برپایی ایرانی آزاد و دمکراتیک - که در آن جایی برای حکمرانی دوستان برزیلسکی نیست - پیش می‌روند.

اخبار و اطلاعات رسیده از ارومیه حاکی از گسترش تهاجمات ضدانقلاب داخلی در ارومیه و نواحی اطراف آن است.

در تهاجماتی که از روز سه‌شنبه در این منطقه شروع شد دشمنان انقلاب مردم ایران و ایادی و هم‌پیمانان امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام حسین با سلاح‌های سنگین به مراکز شهری ارومیه حمله کردند و درصدد بودند که شهر را در اختیار بگیرند. در حملات چند روز اخیر ارومیه دهها تن از مردم و مدافعان شهر کشته و محروح شدند و مهاجمان صدام‌فلاسی، بنا به گزارشات دریافت شده، با دادن تلفاتی به نواحی اطراف شهر ارومیه عقب‌نشینی کردند.

تهاجم گسترده ضد انقلاب داخلی در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم تجاوزگر صدام حسین برای ازغاب مردم و خالی کردن مناطق جنوب و جنوب‌غربی کشور از سکنه مناطق مسکونی را بماران کرده و صدها تن از مردم غیرنظامی و زحمتکش میهن را به‌خاک و خون نشانده است.

امروز ارتباط و پیوند جنبه ضدانقلاب داخلی در سرتاسر میهن، به‌ویژه در نواحی ارومیه، کردستان و غرب کشور با رژیم جنایتکار صدام حسین ترکیبی پوشیده نیست. بدون تردید تهاجمات گسترده ضد انقلاب در سرتاسر میهن در ارتباط با تجاوزات رژیم جنایتکار صدام حسین متوجه به‌اجرا در آوردن تاکتیکی است که در این مرحله امپریالیسم جهانی

می‌کوشند تا انقلاب ما را به بن‌بست بکشاند و مردم قهرمان میهن ما را به زانو درآورند. مهندس بازرگان و همه دوستان و "آشنایان" ایشان باید بدانند که خیال‌های خامشان هرگز به واقعیت بدل نخواهد شد.

است. بازرگان در یکی از مصاحبه‌هایش اعتراف کرد: "باران می‌خواستیم، سیل آمد". او انقلاب ایران را سیل‌بنیان‌کنی می‌داند که به‌جای تعدیل دیکتاتوری شاه در ادامه بساط امپریالیسم و دوستانش را درهم خواهد پیچید. حالا چگونه شده که او آرزوی پیروزی انقلاب را دارد؟

کوشش بازرگان در زمان نخست‌وزیری این بود که رژیم ایران از در دوستی با امپریالیسم درآید تا یک بار دیگر سرمایه‌داران با خیال راحت به استثمار کارگران و زحمتکشان بپردازند و به این منظور سبز با برزیلسکی مشاور امنیتی کاج سفید به مذاکره و گفتگو نشست. این همان هدفی است که امپریالیسم آمریکا دنبال می‌کند و به این دلیل سبز مهندس بازرگان مورد حمایت برزیلسکی قرار دارد.

اما مبارزات قهرمانانه مردم میهن ما به بازرگان نشان داد که این خیال‌خاهی است و انقلاب ایران سراسر با امپریالیسم آمریکا را ندارد. او سرکه بر اثر همین مبارزات قهرمانانه از ریاست دولت موقت به‌زیر کشیده شد به تاکتیک جدی متوسل شده و آشکارا خطاب به مدافعان انقلاب می‌گوید:

" ما منتظریم تا نارسائی‌ها و اشتباهاتنا ظاهر گردیده و به بن‌بست برسید. آنگاه ما - که معتقدیم همه اشکالات از جنگ با آمریکا و "گروگانگیری" است - وارد گود شده، آستین‌ها را بالا می‌زنیم و با اعلام این مطلب که ما با آمریکا جنگ نداریم انقلاب را از "بن‌بست" نجات می‌دهیم!"

بازرگان نجات "انقلاب" را در دوستی با آمریکا می‌داند. اکنون امپریالیسم و دوستان داخلی آن مدت‌ها است که در انتظار تحقق این رویاهای مهندس بازرگان به سر می‌برند. اکنون مدت‌هاست که آنها با انواع حیل گوناگون همانند محاصره اقتصادی و ...

اسلامی باشد نه آنکه اسلام را بهانه و وسیله‌ای برای انقلاب و اجرای برنامه‌های مارکسیستی بنماید!

مبارزه قهرمانانه خلق ایران بر علیه امپریالیسم جهانی آنچنان خوب از چشمان سرمایه‌داری چون مهندس بازرگان ربوده که وی را به هدیان‌گویی وادار ساخته است. مهندس بازرگان و تمامی سرمایه‌داران از هرگونه "دست‌درازی" به سرمایه و منافع امپریالیسم خشمگینند. البته آقای بازرگان در اینجا ناخواسته حقیقتی را فاش ساخته است و آن اینکه هرگونه مبارزه بر علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری اقدامی مترقی و به‌نفع طبقه‌کارگر بوده و مورد حمایت کمونیست‌ها و طبیعتاً مورد خشم و غضب ایشسان و سایر دوستانش قرار دارد. مهندس بازرگان برای پایان بخشیدن به نگرانی‌های خود و دوستانش و برقراری دوباره "جزیره ثبات و آرامش" که در آن بتوان با خیال راحت به دوستی با امپریالیسم پرداخت و در آن از "جنگ با آمریکا" نیز خبری نباشد، بکار تنگنسته و خیال‌های خامی را در سر می‌پروراند. خیال‌های خامی که مدت‌هاست امپریالیسم نیز بدان دل‌خوش کرده است. مهندس بازرگان می‌گوید:

" از دو حال خارج نیست یا موفق می‌شوند و مملکت را به پیروزی و آبادی می‌رسانند که آرزوی ماست (!!!) یا نارسائی و اشتباهاتشان ظاهر گردیده و به بن‌بست و اعتراف می‌رسند."

مهندس بازرگان به دروغ می‌گوید که پیروزی انقلاب آرزوی اوست. او همانگونه که خود بارها اعلام داشته است فقط در آرزوی "سلطنت کردن شاه" و حکومت کردن یاران خودش بوده است. واقعیت این است که بازرگان نهنتها خواهان پیروزی انقلاب نیست، بلکه آرزوی شکست آن را دارد و این آرزو نیز از آنجا ناشی می‌شود که دولت جمهوری، اسلامی - اقداماتی را بر علیه سرمایه‌داران مورد حمایت امپریالیسم به‌عمل آورده

اخیراً روزنامه "میزان" سخنگوی لیبرال‌های ایران که برای اشاعه نظرات دوستان و متحدین - امپریالیسم پیاپی دست به "مصاحبه‌های اختصاصی" و چاپ مصاحبه‌های غیر اختصاصی با سرمایه‌داران و مدافعین ایرانی و غیرایرانی آنها می‌زند. یک "مصاحبه اختصاصی" نیز با مهندس بازرگان، یکی از بنیانگذاران این روزنامه لیبرالی انجام داده است.

مهندس بازرگان در این مصاحبه (که در "میزان" یکشنبه ۲۰ مهر به چاپ رسیده) نگرانی خود را از تحولات کنونی میهن ما ابراز داشته و برای رژیم جمهوری اسلامی ایران آرزوی "به بن بست رسیدن" کرده است! اما در حقیقت نگرانی بازرگان از آنجاست که چرا انقلاب ایران به بن‌بست نمی‌رسد. این لیبرال کهمه‌کار، با عصیانیت به مجلس شورای اسلامی حمله کرده و می‌گوید:

"از اینکه آنجا را (مجلس) را (مجمعی از سیاستمداران بصر معهد و قانون‌گذاران آشنای توانا (منظور آشنایان) نهضت آزادی) است! نمی‌بینیم و بیشتر صحنه رجزخوانی و تحویل شعار و تهییج و احساسات شده است رنج می‌بریم و ناراحتیم از اینکه چرا احساس مسئولیت و بلوغ نمی‌نمایند و نمی‌خواهند خود را از شیر امامت بگیرند!"

منظور آقای بازرگان از "احساس مسئولیت" و "بلوغ" و "گرفته شدن از شیر امامت" آن است که نمایندگان خط امام مجلس نیز مبارزه ضد امپریالیستی را رها کرده و همانند یاران ایشان اعلام دارند که:

" این که ما با آمریکا در حال جنگیم، این هنوز یک چیز قطعی نیست!"

نگرانی مهندس بازرگان به‌همینجا ختم نمی‌شود، او مدعی است انقلاب اسلامی به اجرای برنامه‌های مارکسیستی پرداخته است و می‌گوید:

... و بالاخره این نکته مهم که انقلاب ما باید

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

بقیه از صفحه ۱۲

اخبار جهانی

الجزایر

زمین لرزه در شهر الاصنام الجزایر واقع در ۱۶۰ کیلومتری جنوب الجزایر این شهر را به کلی ویران ساخت و قریب ۲۵ هزار نفر قربانی گرفت و بیش از ۲۵ هزار نفر خانه و کاشانه خود را از دست دادند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) همراه با خلقهای ایران خود را در غم از دست رفتن هزاران نفر از مردم زحمتکش الجزایر شریک دانسته و این واقعه ناگوار را به مردم و دولت الجزایر تسلیت می گوید.

ایتالیا

در اعتراض به طرح اخراج کارگران کارخانه فیات ایتالیا - حدود ۹ میلیون نفر ایتالیایی دست به یک اعتصاب ۴ ساعته زدند و اتحادیههای کارگری ایتالیا بهوسیله برپانمودن راهپیمائی و میتینگ از کارگران فیات حمایت نمود. در طول اعتصاب فعالیت کلیه مراکز صنعتی و بازرگانی ایتالیا متوقف گردید. بیکاری که یکی از امراض جامعه سرمایه داری است در کشورهای سرمایه داری و از جمله ایتالیا همچنان روبه افزایش است. طبقه کارگر تنها می تواند با نابودی امپریالیسم و ساختمان نظام سوسیالیسم برای همیشه از رشد بیکاری و سایر بلاهای جامعه سرمایه داری خلاصی یابد.

ایران

پس از تجاوز رژیم ضد مردمی عراق به ایران، رسانه های گروهی امپریالیستی ها مانگونه که در ماهیت آنهاست دست به تحریف اخبار و جعل حقایق برای پیشبرد مقاصد تجاوزگرا نه خود زدند. این دستگاه های دروغ پراکنی با تشدید جنگ روانی برای تضعیف روحیه مقاومت مردم دلاور ایران کوشیده اند که جهت اصلی مبارزه خلق های ایران را که به سوی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است با گزارش های غیرواقعی منحرف نمایند.

از جمله اخبار جعلی ارسال اسلحه از طرف شوروی برای عراق از طریق بندر عقبه در اردن می باشد. آنها سعی داشته اند که وانمود نمایند شوروی بدین وسیله از تجاوز عراق حمایت می نماید. سخنان سفیر شوروی در دیدار با آقای بنی صدر رئیس جمهور ایران که ضمن حمایت از انقلاب ایران این جعلیات امپریالیستی را تکذیب نموده، یک بار دیگر دروغ پردازی های امپریالیست ها را برملا نمود. در همین رابطه در بیانیه ای که وزارت خارجه انتشار داده، آمده است که کلیه کشورهای سوسیالیستی به وزارت خارجه ایران داشته اند که حمله نظامی عراق به ایران را محکوم نموده و از انقلاب ایران پشتیبانی می نمایند.



دولت باید مؤسسات صنعتی میهنمان را تحت پوشش کامل آتشبارهای ضد هوایی در آورد

کارگران مبارز آذربایجان!
خلق قهرمان!

ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهنمان بیشترین تلاش و کوشش را می نمایند و عملاً در صف اول انقلاب میهن فرارگرفته اند، از تمام امکانات دفاعی در مقابل حملات دشمن برخوردار باشند باید کارگران خود مسلح بوده و مؤسسات صنعتی به سلاح های لازم برای دفاع مجهز شوند. در این میان هوشیاری و تیزبینی سربازان، درجه داران و افسران انقلابی و میهن پرست در کشف به موقع نقشه های دشمن و خنثی ساختن آنها حائز اهمیت فراوان است. هرگونه سستی و اهمال کاری در پیگیری اخبار مربوط به حمله دشمن و عدم برخورد هوشیارانه با جاسوسان احتمالی دشمن ضربات سنگینی بر انقلاب میهنمان وارد خواهد ساخت.

خلق قهرمان آذربایجان!

به حمایت از مسلح شدن پاسداران به سلاح های سنگین، به حمایت از تسلیح توده های زحمتکش توسط حاکمیت و به حمایت از تسلیح نیروهای انقلابی به پا خیزیم و با وحدتی دشمن شکنانه بوزه نوکران داخلی و خارجی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را به خاک مالیم. پیروزی ما در هوشیاری ما، در اتحاد ما و در مقاومت ماست. متحد و مصمم در سنگرهای مقاومت، سهم انقلابی خود را در پیشبرد انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک میهنمان ایفاء نمائیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
(اکثریت) - شاخه آذربایجان
۱۳ مهرماه ۱۳۵۹

باردیگر در دو روز گذشته هواپیماهای نظامی رژیم ضد مردمی عراق، پایگاه ها و تاسیسات صنعتی میهنمان را در شهرهای مختلف مورد هجوم وحشیانه خود قرار دادند و عده های دیگر از زحمتکشان میهنمان، از پرسنل پایگاه ها و کارگران مراکز صنعتی و مردم بی گناه، آماج بمباران های رژیم جنایتکار عراق گردیده و به شهادت رسیدند.

ابعاد گسترده خسارات جانی و مالی دو روز اخیر که بیش از صدها کشته و زخمی و خرابی و آتش سوزی به همراه داشت، بیانگر این حقیقت می باشد که دشمن مصمم است با هرچه توان و نیرو که در اختیار دارد و به خیال خود ضربه های نهائی را به انقلاب میهن ما وارد آورد.

هر چند این تلاش دشمن تلاشی است مذبحخانه، اما ضرورت اقدامات عاجل برای پیشگیری و دفاع در مقابل این چنین حملات و نظایر آن هر روز بیش از پیش آشکار می شود. در چنین شرایطی لازم است قدرت دفاعی میهن در تمامی زمینه ها و در تمام ارگان ها و نهادهای انقلابی تقویت شود. باید تاسیسات صنعتی و تولیدی به وسایل دفاعی مجهز باشند تا بتوانند به موقع در مقابل حملات دشمن به دفاع از انقلاب بپردازند.

باید سپاه پاسداران و دیگر نهادهای انقلابی که هم اینک بر علیه رژیم ضد مردمی عراق چه در مرز و چه در دیگر نقاط میهن به ستیزی سخت مشغولند، به سلاح های سنگین مجهز شوند. باید کارگران و زحمتکشان مبارزی که جان برکف در شرایطی که هر آن خطر حمله نظامی به کارخانه ها جان آنان را مورد تهدید قرار می دهد، قاطعانه چرخ های تولید میهن را به کار انداخته و در راه پیشبرد اهداف انقلاب

جبهه دفاع از میهن انقلابی را تقویت کنیم

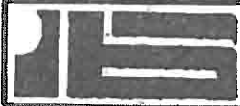
در دفاع از میهن انقلابی و حفظ دستاوردهای انقلاب، دوشادوش همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست تجاوزات رژیم عراق را درهم بکوبیم.

ما همه مردم مبارز ترکمن صحرا و هواداران را به ایجاد پشت جبهه قوی برای درهم شکستن یورش وحشیانه رژیم عراق فرا می خوانیم و از همه مردم می خواهیم در تهیه و تدارک و کمک غذایی (گندم، آرد و ...) دأروبی و پوئاک برای آسیب دیدگان جنگ، با نیروهای انقلابی حملات شهر و شوراهای روستا شرکت فعال نمایند. ما به پیروزی توده های به پا خاسته میهن و شکست دشمنان انقلاب ایران ایمان داریم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
نابود باد رژیم سرکوبگر تجاوزگار عراق

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
(اکثریت) - ترکمن صحرا
۷ مهرماه ۱۳۵۹

بسیج مسلحانه توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



در تاریخ ۶ مهرماه ۵۹ یکی از سخت‌کوش‌ترین رفقای ما به دست یکی از افراد مسلح حزب دمکرات کردستان به شهادت می‌رسد و در فاصله کمتر از دو روز خبر تکلیف دهنده این جنایت کثیف سراسر کردستان را درمی‌نوردد.

هم اینک برای مردمی که از شنیدن خبر این جنایت فراموش نشدنی متأثر شده و آتش‌خشم و کین در دلشان نسبت به عاملان رسوای آن روشن شده است پرسش‌های متعددی پیش آمده است: فدائی شهید که بود؟ هویت قاتل چیست؟ آیا قاتل خودسرانه دست به این عمل ننگین زده یا جواز جنایت را رهبران حزب از پیش صادر کرده بودند؟ ماهیت اختلاف کدام است؟ چرا به این شکل؟ آیا ادامه خواهد داشت؟

این پرسش‌ها و دهها پرسش مشابه دیگر برای مردمی مطرح شده که در طول ۲۰ ماه گذشته عزیزان بسیاری را از دست داده‌اند. برای مردمی که تنها در طول یک هفته و آن هم فقط در شهر مهاباد در زیر راکت‌های هلی‌کوپترها و زیر گلوله توپ‌ها و خمپاره‌اندازها بیش از ۳۰۰ نفر قربانی داده‌اند! برای مردمی مطرح شده که خبر مرگ عزیزانش دیگر برای آن صورت یک خبر عادی به خود گرفته است! آری مطرح شدن دهها سؤال پیرامون شهادت رفیق رضا پیرانی، عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "اکثریت" نشان می‌دهد که مردم کردستان به این جنایت از زاویه جدیدی می‌نگرند که تاکنون گشوده نشده بود.

تاکنون چنین بوده که خبر بر خاک و خون غلتیدن زحمتکشان کرد که هیچ نیروی اهریمنی نخواهد توانست برای مدتی دراز بین آنان و متحدین واقعی‌شان یعنی دیگر توده‌های میهنمان فاصله اندازد، به‌گوش رسد. چنین بوده است که خبر مرگ پاسدارانی شنیده می‌شود که می‌بایست زنده می‌ماندند تا همه توان آنان در خدمت نبرد قاطع با امپریالیسم و ایادی داخلی آن قرار می‌گرفت، تاکنون چنین بود که از مرگ تاسف‌بار سربازانی سخن گفته می‌شود که می‌بایست زنده می‌ماندند تا به‌هنگام تجاوز حکومت‌های مرتجع منطقه، نظیر تجاوز جنایتکارانه حکومت کنونی عراق، توان دفاعی میهن را

بیاد

فدایی خلق رفیق رضا پیرانی که توسط حزب دمکرات بشهادت رسید!

چه کسانی در کردستان

به سینه فدائیان خلق شلیک می‌کنند!

که می‌دانست سلاح را نباید دست ضد انقلاب داد. رضا دیده بود که دستخط از سوی کیست. او سرگرد کریم علیار را می‌شناخت و نمی‌دانست که با یک ضدانقلابی روبرو است که همراه پسر عموی دیگرش یعنی سرهنگ علیار (سمکو) علیار معروف بارها توسط سازمان ما افساء شده است. رضا بر همه اینها آگاهی داشت و به همین دلیل به پاسخ خود ایمان داشت و بر پی‌آمدهای آن واقف بود. استقبالش شفاف بود. جاودانه یاد راه سرخ او!

اما قاتلین رضا، به‌علی‌ارهای معروف - این مسئولین نظامی فعلی حزب دمکرات - که در طول سالیان دراز و فاقه دهقان را در فقر و فاقه نشانده‌اند، محسود نمی‌شوند. قاتلین رضا همه آن کسانی هستند که یا تفنگ‌هایشان توسط امپریالیسم آمریکا و حکومت مرتجع عراق پر می‌شود و یا تفنگ‌هایشان همسو با تفنگ‌های امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام حسین مستقیماً انقلاب رو به گسترش خلق‌های میهنمان را نشانه رفته‌اند. همه آنها قاتلین رضا هستند!

دیر نیست زمانی که زحمتکشان کرد که می‌دانند فدائیان خلق "اکثریت" صدیق‌ترین و پیگیرترین مدافعان آنها هستند، بر کسانی که به نام آنان جنایت می‌کنند، خشم توفنده و نیروی رزمنده خود را فرو کوبند!

برای دفاع واقعی از منافع خلق کرد که نمی‌تواند جدا از منافع تمامی خلق‌های ایران و همه خلق‌های تحت ستم جهان که پیکار با امپریالیسم آمریکا را به پیش می‌برند باشد مبارزه‌ای دشوار و سخت در پیش است. فدائیان خلق در کردستان به‌سختی این راه و مشکلات عظیمی که در این راه در پیش روی خود دارند، آگاهند! اما از هم‌اکنون می‌توان گرمای جانبخش خورشید پیروزی را به جان لیسر کرد. پیروزی مردم زحمتکش کرد بر ضدانقلابی که در کردستان لانه کرده است. ضدانقلابی که توده‌های کرد به‌زلبویش درآورده و نابودش خواهند ساخت. همه ما این گرمای را از هم‌اینک احساس می‌کنیم. خون رضا پیروزی سرخ را بشارت می‌دهد!

ترک زبان منطقه توزیع می‌شد. رفقای بخش انتشارات برای انجام این امر لحظه‌ای نپاسودند. اما وقتی که رفقا کار را برای چند ساعتی استراحت متوقف کردند، چند دقیقه بعد مجدداً صدای ماشین چاپ به‌گوش رسید! رفیق رضا حاضر نشده بود دست از کار بکشد! او آن روز در برابر اصرار رفیق دیگر در لزوم استراحت، این‌گونه پاسخ داد:

مگر نمی‌بینی طرفین چگونه بی‌شرمانه دهقانان و زحمتکشان ترک و کرد را به جان هم انداخته‌اند؟ مگر می‌توان نظاره‌گر جنگ بی‌سن متده‌هایی که اساساً با هم متحدند، گردید و آرام نشست؟ نه! ما نمی‌توانیم حتی لحظه‌ای را هم از دست بدهیم. برای خوابیدن وقت هست، حتی از دست دادن یک لحظه نیز جایز نیست.

آری، توانائی عظیم رضا از عشق بی‌پایان او به زحمتکشان و از ایمان تزلزل‌ناپذیر رفیق نسبت به راهی که انتخاب کرده بود، برمی‌خاست و این رمز خستگی‌ناپذیری رفیق بود.

به رفیق رضا پیرانی بعد از مسئولیت‌های دیگری سپرده شد. او در هر کجا که قرار گرفت، بیشتر از قبل پیگیری، سخت‌کوشی و خستگی‌ناپذیری خود را نشان داد. رفیق در فروردین‌ماه سال ۵۸ به عضویت رسمی سازمان درآمد و در روز ۶ مهرماه در حالی که حیاتی الهام بخش و سرشار از قهرمانی‌های کمونیستی را از خود به‌یادگار می‌گذاشت، توسط یکی از افراد حزب دمکرات که دستخط سرگرد کریم علیار (مسئول نظامی) تشکیلات مهاباد حزب دمکرات را در دست داشت به شهادت می‌رسد.

وقتی رفیق رضا و دیگر رفقای هم‌راهش در برابر این گستاخی قرار می‌گیرند، می‌گویند که سلاح خلع سلاح ما، باید سلاح را از روی جسد ما بردارید! این جمله بر زبان کسی جاری شده بود

مدتی مسئولیت توزیع نشریات سازمان را بر دوش داشت. او در طول مدت کوتاهی که در بخش توزیع کار می‌کرد، شایستگی خود را در اینکه دوست وفادار توده‌ها است به بهترین وجه اثبات کرد. رفیق در طول این مدت، هر روز دهها بار به محلات زحمتکش نشین شهر سمری زد. به کوره‌پزخانه‌های اطراف شهر می‌رفت تا اندیشه‌های سازمان را در میان کارگران اشاعه دهد. با آموزگاران زحمتکش روستاها تماس می‌گرفت تا نوشته‌های سازمان را در اختیار آنان قرار دهد. رضا لحظه‌ای آرام نداشت. رفقای دیگر در مورد رضا با طنزی محبت‌آمیز می‌گفتند:

موتور رضا از خودش هم روشن‌تر است! اندکی بعد رفیق پیرانی به‌خاطر حساس بودن کنار انتشارات به بخش چاپ منتقل شد و در اینجا بود که توانائی شگفت‌آور خود را در وظایف انقلابی به معرض نمایش گذاشت

در جریان واقعه فاجعه‌بار شهر نرده، شاخه کردستان سازمان ما نوشته‌های تحت عنوان "در افشای فاجعه نرده هر چه بشتر بگوئیم" انتشار داده بود. در این نوشته ماجراجویی رهبران حزب دمکرات افشا شده بود. از کثیف بودن و مخرب بودن این جنگ که نیروهای ناسیونالیستی مانند دمکرات از یکطرف و معبودی‌های مرتجع و فتودال‌هایی نظیر امیر - فلاح‌ها و خسروی‌ها به‌همراهی تنگ‌ترانی چون ملاحسنی و ... از طرف دیگر بدان دامن می‌زدند و باعث مرگ صدها نفر از زحمتکشان ترک و کرد و نفاق ملی بین آنان می‌شد، سخن گفته شده بود. در این نوشته پی‌آمدهای فاجعه‌بار این جنگ و استفاده امپریالیسم زخم خورده از آن، هشدار داده شده بود و به ضرورت قطع فوری این جنگ برادر کشانه، اشاره شده بود. این نوشته می‌بایست هرچه سریع‌تر و هر چه بیشتر در میان توده‌های مردم کرد و

بالا می‌بردند و بالاخره خیرها حاکی از کشته شدن فدائیان خلق و نیروهای ضد امپریالیستی دیگری بود که با شهادت هر یک نفر از آنان، جبهه انقلاب یک نیروی پیگیر خود را از دست می‌داد.



در آنچه که اتفاق افتاده، بیش از هر چیز ماهیت دو طرف این جنایت است که زیر علامت سؤال قرار گرفته است. زیرا جنایت به دست مزدوری انجام یافته که رهبرانش تا چندی پیش داعیه همکاری نزدیک با نیروهای ضد امپریالیست و ترفیخواه داشتند و اینک نشان می‌دهند که عملاً در کنار نیروهای متجاوز حکومت عراق و زیر چتر حمایتی امپریالیسم جهانی و ایادی داخلی آن قرار دارند و جنایت در حق فرزند خلقی صورت گرفته که به سرسخت‌ترین، پیگیرترین و آشتی‌ناپذیرترین نیروی ضد امپریالیستی میهنمان تعلق داشته و دارد.



رفیق شهید، رضا پیرانی یکی از اعضای بسیار فعال دفتر مهاباد شاخه کردستان بود. برای همه ما، رضا نمونه‌ای بود از یک کمونیست پیگیر و پرکار. کمونیستی که در انجام وظایف خود در قبال طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش میهن ما، تنها چیزی را که نمی‌شناخت، همانا خستگی از کار بود. در بین رفقای مهاباد معروف بود که پلک‌های چشمان همیشه خندان رضا تنها آنگاه سنگینی می‌کند که کار محوله را تا به‌آخر به‌پایان رسانده باشد. بارها اتفاق افتاده بود که رضا با دستور تشکیلاتی مجبور به استراحت شده بود!

رفیق رضا، در زمره اولین کسانی بود که برای همکاری مستقیم سیاسی - تشکیلاتی و فعالیت تمام وقت به دفتر سازمان در مهاباد پیوست و



مسئولین جمهوری اسلامی در لرستان از اعزام فدائیان خلق به جبهه‌های جنگ جلوگیری می‌کنند

مردم مبارز لرستان!

همانطور که می‌دانید بسیاری از اعضاء و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - اکثریت - هم اکنون دوشادوش زحمتکشان و همراه پاسداران و دیگر نیروهای مترقی در خوزستان ، ایلام و کرمانشاه و کردستان به دفاع از مرزهای کشور مشغولند . سازمان طی اطلاعیه‌هایی از مردم و هواداران خود خواسته است تا با تمام توان به مقابله با تجاوزگران یعنی عراق برخیزند و تا پای جان از استقلال میهن دفاع کنند . به دنبال رهنمودهای سازمان ، بسیاری از نیروهای مترقی و هواداران در منطقه لرستان با مراجعه به بسیج مستضعفین آمادگی خود را برای اعزام به جبهه‌های جنگ اعلام کرده‌اند ، لیکن مسئولین امور لرستان به بهانه‌های گوناگون از اعزام آنها خودداری می‌کنند . مسئولین امور لرستان حتی در چنین موقعیتی هم حاضر نیستند دست از سیاست‌های تفرقه‌افکنانه خود بردارند . بسیاری از هواداران و افرادی که آمادگی خود را برای اعزام به جبهه‌ها اعلام کرده‌اند ، از کارآئی نظامی نسبتا خوبی برخوردارند و آموزش نظامی دیده‌اند . آنها آماده‌اند تا خون خود را در راه دفاع از زحمتکشان بر زمین بریزند . مقامات استان لرستان که با اعزام این نیروها مخالفت می‌کنند و به این مبارزات جان برکف اجازه دفاع از زحمتکشان را نمی‌دهند ، باید پاسخگویی

خلق قهرمان ایران باشند . مقامات استان لرستان باید برای مردم توضیح دهند که چرا و به چه دلیل از اعزام فدائیان خلق و دیگر نیروهای مبارز به جبهه‌های جنگ جلوگیری می‌کنند .

هموطنان مبارز!

در شرایطی که امپریالیسم آمریکا و دیگر دولت‌های لبرالیست ، با همدستی نوکران داخلی و خارجی‌شان ، نوطه گسترده‌ای را علیه انقلاب و زحمتکشان میهنمان تدارک دیده‌اند ، در شرایطی که ارتش ضد خلقی عراق قسمت‌هایی از میهنمان را اشغال کرده و به کشتار زحمتکشان ادامه می‌دهد ، در شرایطی که امپریالیست‌ها و دولت‌های دست نشانده منطقه کشور ما را در محاصره اقتصادی و نظامی گرفته‌اند ، هیچ یک از نیروهای مبارز و هیچ یک از گروه‌های سیاسی ضد امپریالیست به تنهایی نمی‌توانند استقلال میهن را تامین نمایند . تنها اتحاد و همبستگی همه زحمتکشان ، اتحاد کلیه نیروهای ضد امپریالیست می‌تواند نوطه دشمنان انقلاب را به شکست بکشاند . آغاشی که حاضر نیستند دست از سیاست‌های تفرقه‌افکنانه خود بردارند و بازهم اختلافات ملی ، مذهبی و عقیدتی مردم را پیش می‌کشند ، راه را برای پیروزی امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار عراق هموار می‌سازند . سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - اکثریت از مردم مبارز لرستان می‌خواهد در قبال چنین

سیاستی بی تفاوت نمانند و آن را محکوم کنند . هرچند این سیاست در گذشته هم صدمات بسیاری به انقلاب مردم میهنمان وارد کرده است ، لیکن ادامه آن بخصوص در این شرایط حساس می‌تواند فاجعه آمیز باشد . ما بار دیگر روی این مسئله تاکید می‌کنیم که دفاع از انقلاب در انحصار ارگانی خاص یا گروه سیاسی خاصی نیست ، بلکه وظیفه همه نیروهای ضد امپریالیست است . همانطور که دستاوردهای انقلاب به توده‌های مردم تعلق دارد ، دفاع از این دستاوردها نیز حق مسلم توده‌هاست . جریان‌های سیاسی ، مترقی و ضد امپریالیست تنها به اتکاء مردم و با بسیج مسلحانه توده‌ها می‌توانند بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا پیروز شوند .

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا

ناپود باد رژیم ضد خلقی عراق
مستحکم باد پیوند خلق‌های ایران و عراق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران -
"اکثریت" - شاخه لرستان
۱۱ مهرماه ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۲۴

در حاشیه پرستی و پاسخ آقای کیانوری

و آرمان طبقه کارگر است و قطعا از همین رو است که لنین می‌گوید:
"عوام‌فریبان خطرناکترین دشمنان طبقه کارگراند!"

اگر برخورد دهنده‌های تبلیغاتی کمیته مرکزی "حزب توده" به ویژه برخوردهای نورالدین کیانوری را در همین یکی دو سال گذشته مورد ارزیابی قرار دهیم ، می‌توانیم موارد بی‌شماری از تلاش برای بهره‌برداری از تمایلات ناآگاهانه عناصر کم تجربه جنبش کمونیستی ایجاد توهم از قدرت و نفوذ و اعتبار "حزب توده" چه در ذهن اعضا و هواداران "حزب" چه در ذهن مردم و چه در میان احزاب کمونیستی جهان و انواع شیوه‌های دیگر تبلیغات غیر کمونیستی را باز شناسیم . رهبری "حزب توده" و شخص کیانوری همواره با همین شیوه مخرب تبلیغاتی با سازمان ما برخورد می‌کنند آنها در این شیوه تبلیغات بازاری ، منافع گروهی خود را در نظر دارند .

جنبش کمونیستی در میان مردم آسیب‌های جدی وارد ساخته است .

این برخورد دبی‌رکل "حزب توده" ما را به یاد مصاحبه‌های ایشان در خارج از کشور در روزهای پیش از انقلاب بهمن می‌اندازد . در آن زمان او برای نشان دادن نفوذ "حزب" به جنبش جهانی کمونیستی ، عین همین تبلیغات را وسیعاً در خارج از ایران آغاز کرد . برای نمونه او در آن زمان مدعی شد که اعتصابات عظیم کارگران صنایع نفت را "حزب توده" رهبری می‌کند این ادعای وی در مطبوعات به چاپ رسید و بلافاصله اعتراضات کارگران نفت را ، برانگیخت و البته به اعتبار و نفوذ کمونیست‌ها که باید همواره نمونه صداقت انقلابی و بازرگ کننده حقایق به توده‌ها باشند ، در میان مردم بویژه طبقه کارگر ، صدمات جدی وارد ساخت . البته "حزب توده" هرگز از این برخورد ناصدقانه و مخرب خود و دهها نمونه شبیه به آن انتقاد نکرده و در ادامه این شیوه مخرب همواره پیگیری بوده است!

دبی‌رکل "حزب" و برخی از دیگر همکاران او اینک

همین شیوه را به شیوه مرسوم "حزب" تبدیل کرده‌اند . آنها برای ایجاد توهم در میان اعضا و هواداران خود روز به روز این شیوه بورژوازی برخورد را تکامل داده‌اند . اما برخورد اخیر کیانوری که ادامه همین شیوه برخورد است ، در این روزها دارای مفهوم ویژه‌ای است . سازمان ما امروز پس از سالها پیگیر انقلابی و تلاش پیگیر در راه آرمان طبقه کارگر ، اینک در راه تشکیل حزب واقعی و رزمنده طبقه کارگر ایران به دستاوردهای بزرگی رسیده و امروز از چنان نفوذ توده‌ای سراسری برخوردار است ، عناصر انقلابی جنبش کمونیستی میهن چنان به آن جذب شده‌اند و سازمان به چنان تحول و انسجام ایدئولوژیک رسیده که اکنون به تنها محور تشکیل جنبش کمونیستی ایران تبدیل شده است . اینک در آستانه تشکیل حزب طبقه کارگر ایران و در شرایطی که سازمان به اعتبار و نفوذ عظیم داخلی و جهانی رسیده ، این برخورد دبی‌رکل "حزب توده" عمیقا قابل درک است . قطعا برای کسانی که به منافع تنگ‌نظرانه و

گروهی خود می‌اندیشند ، این حقایق نتنها مایه شادمانی نیست ، بلکه موجب نگرانی و سراسیمگی است و باید هرطوری شده آن را مخدوش ساخت . آری! شیوه برخورد دبی‌رکل "حزب توده" واکنش عجولانه و ناپخته این نگرانی است و ما اعتقاد داریم که هواداران و اعضای صدیق "حزب توده" در این واکنش با کیانوری و شرکاء همراه نیستند . امروز جنبش کمونیستی ایران به آن درجه از رشد رسیده است که شیوه‌های تبلیغاتی آقای کیانوری و شرکاء را از شیوه‌های برخورد کمونیستی باز شناسد ، دیر نیست آن زمان که همه کمونیست‌های واقعی ایران در حزبی که سازمان ما پیگیرانه برای تشکیل آن مبارزه می‌کند و ایمان داریم که آن را به نیروی تلاش تا بنایک مارکسیسم - لنینیسم به اتفاق همه رهروان واقعی پرولتاریا برپا خواهیم ساخت گرد آئیم . بگذار کیانوری دمی همچون بوجوانان آرزومند به بذله‌گوئی بپردازد که گفته‌اند:
آرزو بر جوانان عیب نیست!!

در شمال خراسان

ضد انقلاب خود را آماده نهاجم کرده است!

* برنامه‌های دارودسته ضد خلقی "بهادرانی" در واقع جزء مکمل همان برنامه امپریالیسم آمریکا برای ایجاد مناطق به اصطلاح "آزاد" در ایران به عنوان پایگاه صدور ضدانقلاب به سایر نقاط میهن ماست.

شمال خراسان، منطقه‌ای مابین شهرهای قوچان، شیروان، بجنورد، درگز و سرخس را در بر می‌گیرد. دهقانان و زحمتکشان این ناحیه از چند ماه پیش شاهد تشدید فعالیت زمینداران بزرگ، روسای عشایر، فرزندان رزیم سابق و روحانیون مدافع سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ هستند. دشمنان انقلاب مردم در این نواحی خود را سازمان داده‌اند. "بهادرانی" افسر رزیم سابق که در کشتار مردم قزوین، در دوران قیام نقش فعالی داشته است، سازماندهی این شبکه ضدانقلابی را برعهده دارد. او که عمری به کار قتل و شکنجه زحمتکشان مشغول بوده است، این بار می‌خواهد با فریب و نیرنگ با وعده‌های توخالی در مورد بهبود وضعیت مردم، با سوءاستفاده از احساسات و **غشاهای ابله و مغزپختی هم میهنان کرد ما در شمال خراسان و به ویژه زحمتکشان ایلات "نامانلو"، "میلانلو" و "سیل‌سیرانلو"، نیروی انوری آنها را در خدمت مقاصد ضد خلقی خان‌ها و سران عشایر و افسران فراری و ساواکی‌های فراری قرار دهد.**

منطقه عمل این مزدور رزیم شاه، عمدتاً در روستاهای اطراف "شیروان" است. او می‌خواهد با به راه انداختن دسته‌هایی مسلح، شهرهای منطقه، به ویژه شیروان را مورد تهاجم قرار دهد. به این منظور تاکنون حدود دویست نفر را مسلح کرده و انبارهای آذوقه، مهمات و مواد دارویی در مناطق روستایی ایجاد کرده است. این شبکه ضد انقلابی با شهرها نیز ارتباط‌هایی دارد. جاسوسان آنها در شیروان، بجنورد، قوچان، درگز و مشهد به کار کسب خبر، تهیه امکانات مالی، غذایی و دارویی، ارسال آنها به مناطق روستایی، گرد آوری ضدانقلابیون و مزدوران و مسلح کردن آنها مشغولند.

بمب‌گذاری در پمپ‌بنزین شیروان و ایجاد انفجار در اتوبوس فرماندار این شهر

از جمله اقداماتی است که توسط عوامل و ایادی این شبکه صورت گرفته است. بهادرانی خود نقش فعالی در ارتباط بین ضدانقلابیون شهرها و روستاهای منطقه و نیز در انحراف اذهان زحمتکشان عشایر بازی می‌کند. او بخصوص با استفاده از احساسات کردهای منطقه مذبحخانه تلاش می‌کند تا مقاصد ضد خلقی خود را در لاف‌های حمایت از خلق کرد دنبال کند.

هم اکنون تمام زمینداران بزرگ منطقه، چشم امید خود را به او دوخته‌اند: "رسولخانی"، "فاضل خان"، امیر هوشنگ بیچرانلو و... که از خان‌ها و سران عشایر بانفوذ هستند. تمام نیرو و امکانات خود را در اختیار او قرار داده‌اند. بهادرانی تاکنون موفق شده است همه زمینداران بزرگ منطقه را حول و حوش خود سازماندهی کند.

ضدانقلابیون این شبکه، با روحانیون مرتجع و مدافع سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ نیز در ارتباط هستند. فتواهای احکام ضد انقلابی اینان تاکنون به خوبی مورد استفاده این دار و دسته ضد خلقی قرار گرفته است. چندی پیش اعلامیه آیت‌الله خوبی که اقدامات مردمی جهاد و سپاه پاسداران را غیراسلامی خوانده بود، توسط این شبکه در منطقه تکثیر شد. آنها به شدت از آیت‌الله خوبی که در دوران قیام برای فرونشانی دادن مبارزات مردم پا فرج، همسر شاه ممدوم همکاری می‌کرد، حمایت می‌کنند. آیت‌الله قمی و شریعتمداری و شیرازی نیز از حامیان این شبکه ضدانقلابی هستند!

برنامه‌های این باند ضد انقلابی در واقع جزء مکمل همان برنامه امپریالیسم آمریکا برای ایجاد مناطق به اصطلاح "آزاد" در ایران به عنوان پایگاه صدور ضدانقلاب به سراسر نقاط میهن ماست.

مجرمان این برنامه بیش از هر چیز بر وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی توده‌ها تکیه می‌کنند و با عوام‌فریبی

و تبلیغات دروغین راه رفع مشکلات را در بازگشت سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ بر سرپر قدرت و تجدید نظام "آریامهری" جلوه‌گر می‌سازند. آنها مدام در تبلیغات خود گرانسی، بیکاری و ناامنی را، که از استعمار، چپاولگری و اقدامات ضدانقلابی خود آنان ناشی می‌شود، دم می‌زنند و چنین وانمود می‌سازند که گویا اگر خودشان به قدرت برسند، تمام این مشکلات را از میان برمی‌دارند. آنها در چند ماه آینده با توجه به دشواری‌های اقتصادی ناشی از تجاوز عراق، مسلماً بر دامنه تبلیغات ضدانقلابی خود بیش از پیش خواهند افزود، لیکن مردم زحمتکش میهن ما، بخصوص ایلات و عشایر خراسان، هرگز فراموش نمی‌کنند که در رزیم سابق، زمانی که قدرت در دست همین بزرگ مالکان و شرکای سرمایه‌داران در سراسر ایران بود، چگونه تسمه از گردنه کارگران و کشاورزان و عشایر زحمتکش می‌کشیدند، آنها به خوبی به یاد دارند که همین روسای

ایلات و زمینداران بزرگ بانفوذ در ادارات، ژاندارمری و ارتش چه ستم‌ها و اجحافات بر زحمتکشان روا می‌داشتند، آنها هنوز فقر، گرسنگی، بیماری و بی‌سوادی دوران شاهنشاهی پهلوی، خان‌ها و روسای عشایر را فراموش نکرده‌اند. و خیلی خوب می‌دانند که همه مصائب و رنج‌های امروز نیز نتایج حکومت ننگین پهلوی است که باید با ادامه انقلاب از میان برداشته شوند.

زحمتکشان ایران اکنون به حق خواستار تغییرات اقتصادی - اجتماعی بنیانی در جهت بهبود زندگی مادی و هنوی خویشند. حفظ دستاوردهای انقلاب مردم، پایداری در برابر انواع تهدیدات و فشارها از طرف امپریالیسم و رزیم‌های منطقه و تقویت و تشدید روح مقاومت در میان زحمتکشان، اکنون در گرو اقدامات انقلابی و تأمین کار، مسکن، آزادی، بهداشت، فرهنگ و حداقل امکانات رفاهی برای کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش است. در این رابطه توجه ویژه به وضعیت

نابسامان ایلات و عشایر، فراهم آوردن امکانات دامپروری، بهبود وضعیت مراتع، تأمین بهداشت دام‌ها، ایجاد شرایط مناسب برای کشاورزی در فصول مختلف در مناطق بیلاق و قشلاق و... از ضروریات اجتناب‌ناپذیر مبارزه با ضد انقلاب است. هرگام ولو بسیار کوچک، به سمت پاسخویی بر این ضروریات زحمتکشان را هرچه بیشتر به آینده مبارزه آینده انقلاب و ضرورت جانفشانی‌های دم‌افزون به‌خاطر حفظ آن از تهاجم امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهانش امیدوارتر و متعقدتر می‌سازد.

بر زمینه این امیدواری و ایمان و با تلاش شبانه‌روزی جهت معرفی و افشای دشمنان انقلاب مردم، با اتکاء هر چه بیشتر بر نیروی توده‌های مسلح پاسداران و پرسنل انقلابی در امر دفاع از میهن و از دستاوردهای انقلاب، بدون شک دیگر کوچکترین امکان و فرصتی برای دشمنان انقلاب باقی نخواهد ماند که بخواهند نقشه‌های پلید خود را به اجرا در آورند.

برای دفاع از دستاوردهای انقلاب تاپای جان مبارزه می‌کنیم

کارگران رزمنده و انقلابی میهن!

حکومت ضد مردمی عراق هنگامی به جنگ علیه مردم میهن ما دست زده است که مبارزات خلق‌های ستمدیده عراق علیه ظلم و ستم رژیم منفور صدام‌حسین گسترش می‌یابد. ما ضمن پشتیبانی از مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان کرد و عرب عراق، اعلام می‌کنیم که برای درهم‌کوبیدن تجاوزات نظامی رژیم بعث عراق به خاک میهن و به‌خاطر دفاع از دستاوردهای انقلاب تاپای جان مبارزه خواهیم کرد.

کارگران پیشرو کاش، بافنده سوزنی، خیاط قناد، چاپ‌و فلزکار مکانیک، پیمان‌سازان

بقیهاز صفحه ۵

گردانندگان روزنامه «میزان» خط خود

ایران را سراسر ویتنام نکنید ، زیرا در آن صورت پایان کار شما هم چون مردم ویتنام تبدیل شدن به مردمی متجاوز و سلطهگر خواهد بود ، در عوض دست دوستی با امپریالیسم آمریکا که از حکومت‌های " ملی و مردمی " دفاع می‌کند ، بدهید .
این چکیده " خط مشی " روزنامه میزان است اتحاد با آمریکا بر علیه کمونیست‌ها و نیروهای مترقی !

روزنامه " میزان " توسط لیبرال‌های ایران ، یعنی مهندس بازرگان و شرکایش منتشر می‌شود ، که یکی از نمایندگان آنها در مجلس شورای اسلامی (دکتر سحابی) در یک کلام واقعیات سیاست‌ها و هدف‌هایشان را بر زبان آورد و گفت : " این بیان ... که ما با آمریکا در حال جنگ هستیم این هنوز یک چیز قطعی نیست و من اولین بار است که چنین چیزی می‌شنوم ! " از دیگر نمایندگان این جریان می‌توان از امیرانتظام نام برد که اکنون به جرم جاسوسی برای امپریالیسم آمریکا در زندان به سر می‌برد و همچنین نزیه و مقدم مراغه‌ای که اکنون فراری بوده و دست در دست بختیار مزدور و رژیم بعثی عراق به جنگ مسلحانه علیه انقلاب ایران مشغولند !

آری ! میزان ، ارگان دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا ، ارگان امیر انتظام‌ها ، مقدم مراغه‌ای‌ها ، نزیه‌ها ، میناچی‌ها و ... است و حق دارد برای امپریالیسم آمریکا تبلیغ کند ، کلمه‌ای از رژیم‌های سرسپرده امپریالیسم آمریکا مثل پاکستان ، ترکیه و امثالهم نگوید و تا می‌تواند علیه سرسخت‌ترین دوستان انقلاب ایران که دوستی با آنها برای تداوم انقلاب و دفاع از استقلال ایران ضروری است ، تبلیغ کند .

لیبرال‌های ایران ، یاران باوفای امپریالیسم پایه‌ی رشد ناراضی‌های مردم تبلیغات صدانقلابی خود را گسترش داده‌اند و هدفشان از این تبلیغات - و از جمله انتشار " میزان " - جلب توجه‌های ناراضی به سمت اهداف صدانقلابی‌شان و تبلیغ دوستی با امپریالیسم آمریکا است . رژیم جمهوری اسلامی ایران به جای

برخورد . جدی با این جریانات ضد انقلابی و سازشکار ، با برقراری سانسور در رادیو و تلویزیون و مطبوعات ، با کوشش در جهت جلوگیری از انتشار نشریات نیروهای انقلابی و خصوصا نشریه " کسار " ، ارگان سراسری سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) عمل دست آنان را در توطئه بر علیه زحمتکشان ایران بازگذاشته است . رژیم جمهوری اسلامی ایران در حالی که به حق امیرانتظام را به زندان افکنده و فراریانی چون نزیه و مراغه‌ای را به عنوان ضد انقلاب تحت تعقیب قرار داده است . اما اجازه داده است که روزنامه امیرانتظام و نزیه و مراغه‌ای و شرکایش آزادانه انتشار یابد و افکار مسموم کننده و ضد انقلابی آنان را در میان زحمتکشان جامعه ما تبلیغ کند . چنین عملی به زیان انقلاب است . جمهوری اسلامی ایران باید امکانات تبلیغاتی محافل لیبرالی را از آنان سلب کند و با برچیدن سانسور و رفع ممنوعیت بر سر راه تبلیغات نیروهای انقلابی ، زمینه‌های مساعد مقابله با تبلیغات امپریالیستی را فراهم آورد .

انقلاب ایران برای پیشرفت پیروزمندانه خود باید دوستان امپریالیسم را در هر لباسی بازشناسد و با افشای نیت واقعی آنان این نیروها را به انفراد و انزوی کامل بکشد . مقابله با تبلیغات رویه گسترش امپریالیستی در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تردیدی نیست که انقلابیون کمونیست ، پیگیرترین ، جدی‌ترین و استوارترین نیرو در انجام این وظیفه انقلابی می‌باشند . از این رو وظیفه انقلابی کلیه هواداران سازمان است که پیشاپیش همه نیروهای انقلابی - همانگونه که تاکنون نشان داده‌اند - به افشا و طرد این سیاست‌های لیبرالی اقدام کنند . در این میان شخصا افشای روزنامه " میزان " به‌عنوان یکی از عمده‌ترین ارگان‌های تبلیغاتی لیبرال‌ها اهمیت خاصی دارد . انقلابیون کمونیست باید بطور جدی به توضیح ماهیت امپریالیستی این روزنامه پرداخته و تاثیرات مخرب آن را - خصوصا در میان کارگران و زحمتکشان میهن ما - به حداقل برسانند .

مبارزات کارگران

عاجل شورا در اینسن
گروگان‌گیری متحقق شد ولی شورا در همین گام کوچک متوقف گردید و از مطالبات صنفی‌ای که کارگران پیش از گروگان‌گیری داشتند حرفی به میان نیامد . پایه سماواتی در شورا و کارخانه تحکیم شد ولی شورا تقویت و تحکیم نشد و نمی‌توانست هم بشود . چون شورا (به مثابه یک تشکل توده‌ای) نه در پاسخگویی به مطالبات فردی بلکه در نمایندگی حقوق همگانی و در پاسخ به مطالبات توده‌ای کارگران می‌تواند تقویت شود و تحکیم یابد و شورا فاقد این چنین پیوندی با توده کارگران بود . این شورا به جای توده کارگران ، با سماواتی پیوند استوار داشت و بر این پیوند متکی بود ، آنچنانکه گویی شورا به زانده سماواتی بدل شده است .

در این دوره ، سماواتی بیش از هر چیز از توهم توده کارگران و شورا تغذیه می‌کرد و شورا به این توهم مبتلا بود که می‌تواند از فتوحات شخصی سماواتی (در مبارزه با برادران کورس) متقابلا تغذیه نموده و از قبل آن تقویت شود . حال آنکه هیچگاه دیده نشده است و ممکن نیست که تشکلی بتواند به اتکای توهم توده‌ها ، تکامل یافته و تقویت شود ، تشکل و قدرت انقلابی همواره بر مبنای آگاهی انقلابی بنا می‌شود و تشکلی که بر خشت‌های پوک توهم بنا شده باشد با اولین تلنگرهای آگاهی انقلابی فرو خواهد پاشید . واقعیت این بود که در گذشته ، از شخص سماواتی (به عنوان یک کارگر اخراج شده) حقی ضایع شده بود و او در مطالبه حقوق پایمال شده‌اش در مقابل صاحبان کارخانه ذبح بود ولی مسئله این بود که او در مقام یک نماینده شورا ، این " حق فردی " را به محور بسج و تشکل توده کارگران بدل کرد . او نماینده واقعی " منافع خود " بود و نماینده غیرواقعی " منافع کارگران " . او نتوانست درک کند که چیزی به‌عنوان منافع واقعی " فردی " در کارخانه وجود ندارد و یک فرد (یک کارگر) هر اندازه هم که حش پایمال شده باشد هر چقدر هم که ذبح شود باشد ، ورای منافع واقعی توده کارگران کمترین حقانیتی ندارد و این از ابتدائی‌ترین اصول کار و مبارزه اجتماعی است . حق اجتماعی است ، همچنانکه تولید اجتماعی است .

تاکید شورا و سماواتی بر احقاق حقوق فردی و تثبیت موقعیتش که چه در مسئله گروگان‌گیری و چه در دیگر اقدامات آنها به وضوح خود را نشان می‌داد از یک طرف و بی‌پاسخ ماندن مطالبات صنفی کارگران از طرف دیگر ، به تدریج موجبات سلب اعتماد کارگران آگاه و نیمه‌آگاه را از سماواتی و شورا فراهم آورد .

عدم توجه شورا به خواست‌ها و مطالبات صنفی کارگران و عدم تمایل آشکار به طرح صریح این خواست‌ها و ناتوانی‌اش در سازماندهی مبارزه کارگران برای تحقق این خواست‌ها ، به تدریج انبوه بیشتری از کارگران را با این حقیقت آشنا می‌ساخت که این شورا نمی‌تواند مدافع واقعی حقوق آنان باشد . این روند تدریجی سلب اعتماد از شورا همچنان (با آهستگی ولی مداومت) تا به هنگام صادره کارخانه ادامه داشت . صادره و ملی شدن کارخانه ، یسا به عبارت دیگر ، خلع بد کورس‌ها از کارخانه توسط " بنیاد " ، نقطه عطف مهمی بود که الزاما بر مضمون مبارزه کارگران ، صف‌بندی نیروهای موافق و مخالف ملی شدن و به ویژه بر سرنوشته تشکل موجود (شورا) تاثیرات مهمی گذاشت که کم و کیف آن را در چارچوب تحولات دوره دوم ، (یعنی از تسخیر جاسوسخانه آمریکا به بعد) بررسی می‌کنیم .
ادامه دارد



جبهه مقاومت را به وسعت میهن خویش گسترش دهیم

اکنون که نیروهای رزمنده ما در مرزهای ایران به دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن مشغولند و با خون خویش شعار " استقلال - کار - مسکن و آزادی " را ترسیم می‌کنند ، برماست که تمام توان انقلابی‌خویش را برای بسیج توده‌ها به‌کار گیریم و پرچم مقاومت را در مقابل رژیم متجاوز عراق و متحدان امپریالیستش برافراشته داریم .

هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - (اکثریت) - استان سمنان
مهرماه ۱۳۵۹



کارگران مبارز ایران!

با ترمیم و بازسازی صدمات ناشی از جنگ و با ادامه تولید بر اساس امکانات تولیدی موجود و نیازهای ضروری مردم از انقلاب و منافع زحمتکشان دفاع کنید

۴- امر حفاظت و نگهداری از کارخانجات در طول شبانه روز به کمک پاسداران و سربا باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.

۵- کارگران و شوراهای سندیکاهاى آنان مى باید با ترمیم و بازسازی صدمات ناشی از جنگ و با ادامه تولید بر اساس امکانات تولیدی موجود و نیازهای ضروری مردم از انقلاب و منافع زحمتکشان دفاع کنند.

۶- تشکیل کمیته های فنی برای ترمیم خرابی های ناشی از جنگ باید به تمام تشکلهای توصیه شود تا خلأ قوت و تجربه کارگران در جهت بازسازی تولید به کار گرفته شود.

۷- کارگران باید با مشارکت فعال در انجمن ها ، شوراهای ، کمیته های محلی نقش برجسته خود را در دفاع از استقلال میهن به شوت رسانند.

مشارکت و نظارت فعال کارگران در سازماندهی توده های توزیع مایحتاج عمومی ضامن دفاع از منافع زحمتکشان در انقلاب است.

۸- تامین کنترل و نظارت بارزتر کارگران در امر توزیع و تولید ، نگهداری محصولات تولید شده در نقاط امن ، مبارزه با احتکار از وظایف مبرم تشکلهای کارگری در این شرایط است.

۹- تشکلهای کارگری با تاسیس صندوق های کارگری می باید از خانواده کارگران شهید و همه کارگرانی که از جنگ آسیب می بینند حمایت فعال به عمل آورند.

بزرگان در آنجا جریان دارد . کارگران با یک دست قبضه تفنگ را می فشردند و با دست دیگر چرخ تولید را پرتوان به حرکت درمی آوردند و خود را در روندهای زیر بیش از پیش سازمان داده و قدرتمند

سوختی و اولیه که موجب به مخاطره افتادن امر تولید می شود ، در مقابل طبقه کارگر ایران وظایف نویسی نهاده است . این وظایف را طبقه کارگر ایران با غریزه طبقاتی احساس کرده و در سطوح

آمریکا و تجاوزات رژیم عراق خواهد بود و دستاوردهای آن را که با توطئه های امپریالیسم و تجاوزات رژیم صدام حسین در پیوند با جبهه ضدانقلاب داخلی مورد تهاجم قرار گرفته ، پاسداری خواهد کرد .

سرد تاریخساز مردم ما که در تمامی عرصه ها ، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان ، امپریالیسم جهانخوار و دد منش آمریکا را شانه گرفته و در این مسیر امروز جبهه مستقیم خود را در مقابل تجاوزات رژیم جنایتکار صدام حسین گسترده است اکنون با تجاوز وحشیانه رژیم ضد مردمی صدام حسین ، استقلال میهن ، این دستاورد گرانبهای انقلاب با یورش تازه ای از جانب امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی و خارجی آن رهبرو است .

طبقه کارگر قهرمان ایران پیشاپیش مردم میهن علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام پیکار می کند

می سازند :

۱- شوراهای و تشکلهای کارگری با گسترش بیوندهای خود و انتقال تجارب به یکدیگر به تشکیل کمیته های دفاع از کارخانه برخاسته اند . کارگران باید از شورای عالی دفاع بخواهند آنان را مسلح کنند و قدرت رزمی کمیته های دفاع از کارخانه را ارتقاء دهند . کارخانه ها و تاسیسات صنعتی با مشارکت فعال کارگران باید در پوشش دفاع ضدهوایی قرار گیرد .

۲- تشکلهای کارگری با همکاری سازمان بسیج و سپاه پاسداران امر آموزش نظامی کارگران را باید مجدانه پی گیری کنند .

۳- تشکلهای کارگری باید برای تامین آموزش فنی ، امداد ، حفاظت کارخانه در برابر خطر آتش سوزی و دیگر آموزش های لازم اقدام به عمل بیاورند .

چشمگیری به کار بسته است . ننگران قهرمان سنگرهای دفاع از صنایع نفت را برپا ساخته و به اقدامات مبتکرانه ای برای ترمیم خرابی های ناشی از جنگ دست زده اند . کارگران کارخانه قند اصفهان اعلام کرده اند حاضرند ۴ ساعت اضافه کار کنند ، کارگران جنرال موتورز به بازسازی قسمت های تخریب شده کارخانه برخاستند و همراه با کارگران ، دهها کارخانه دیگر از دستمزد اندک خود مبالغی را برای جبهه جنگ فرستادند . کارگران شرکت صنعتی آما حاضر شده اند روزهای پنجشنبه و جمعه را نیز به کار بپردازند . کارگران لندورر داوطلبانه خودروهای جنگی را تعمیر می کنند و صدها سونه دیگر از این قبیل . کارگران دریافته اند که دشمنان انقلاب ، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا رژیم های ارتجاعی منطقه ، زمینداران و سرمایه داران بزرگ و دیگر نیروهایی که مورد حمایت امپریالیسم آمریکا هستند ، در جبهه های گوناگون درصدد صربه زدن به انقلاب است که پیکار

درک رسالتی که در مقطع کنوسی طبقه کارگر ایران برعهده دارد ، برای آینده بیروزمند جنبش کارگری ایران ، اهمیت عظیم و حیاتی دارد . انجام درست وظایفی که طبقه کارگر ایران امروز برعهده دارد ، زمینه ساز توانمندی جنبش کارگری در آینده خواهد بود . بذرهایی که امروز بر زمین خروشان مقاومت خلق و در برابر تجاوزگران افشانه می شود ، خرمن های پربرکت فردا را به بار خواهد آورد . هم اکنون کارگران نقش تعیین کننده ای در جبهه های مقدم نبرد برعهده دارند . حماسه ها و قهرمانی های خلق در پیکار عادلانه علیه تجاوزگران با نام و خون کارگران میهن آدین یافته است . با اینهمه در شرایط کنوسی جبهه نبرد طبقه کارگر ایران در کارخانه ها باید پابرجا و استوار بماند .

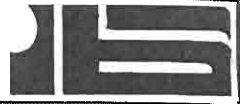
مباران و تخریب مراکز صنعتی مانند پالایشگاه ها ، کارخانه های نورد و صنایع فولاد ، پتروشیمی ، ناسیونال ، جنرال موتورز و دهها کارخانه دیگر اختلال در رساندن مواد

تجاوزگران خانه و کاشانه مردم ما را به شیوه بازی های بمباران می کنند ، صنایع و کارخانجات را میسوزانند ، حتی بیمارستان ها و مدارس نیز از این تهاجم وحشیانه مصون نمانده است . آذکار است که بیشتر فشار جنگ و عواقب آن بردوش کارگران و زحمتکشان میهن ماست و برزندگی ، روحیات و افکار طبقه کارگر ایران تاثیرات معیسی برجای خواهد گذاشت که به پشتوانه نقش سازمانگر و آگاهگرانه انقلابیون کمونیست می باید در راستای تشکل هرچه بیشتر کارگران و ارتقاء آگاهی طبقاتی آنان و بطور کلی توانمندی جنبش کارگری هدایت گردد .

طبقه کارگر ایران ، این ستون اصلی انقلاب ، گردانی که گلولی رژیم منور پهلوی را فشرد و پرچم مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را بر دوش گرفت ، در ماه های آینده نیز در عرصه های گوناگون مبارزه کماکان پیشاپیش سایر زحمتکشان میهن و به ویژه توده زحمتکش دهقانان ، ستون اصلی مقاومت در برابر توطئه های امپریالیسم

توضیح در مورد مطلب "چه کسانی در امر تولید اخلاص می کنند؟"

در مقاله "چه کسانی در امر تولید اخلاص می کنند" مندرج در کار شماره ۶۸ به اشتباه ماشین سازی پارس - همدان ، وابسته به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ذکر شده بود که بدینوسیله تصحیح می شود .



بقیه از صفحه ۹

دهقانان قریه "حیدرلو"
(ارومیه)

سلاحی که به

پنج قبضه اسلحه نیز دریافت کرد و تجاوز به جان و مال روستائیان را ادامه داد.

او و اطرافیان که همگی مسلح به سلاحهای کمیته هستند، از اولین روزهای روستائیان را مورد هجوم قرار دادند. نابودی ۲۱ راس گوسفند و یک تراکتور متعلق به زحمتکشان منطقه حاصل این تجاوزات وحشیانه است.

"مصیب" و هممالکیهایش با استفاده از سلاحهایی که مسئولین کمیته در اختیارشان میگذارند، مانع از این می شوند که دهقانان به کار کشت و زرع خود به درستی برسند.

زحمتکشان روستای "حیدرلو" در این رابطه بارها به ارگانهای مسئول از جمله استانداری، کمیته جهاد سازندگی، اداره کشاورزی و سپاه پاسداران شکایت برده اند. اما تاکنون هیچ اقدامی در جهت جلوگیری از خودسریهای این مزدور رژیم سابق به عمل نیامده است.

جالب این است که "حاج مصیب" و پسرش یک بار نیز توسط پاسداران دستگیر شدند ولی این بارهم با وساطت ملا فلاح رئیس کمیته آزاد گردیدند.

زحمتکش اهالی "حیدرلو" مسلماً به جلوگیری مقامات مسئول در جلوگیری از اقدامات ضد انقلابی "مصیب" و نظایر او تن نخواهند داد. آنها ضمن افشای این ناپیگیریها و سیاستهای نادرست تمامی مساعی خود را به کار خواهند گرفت تا به خواست واقعی خود برسند زیرا:

سلاحی که به قیمت خون هفتاد هزار شهید به دست مردم افتاده است، نباید در اختیار دشمنان انقلاب گذاشته شود. این سلاحها باید در اختیار کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان قرار گیرد تا هرگونه تجاوز و تهاجم به انقلاب و استقلال را در نطفه خفه کنند.

بقیه از صفحه ۲۴

پیام

مادران شهدای سازمان چریکهای

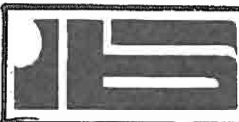
ترسی ندارند که آن را تهدیدی برای حاکمیت خود ببینند. دوستان ما آنها هستند که به قدرت مردم تکیه می کنند و با بسیج آنها به پیش می روند. دوستان ما آنها هستند که در هر گوشه جهان بر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و سرسپردگانش مبارزه می کنند. ما با تمام نیروهای ضد امپریالیست در دنیا متحد می شویم تا دشمن مشترکمان را از پا درآوریم و می دانیم که فقط این اتحاد است که ما را در مبارزه به پیروزی می رساند.

ما مادران، مبارزه با دشمن را از فرزندان و مردم قهرمانان آموخته ایم و در مبارزه با دیکتاتوری شاه پایه پای فرزندانمان در پشت درهای زندان و میدانهای نبرد مبارزه کرده ایم و از شهادت فرزندانمان باکسی نداشتیم چرا که همواره می گفتیم "روزی که خلق بداند، هر قطره خون تو محراب می شود" و اکنون نیز باکی نداریم و هیچ چیز ما را ناامید و دلسرد از مبارزه نمی کند.

ویرانی - خرابی و بی خانمانی، کشتار وسیع و

کمکهای مالی دریافت شده

Table with 11 columns (الف to م) listing financial aid received from various individuals and organizations. Includes names like 'مادر عزیز عزت همیشه به ما کمک می کند' and amounts in Rials.



پیکار علیه تجاوز رژیم صدام

بقیه از صفحه ۲

ساخته‌اند، باید هرچه زودتر مواضع خود را مشخص سازند. در نبرد گسترده‌ای که میان جبهه انقلاب و ضدانقلاب در میهن ما در گرفته، این جریان‌ها یا باید نه در حرف، بلکه در عمل، مرگ بر امپریالیسم آمریکا را بپذیرند و از جمهوری اسلامی در برابر تجاوزات داخلی و خارجی که هدفشان به قدرت رساندن یک رژیم وابسته به امپریالیسم و به شکست کشاندن انقلاب ایران است، دفاع کنند و یا باید همچنان با شعارهای کاذب "مرگ بر ارتجاع" و غیره عملاً مبارزه علیه امپریالیسم را تحت‌الشعاع مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران بدانند و در عمل با امپریالیسم آمریکا، رژیم ضد مردمی عراق و جبهه ضد انقلاب داخلی علیه انقلاب مردم ایران همسو شوند. همان کاری که سازمان پیکار هم‌اکنون آشکارا دنبال می‌کند.

این جریان‌ها از "اقلیت" "راه‌کارگر" گرفته تا "سازمان مجاهدین خلق"، امروز دیگر باید تحلیل‌ها،

تئوری‌ها و شعارهای خود را که جنگی براساس توهمات بی‌پایه بنا شده بودند بر مبنای همان تحلیل‌ها علیه تبلیغ اصولی سازمان ما می‌کردند، به دور اندازند. هر یک از این گروه‌ها بخواهند همچنان چشمان خود را بر واقعیت‌های جاری جامعه ما که از ظهرن‌الشمس است، ببندند و بر تحلیل‌های سراپا نادرست خود بایستند، یا مجبورند همچنان مبارزه علیه جمهوری اسلامی را بر مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا مقدم سازند که این همسویی صریح و آشکار با رژیم‌های ضد مردمی عراق و دیگر رژیم‌های مرتجع و وابسته منطقه است و یا باید به نوعی بی‌عملی یعنی همان چیزی که هم‌اکنون عمیقاً دچارش هستند، تن در دهند. در شرایطی که امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های مرتجع و وابسته منطقه از کانال رژیم ضد مردمی عراق جنگی همه‌جانبه را به خلق ما تحمیل کرده‌اند، صف‌بندی طبقاتی در قبال این تجاوز همه‌جانبه به انقلاب آنقدر سریع اتفاق خواهد افتاد که

این جریانات تنها با رد شجاعانه همه تحلیل‌ها و ارزیابی‌های خود آن‌ها نه در حرف بلکه در عمل می‌توانند از در غلتیدن به جایگاهی که تاریخ از آن‌ها جز همسویی با ضدانقلاب یاد نخواهد کرد، نجات یابند. امروز دیگر کاملاً معلوم است که در عمل انقلابی بودن، به معنی آن است که عمیقاً و با تمام وجود درک کنیم که این جبهه ضدانقلاب جهانی است که به مرزهای ایران تجاوز کرده، که تلاش دارد غرب میهن ما را جدا سازد، که خانه‌های مردم قهرمان شهرهای آبادان، خرمشهر، اهواز، دزفول، مسجد سلیمان را بر سر مردم خراب می‌کند، که گلوله‌هایش سینه زحمتکشان تلاش دارد دست‌نشانگان خود را در ایران به قدرت برساند. در این شرایط مبارزه علیه امپریالیسم و علیه جبهه ضدانقلاب و پاسداری از استقلال میهن هیچ مفهوم و معنی دیگری ندارد. دفاع از جمهوری اسلامی در برابر جبهه ضدانقلاب جهانی ندارد، هر نیرویی که بخواهد بر این واقعیت مثل روز آشکار پورده چهل و نادانی و پرده عوام‌فریبی بکشد، آشکارا به انقلاب ایران و به تمام زحمتکشان که با تمام

وجودشان و در همه صحنه‌های نبرد با گوشت و خون خود علیه امپریالیسم پیکار می‌کنند، پشت کرده است. آری، میهن ما امروز صحنه داغ‌ترین نبرد انقلاب و ضدانقلاب جهانی است. شرکت گسترده و فعال در این نبرد تنها با مراجعه و شرکت فعال در نهادهایی مثل بسیج، سپاه و... میسر است. آنهایی که زیر پوشش "صف مستقل" که هرگز معنی و مفهوم آن را نفهمیده‌اند، مراجعه به این نهادهای را نفی می‌کنند و صف مستقل را با سنگر مستقل" که آن‌ها فقط در عالم خیال می‌توانند وجود داشته باشد، عوضی می‌گیرند، عوام‌فریبی می‌کنند که در پیکار علیه امپریالیسم و جبهه ضدانقلاب بی‌عملی را تبلیغ می‌کنند و بزرگترین خیانت‌ها را به آرمان زحمتکشان مرتکب می‌شوند. همان حرف‌هایی را می‌زنند که دشمنان انقلاب نیز برای تبلیغ بی‌عملی میان مردم شب و روز تبلیغ می‌کنند. بارستگین این پیکار عظیم بر دوش توده‌های میلیونی میهن ما و بیش از همه بر دوش طبقه کارگر قهرمان ایران و زحمتکشان مبارزما است. امپریالیسم آمریکا و تمامی جبهه ضدانقلاب را فقط پیکار

عادلانه توده‌های مسلح و مشکل ما به زانو در می‌آورد و آنان که به نیروی لایزال زحمتکشان ایمان دارند، همه توان خود را پیگیرانه به کار می‌گیرند که در این پیکار سرنوشت ساز همواره و در هر حال در کنار توده‌ها باشند. باید به همه عناصر فعال و پرشور، همه آنهایی که صادقانه می‌خواهند در پیکار تاریخ‌ساز خلق کبیرمان علیه امپریالیسم و علیه جبهه ضدانقلاب شرکت کنند، توصیه کنیم که فعالانه و با پیگیری در بسیج شرکت کنند. باید به هر کجا که نشانی از مبارزه توده‌ها است باید به هر کجا که توده‌ها حضور دارند، در جبهه، در سنگر، در کارخانه و روستا... فعالانه و با عشق و پیروزی توده‌ها حاضر باشیم، باید همدوش با توده‌ها به مراکز بسیج به سپاه پاسداران و به هر جا که سنگر پیکار علیه امپریالیسم برپا می‌شود مراجعه کنیم و با پیگیری و شکیبایی در همه فعالیت‌های انقلابی توده‌ها شرکت فعال و همه‌جانبه داشته باشیم و در این راه از هیچ مانعی نهراسیم. این است معیار انقلابی بودن، معیار تلاشی گسترده در راه گسترش و تحکیم صف و سیاست مستقل طبقه کارگر و وفادار بودن به آرمان زحمتکشان.

مقاومت شورانگیز

بقیه از صفحه ۲

مقصودشان آن است که با ارباب مردم، نواحی جنگ‌زده را از سکنه خالی کنند! ضریب مرگ چه در جبهه، چه در خیابان و چه در خانه تقریباً یکسان است. مواردی دیده شده است که هواپیماهای عراقی نیم‌ساعت پس از یورش اولیه با آگاهی به ازدحام زخمی‌ها در مراکز درمانی، بیمارستان‌ها را بمباران کرده‌اند تا گشتار وسیع‌تری صورت گیرد.

یک شاهد عینی پس از بمباران هواپیماهای عراقی به یک ایستگاه راه‌آهن در "دوکوه" از باران خون و گوشت انسان یاد می‌کرد که چگونه ساعت‌ها تکه‌های بدن زن و کودک، پیر و جوان خوزستانی بر نخل‌های اطراف ایستگاه آویزان مانده بود!

حمله وحشیانه هواپیماها و موشک‌های عراقی به دزفول تنها ۱۱۰ کشته داشته است. نقاط مورد حمله محلات فقیرنشین شهر بود، بمب‌های رژیم صدام حسین به روی خانه‌های گل‌سوی زحمتکشان دزفول فرو می‌ریخت.

زیر بمباران هواپیماها و آتش توپخانه عراقی‌ها، مردم، توده‌های میلیونی مردم، آنانی که صفوف راهپیمایی‌های میلیونی را فشرده‌تر می‌سازند، آنان که سنگرهای قیام بهمین و سنگرهای مقاومت و پیکار عادلانه علیه تجاوزگران را برپا ساخته‌اند، همچنان حماسه می‌آفرینند و تاریخ بشریت در حال پیکار با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را با قهرمانی‌های خود سرشار می‌کنند!

در یادداشت یکی از رزمندگان فدائی می‌خوانیم: "از دلاوری‌های مردم روحیه و ایمان می‌گیرم. همه چیز مردمند! هرزمان که آنها در صحنه پیکارند، شکست و ناکامی از آن تجاوزگران است." در یکی از حملات دزفول بر سر در خانهای که فرزندان در جنگ شهید

سازمان یافته است. گاه‌گذاری به‌ویژه در دزفول و نواحی آن صدای گرم و دلاورانه رزمندگانی که به لجه لری حماسه‌های فردوسی را سر داده است، در سکوئی که تنها با صدای توپخانه شکسته می‌شود، به‌گوش می‌رسد. یک گزارش نیمه موثق حکایت از قهرمانی‌رزمندگانی دارد که با بستن نارنجکی به کمر و انفجار خود یکی تا یک دشمن را منهدم ساخته است. همین گزارش این قهرمانی را چنین توصیف می‌کند: "رفیق با نارنجک، تا یک و خودش را منفجر کرد، در حالی که فریاد می‌زد، مرگ بر امپریالیسم... زنده باد خلق!"

همه گزارش‌ها حاکی از فدکاری و قهرمانی‌های مردم زحمتکش، پاسداران، پرسنل انقلابی و انقلابیون کمونیست است. همه گزارش‌ها حاکی از آن است که تجاوزگران با شکست و ناکامی کامل روبرو خواهند بود. پیکار عادلانه در جبهه‌های به وسعت همه کارخانه‌ها و همه شهرها و

به‌وسعت مزارع میهنمان ادامه دارد. جنگ مقاومت تنها در کوهپایه‌های زاگرس و دشتهای خوزستان جریان ندارد. تمامی خلق‌های میهنمان به پا خاسته‌اند! باید خصم تجاوزگر را درهم شکست باید کاملاً هشیار باشیم. ضرب‌المثل "به هنگام جنگ، بسان جنگ" را در یاسیم و همجا و به هر قیمت آن را رعایت کنیم. اینک این آواز خروشان و نیروبخش در همه‌جا طنین‌انداز است: متحدم، مصمم و پرخروش پیکار عادلانه علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و تجاوزات رژیم جنایتکار صدام حسین را ادامه می‌دهیم.

* منظور از مثلث دود این است که هواپیماهای عراقی اول سمنطقه حساس شهر را بمباران می‌کنند، سپس از داخل خاک عراق هدف مورد نظر را در میان مثلث دود مشخص کرده و با توپ‌های دوزن به توپ می‌بندند.

پیام

مادران شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

به مادرانی که فرزندان خود را نثار آزادی و استقلال میهن می کنند

امپریالیسم آمریکا پس از انقلاب سکوهند مردم میهن ما که به منافع آن در منطقه ضربات جدی وارد آورد ، سعی کرده اسب به طرق مختلف منافع از دست رفته خود را دوباره به دست آورد . او بعد از تلاشهای مذبحانهای که نتوانسته است با شیوههای مسالمت آمیز رژیم وابسته به خود را در ایران به روی کار آورد ، با شیوههای خسونت آمیز به میدان آمده است و ما شاهد عملیات نافرجام طبس و کشف توطئه کودتا در چند ماهه اخیر و حضور فعال نظامی آمریکا در منطقه و مخصوصا خلیج فارس و تقویت این نیروها هستیم .

اما رژیم جنایتکار صدام حسین ، که جنبش انقلابی ایران را خطری برای حاکمیت خود می داند و تاثیر آن را بر مردم مبارر عراق می بیند ، که از به پسا خاستن مردم عراق وحشت دارد ، که نمی خواهد در جهت منافع مردم عراق قدم بردارد ، طبیعی است که از آگاه شدن آنها و حرکت آنها وحشت داشته باشد . او که منافعی با منافع سرمایه داران و استثمارگران گره خورده است معلوم است که از هر حرکتی که بر علیه ستم و استثمار آن هم در همسایگی خود به وحشت افتد و به چنین حرکات جنون آمیزی دست زند ، به خاک ایران تجاوز کرده و مراکز مسکونی و اقتصادی ایران را بمباران کند .

رژیم عراق از همان آغاز جنبش انقلابی ایران به درستی زنگ خطری را در گوش خود شنید و به هر وسیله ، دشمنی و ستیز خود را با جنبش انقلابی ایران نشان داد و با ایجاد تضيیقات برای اقامت آیت الله خمینی در نجف و حمایت از بختیار و اویسی و پالیزبان و دیگر سرسپردگان آمریکا در عمل دوستان و دشمنان خود را انتخاب کرد . حمایت آمریکا از بختیار و اویسی - فرماندهان مزدور فراری و همچنین حمایت عراق از آنها ، حمایت کشورهای ارتجاعی منطقه از عراق ، به خوبی نشان دهنده هم جهت شدن منافع آنها می باشد و امروز هم آمریکا خوشحال و در کمین نشسته است تا از طریق بحرانی که در جریان جنگ کشور ما را فرا می گیرد ، به زانو در آئیم و به دامان او بازگردیم .

زهی بی شرمی . مردم کشور ما که دهه ها سال سلطه غارتگرانه آمریکا را تجربه کرده اند و هر روز و هر آن با جنگ و دندان بر پیکر آن پنجه افکنده اند تا آن راهم چون سگی کنیف و زخمی به بیرون برتاب کرده اند ، هرگز به او رو نمی آورند . ما در این دنیای پهناور دوستان بسیاری داریم و هرگز به دامان دشمن پناه نمی آوریم . دوستان ما از قدرت مردم ، از آگاهی مردم بقیه در صفحه ۲۲

در حاشیه پرسش و پاسخ آقای کیانوری

آرزو بر «جوانان» عیب نیست!

<p>می ستیزند و همواره پیگیرترین دشمنان تبلیغات عوامفریبانه بورژوازی و خرده بورژوازی اند . هرگونه تلاش برای بهره برداری از تمایلات عقب مانده توده ها ، هرگونه تلاش برای ایجاد توهم و فریب مردم و یا بزرگ و کوچک جلوه دادن واقعیتها دشمنی با اشاعه آگاهی ، دشمنی با شناساندن حقایق به توده ها و نتیجتا دشمنی با رشد مارکسیسم - لنینیسم بقیه در صفحه ۱۸</p>	<p>مارکسیسم - لنینیسم حقایق تاریخی دارد و آنچه حقایق دارد همواره و در همه حال از آگاهی توده و از شناساندن حق و حقیقت به مردم که نهایت آن پی بردن توده ها به آن چیزی است که حقایق دارد . دفاع می کند . از همین رو است که انقلابیون کمونیست همواره و در همه حال ، بدون در نظر گرفتن مصالح فردی و گروهی و حقیر خود ، حقایق را به مردم می گویند و با تحمیق و فریب توده ها</p>	<p>کمونیست ها سرسخت ترین دشمنان چهل و پیگیرترین مدافعان اشاعه آگاهی و شناساندن حقیقت به مردم اند . اگر اندیشه ها و عقاید بورژوازی تنها بر بستر ناآگاهی و فریب توده ها پذیرفته شده و اقبال می یابد درست برعکس آن ، مارکسیسم - لنینیسم تنها در بستر آگاهی هر چه بیشتر مردم و زدودن هرگونه زنگار توهم و فریب در میان توده ها اشاعه و گسترش می یابد!</p>
--	---	--

اعضای پیمان دوستی ۲۰ ساله شوروی با سوریه

بیانگر دفاع شوروی از خلق های منطقه

برای کسب استقلال و آزادی است

اتحاد شوروی و سوریه طی بیانیه مشترکی سیاست امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس را محکوم نموده و همبستگی خود را با انقلاب ایران اعلام کردند! در صفحه ۴

به مناسبت فاجعه زلزله شهر "اصنام"

پیام تسلیت

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

به مردم و دولت الجزایر

خبر تاسف بار فاجعه زلزله شهر "الاصنام" که باعث کشته شدن هزاران تن از مردم الجزایر و بروز خرابی های بی شمار گردید ، مردم میهن ما را نیز در اندوه و نگرانی فرو برد . خلق ایران خود را در تاسف و تالم مردم قهرمان الجزایر سهیم می داند .

مردم و دولت الجزایر در مبارزه عادلانه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا همواره دوست و متحد مردم ما بوده اند . مردم و دولت الجزایر تاکنون نقش شایسته ای در مبارزه علیه رژیم اشغالگر و صهیونیستی اسرائیل و دفاع از مبارزات خلق فلسطین برعهده داشته اند . انقلاب ایران و انقلاب الجزایر با یک هدف واحد پیش می روند و آن پیکار برای نابودی سلطه امپریالیسم تجاوزگر جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است . از این رو هر ضربهای به انقلاب و مردم قهرمان الجزایر ، ضربهای به انقلاب مردم ایران و ضربهای به پیکار عادلانه خلق های سراسر جهان است .

ما ایمان داریم مردم و دولت الجزایر همانگونه که همه سختی های ناشی از مبارزات عادلانه خود علیه امپریالیسم فرانسه را برای ایجاد کشوری مستقل تحمل کردند ، با تلاشهای قهرمانانه خسارات عظیم مادی و معنوی فاجعه دلخراش زلزله "الاصنام" را نیز به سرعت ترمیم کرده و در راه بنای الجزایری آباد و خوشبخت پیش خواهند رفت .

مبارزه مردم الجزایر و بشریت ترقیخواه برای پیشرفت و ترقی اجتماعی در عین حال متوجه غلبه بشریت بر نیروهای کور طبیعت و اجتناب از مصائبی است که اینک هزاران زحمتکش الجزایری با آن روبرویند . ما ایمان داریم که زحمتکشان ما و شما و همه خلق های تحت ستم جهان با گام های استوار در این عرصه نیز به پیروزی های چشمگیر دست خواهند یافت .

با آرزوی پیروزی و کامیابی برای خلق قهرمان الجزایر

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۱ مهرماه ۱۳۵۹

ره نمود سازمان

به رفقا و هواداران

از آنجائی که توضیح و تبلیغ مواضع سازمان وظیفه انقلابی و مبرم تمامی هواداران سازمان است و با توجه به شرایط حساس کنونی میهنمان که صرفه جوئی همه جانبه ای را از همگی ما طلب می نماید ، لازم است رفقای هوادار وظیفه انقلابی تبلیغ و توضیح نظرات سازمان را با توجه به موارد زیر به پیش ببرند :

۱- اعلامیه ها ، تراکت ها و اطلاعیه های سازمان را به صورت دست نویس و بزرگ نویس تکثیر کرده و در محل های مناسب نصب نمایند .

۲- شعارهای تبلیغی و تهیه ایی سازمان را وسیعا و با استفاده از تکنیک های مختلف به میان مردم ببرند .

۳- پی از مطالعه نشریات و اعلامیه ها برای استفاده های بعدی آن را در اختیار دیگران قرار دهند .

۴- ضمن رعایت کامل صرفه جوئی ضرورت رعایت آن را برای دیگر رفقا و هم میهنان مبارز تاکید نمایند .

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر